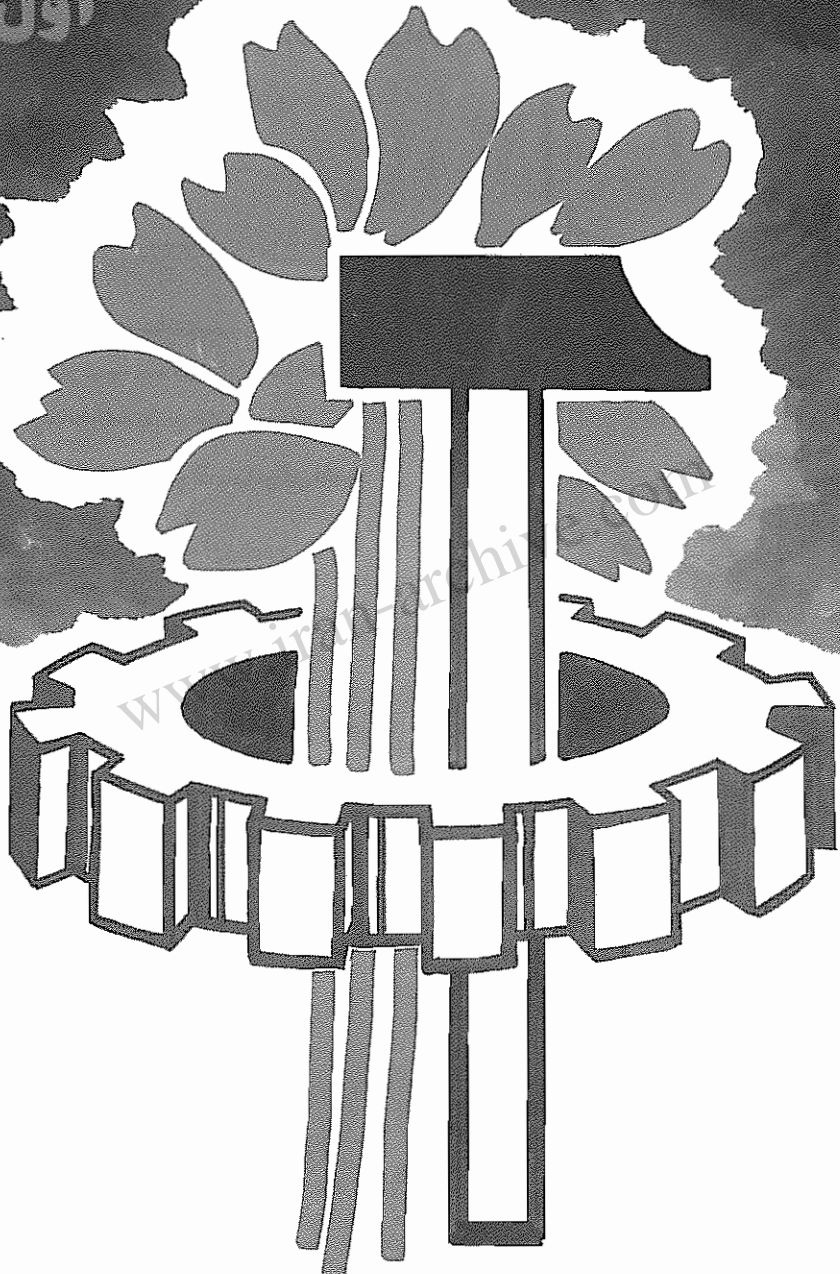


نشریه دانشجویان موادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور

سال پنجم اردیبهشت ۶۵ مه ۸۶ شماره ۴۲

اول ماه مه

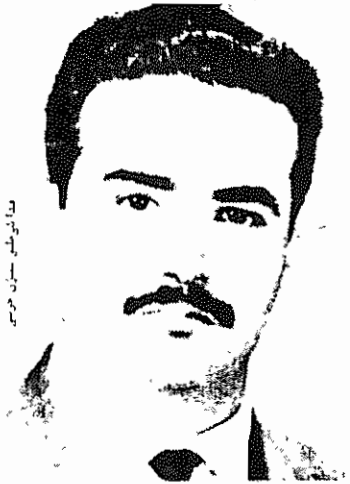
روز جهانی کارگر ۱۹۸۶-۱۸۸۶



گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بارفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرامون حمله سلطانیه به مرکز فرستنده رادیو "صدای فدایی"

در این شماره

یاد رفیق کبیر بیژن جزنی
و همزمانش
گرامس باد



یاد رفقا
شیرین فضیلت کلام و
مرضیه احمدی اسکویی
گرامس باد



نوضیح
به علت تراکم مطالب، قسمت
دوم مقاله‌ی "نگاهی به تاریخ
مبارزاتی خلق کرد" در شماره‌ی
آینده چاپ خواهد شد.
ضمناً، به همین دلیل، صفحات
"واژه‌ها" و "یادها" نیز
در این شماره‌ی جهان چاپ
نمی‌شود.

۳ توطنه جاسوسی مجاهدین محکوم است

۴ گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بار رفیق عضو کمیته
مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریک‌های فدایی خلق
ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

۸ اخبار ایران

۱۲ اخبار جهان

۱۷ اخبار جنبش دانشجویی

۱۹ گزارشهایی از عملیات جاسوسی و شناسایی، تعقیب و
مراقبت و ضرب و شتم هواداران سازمان توسط
فلاترهای مجاهدین در کشورهای مختلف

۲۲ ناتوانی اوپک در تثبیت بهای نفت
و

سقوط درآمد ارزی رژیم

۲۶ تاریخ مختصری از برگزاری جشن اول ماه مه در ایران

مترجمه از نشریه قطار و ماه روز جهانی کارگر اردیبهشت ۱۳۷۰

۲۸ در پاسخ به هنگامی‌های آقای رجوی

۴۹ از خوانندگان

۵۱ شهر

توطئه جاسوسی مجاهدین محکوم است

سازمان مجاهدین خلق اخیراً با معرفی برخی از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و اقدامات جاسوسی علیه عوادلاران سازمان در خارج از کشور و انتشار نام و عکس و مشخصات آنان* و همچنین ضرب و جرح رفقای عوادلار گام دیگری در جهت خیانت به جنبش انقلابی ایران و خدمت به بورژوازی و ارتجاع پییموده است. مجاهدین، بر خلاف ادعایشان در اعنده دانستن " مبارزه علیه خمینی " مدتهاست مخالفت و جنگ بیمارگونه‌ای را علیه طبقه کارگر ایران و تیلور سازمان یافته آن یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برآه انداخته‌اند. رهبری مجاهدین که تصاحب قدرت را در موعدهای سه ماهه و شش ماهه به عوادلاران خود نوید می‌داد امروز با شکست عمده سیاستهای جدا از توده خود و دیپلماسی بورژوازی‌اش و اضمحلال " شورای ملی مقاومت " خود را در بن بست و بحرانی لاعلاج می‌یابد. رهبری مجاهدین سعی دارند همه‌ی این شکست‌ها را به گردن سازمانهای انقلابی انداخته و با مبارزه علیه صف انقلاب بار دیگر " تنها آلترناتیو بودن خویش را به امپریالیست‌ها ثابت کند. اگر تا دیروز محور اصلی حرکت مجاهدین در خارج از کشور کرنش به درگاه سران دولتهای امپریالیست و دست نشانندگان آنان بود، امروز جاسوسی علیه نیروهای انقلابی و لو دادن اعضای مخفی سازمانهای انقلابی و مبارز درون کشور را پیشه

* سازمان مجاهدین در " مجاهد " شماره‌ی ۲۷۹ نام و مشخصات تعدادی از رفقای سازمان و در شماره‌ی ۲۸۵ همین نشریه عکس و نام و مشخصات برخی از عوادلاران سازمان را انتشار داده است.

ضد انقلابی خویش ساخته‌اند تا کسی دیگر در یگانگی این " آلترناتیو " بورژوازی و ضدیتش با انقلاب شک و شبیه‌ای به خود راه ندهد.

رجوی، با به کار بردن کثیف‌ترین عبارات علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و عوادلاران صادق و مبارز آن و با تشویق طرفداران خود به تکرار طوطی وار این اراجیف و حملات فالانزگونه علیه نیروهای انقلابی در خارج از کشور، در حقیقت سعی دارد ضعف و زبونی سازمان مجاهدین را در مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی لایوشانی کند.

عوادلاران مجاهدین در خارج از کشور که بنا بر دستورات رهبری این سازمان مدتهاست آکسیونهای تهاجمی و حتی اعتراضی علیه رژیم را تعطیل کرده‌اند و از ترس اینکه مبدا دولتهای امپریالیستی به آنان انک " ماجراجویی " و " اغلالگری " بزنند مظلوم نمایی و چاپلوسی را پیشه خود ساخته‌اند، امروز وقاحت را به جایی رسانده‌اند که از عوادلاران سازمان بیلان مبارزات آنان را خواستارند. عوادلاران سچفا که طی چند سال اخیر با مبارزات پی‌گیر و آکسیونهای تهاجمی خویش روزگار را بر عوامل رژیم در سفارتخانه‌ها و دیگر مراکز جاسوسی سیاه کرده‌اند و با افشاگری‌های عمده‌ای در سطح جهان موفق به بی اعتبار ساختن جمهوری اسلامی در اذهان عمومی بین‌المللی شده‌اند، به هرگونه شانتر از سوی عوامل بورژوازی تنها به دیده تمسخر خواهند نگریست.

آقای رجوی، " رهبر " خودگزیده " انقلاب نوین ایران " بی‌شرمانه خواستار آن است که سازمان چریکهای

فدایی خلق در اقبال توطئه، جنایتکارانه باند مدنی - شبیانی علیه صدای فدایی، به او (رجوی) جوابگو باشد. امروز حقایق پیرامون این توطئه روشن شده و نقش عنصر خود فروخته‌ای چون مهدی سامح، به عنوان فرستاده مجاهدین در تحقق زمینه‌های این جنایت ثابت شده است. بنا بر این طبیعی است که پرده‌ی بعدی این دسیسه وارد آوردن تهمت و افترا علیه اعضای سازمان و لو دادن نام و مشخصات آنان توسط مجاهدین همراه با پشتیبانی ضمنی از باند مدنی باشد.

رهبری مجاهدین امروز از پاریس فتوا صادر می‌کنند که نیروهای انقلابی باید " موضعشان را در اقبال خلق قهرمان ایران روشن کنند. "

موضع سرفراز انقلابیون جان بر کف ایران و در پیشاپیش آنان، فداییان خلق، در اقبال خلقهای قهرمان کشور همیشه روشن و مایه افتخار بوده است. حقیقتاً آنکه موضع خویش را باید روشن سازد کسی جز سازمان مجاهدین خلق نیست. مجاهدین که در سالهای اخیر عملکردی جز نزدیکی با امپریالیست‌ها و سازش و مماشات با سران دولتهای ارتجاعی و بورژوازی داخلی نداشته‌اند چگونه به خود جرأت می‌دهند که از سازمانهای انقلابی ایران بیلان مبارزاتیشان را طلب کند.

رهبری مجاهدین که سالهاست هم‌نشین کره‌ترین چهره‌های سیاسی امپریالیسم جهانی همچون کندی، گری عارت، ژاک شیراک و جز اینان شده است و خون ده‌ها هزار از جوانان کشور را وثیقه سازش و ایجاد روابط حسنه با دست نشانندگان امپریالیسم و جنایتکاران منفوری همچون ملک حسین کرده است، چگونه به خود جرأت

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بارفیک عضو کمیته

مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو "صدای فدایی"

وچپ را تضعیف کنند بلافاصله رژیم دیکتاتور با ائتلاف‌هایی از سرمایه‌داران و دست‌نشانندگان خود را بمشابه اقلیتی غارتگر، برای اسارت توده‌های میلیونی مورد پشتیبانی قرار داده‌اند. در ایران علیرغم نقش فعال و همدانیم‌سازمان در سرنگونی رژیم شاه با اینهمه بعد از سرنگونی این رژیم دیکتاتور، در غیاب یک سازمان نیرومند طبقه کارگری آلترنا تیو پرولتری یکی از خشن‌ترین و وحشی‌ترین حکومت‌های تاریخ را در دفاع از استثماریگران برپا نموده‌اند که جز با حمایت همه‌جانبه امپریالیسم جهانی و کمک‌های بیدریغ به این رژیم، ادامه حکومت جا برانه جمهوری اسلامی تا به امروز میسر نبود.

سؤال: حمله مسلحانه به مرکز فرستنده "صدای فدایی"

چگونه انجام شد؟

جواب: در روز چهارم بهمن ماه با ندر خود فروش مدنی - شیانی طی طرحی از قبل ریخته شده به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان حمله کردند. از آنجا که تحقیق پیرامون این جنایت ضرورتاً به زمان بیشتر و راه‌اندازی در این زمینه نیاز داشت، اکنون که حقایق و نتیجه تحقیقات انجام یافته مشخص شده است، بخاطر آگاهی عموم هموطنان مبارز، سازمان‌های انقلابی و مترقی و مردم سراسر جهان و قضای آن‌ها در باره این جنایت هولناک و عاملین اصلی این خیانت‌ها که هیچگونه شمره‌ای جز خدمت به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی به ما نیاورده است، به توضیح در این باره می‌پردازیم و قضای آنرا به همه کسانی که با عشق به آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم و وجدان انقلابی نسبت به مسائل اجتماعی می‌اندیشند، می‌گذاریم. می‌دانید که از همان ابتدای شروع برنام‌های "صدای فدایی" حملات کینه‌توزانه عوام‌مآل امپریالیسم، طرفداران بورژوازی در ایران، مرتجعین منطقه و جریان‌های رفرمیست و بورژوا لیبرال و دیگر محافل ضد فدائی شناخته شده علیه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و "صدای فدایی" شدت گرفت. ابتدا سعی کردند توری و نمودار زندگی "صدای فدایی" شنیده نمی‌شود و در هیچ جای ایران قابل استفاده نیست! پس از آن در ضدیت با سازمان مطرح کردند مگر با رادیو می‌شود کاری از پیش برد؟! اصلاً چرا اسمش را "صدای

سؤال: بی‌گمان یکی از هولناک‌ترین توطئه‌های حنا بیت‌باری که طی چند سال گذشته علیه سازمان صورت گرفته است حمله اخیر عوام‌بورژوازی به "صدای فدایی" می‌باشد. با توجه به ابعاد این جنایت نظر شما در باره این توطئه مسلحانه و نقش امپریالیسم و ارتجاع در آن چیست؟

جواب: اکنون که روند انقلاب در ایران فرو پاشی واضح‌تر از رژیم جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده است نیروهای طرفدار بورژوازی نیز بخاطر حفظ سیاست سرمایه‌داری به پیش‌پیش‌علیه نیروهای انقلابی به تکیه پوافتاده اند. طرفداران نظام سرمایه‌داری در ایران تلاش دارند حکومت مطلقه و استثماری را برپا دارند تا رگ‌های و زحمتکشان در ایران مستحکم نمایند. جای هیچگونه تردیدی نیست که بخشی از تلاش‌های آنان در جهت تضعیف نمودن سازمان‌های انقلابی و کمونیستی و در رأس آنها سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران می‌باشد.

می‌دانید که امپریالیسم و ارتجاع همه‌جا بطور آشکارا در عمل نمی‌شوند، برای جرای این توطئه و حمله به "صدای فدایی" آنها از عوام‌نفوذی خود در درون سازمان استفاده کردند و بطور پنهانی سیاست خود را از طریق آنها پیش بردند. آنها خوب می‌دانند که با وجود حضور فعال نیروهای سازمان در پیش‌پیش‌پیش توده‌ها در صحنه مبارزه حکومت خودکامه دیگری اینبار چه شکل جمهوری دمکراتیک اسلامی رجوی و چه نوع غیر اسلامی برپا به بهره‌کشی از کارگران و بطور کلی انقیاد دویا ره توده‌های مردم میسر نیست، بنابراین ترجیح دادند با استفاده از عوام‌مل رنگارنگ خود و میان‌داخلی‌شان "صدای فدایی" را آماج حملات همه‌جانبه خود قرار دهند، تا بخیال خام خود بتوانند از این طریق مانع گسترش روز افزون نفوذ سازمان در میان کارگران و زحمتکشان گردند. آنها در نظر دارند نیروهای انقلابی بویژه سازمان ما را تا می‌توانند تضعیف نمایند که صدایشان بگوش توده مردم نرسد و آنوقت با فراغ خاطر بمنظور حفظ و حراست از نظام سرمایه‌داری حکومت دیکتاتور مورده نظر خود را جایگزین نمایند. کاری که امپریالیسم در سراسر دنیا انجام می‌دهد. در هر کجا که امپریالیسم و ارتجاع موفق شدند در کوتاه مدت جنبش‌های آزادیبخش را سرکوب نمایند و سازمان‌های انقلابی

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان جریکهای فدایی خلق ایران بپیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

فدائی "گذاشتند؟ و یکسری مسائل دیگر که از حوصله ایستادن گفتگو خارج است. هنگامیکه "صدای فدائی" با استقبال پرشور کارگران و زحمتکشان ایران روبرو شد و با ره بفسف گلویشان را فشرده و مطرح کردند "صدای فدائی" اخبارش کم است، رادیوئی که اخبارش کم باشد اصلاً بدردمنی خورد! البته ما هیچوقت نخواستیم کمبود اخبار در برنا مه های "صدای فدائی" را توجیه کنیم و در حد توان برای رفع این نقیصه تلاش کردیم. ولی حتماً می دانید که این فقط "صدای فدائی" نبود که اخبارش کم بود، و اینکه چرا می باید این ضعف برجسته شود و از آن نتیجه گیری شود که "صدای فدائی" بدردمنی خورد! خود موضوعی است که با توضیح پیرامون حمله به "صدای فدائی" خوانندگان بخوبی آرا در می یابند. بهر صورت در همین هنگام متوجه شدیم مصطفی مدنی که در سال ۶۰ با اظهارنداشت و پیشمانی از گذشته ننگین اش از جریان خائنه موسوم به "اکثریت" به سازمان پیوسته بود بطور غیرتشکیلاتی به طرح مسائلی می پردازد که مشخصاً دال بر عدم صداقت وی و جانبداری اش از جریان رفرمیست می باشد. همزمان با وی حامیانی تنها با زمانه طرفدار "شورای ملی مقاومت" از کنگره اول سازمان نیز با داشتن پرونده قطور تنبیه تشکیلاتی و شعلیق های مکرر به ایجاد یکسری روابط غیرتشکیلاتی در شاخه کردستان دست زد. این دو، علیرغم برخوردهای مکرری که با یکدیگر داشتند و در مواردی منجر به تنبیه هر دوی آنها شده بود، در آن مقطع صرفاً بخاطر فدیت با تشکیلات به اجابا بندی مبادرت نمودند و یکی از اعضاء کمیته کردستان بنام فرید که وی نیز از "جناح چپ اکثریت" به سازمان پیوسته بود و حدود یکسال قبل عضواً زمان شد، بطور مخفیانه به این دونفر پیوست. این سه نفر به ایجاد ارتباط پنهانی با بعضی سازمانهای دیگر دست زدند. سرانجام بعد از پی گیری های مداوم و در یک مورد اساساً گفتگو، مدنی مجبور شد به وجود ارتباط پنهانی خود و فریدبا "راهکارگر" اعتراف نماید. فرید و مدنی هر دو در این مورد مواخذه شدند و با اظهار پشیمانی از این عمل ضدتشکیلاتی و تقبیح اینگونه اعمال بنا شد از تکرار این گونه حرکات اکیداً خودداری نمایند.

در مهربان گذشته به مدنی تکلیف شد با دیدن نظراتش را پیرامون خط مشی سازمان کتبا بنویسد و بطور مشخص هر نظری را که به تشکیلات وارد مطرح نماید، چرا که آنها با عمده کردن مسائل تشکیلاتی عملاً از طرح نظراتشان طفره می رفتند و بطور بیگانه ای نظرات رفرمیستی خود را پنهان می داشتند.

سرانجام بعد از مدتی، آنها مجبور شدند حول اساساً نا مه پیشنهادی رفقای کمیته مرکزی برای کنگره نظراتشان را بنویسند. پس از آن مشخص شد که آنها خواهان چه تشکیلاتی می باشند و چگونه مناسباتی را خواها نند. سازمان نیز با نقد کوبنده نظرات بغایت اپورتونیستی و رفرمیستی آنها راهی برای اظهار وجود و دوباره این خائنین در تشکیلات و جنبش کمونیستی باقی نگذاشت. هنگامیکه از این فرصت طلبان بالای تشکیلات، هم رفقای سازمان علیه این فرصت طلبان موضع گرفتند، آنها تا ب و تحمل چنین برخوردی رانیاوردند و راهی را انتخاب کردند که سا برهم مسلکاً نشان رفته اند، راه خیانت و ارتداد. آنها بردا منهارت با طات پنهانی خود با سا بر جریانات افزودند و در درون تشکیلات با سوء استفاده از دمکراسی درون تشکیلاتی کار را بجائی رساندند که هر پیشمرگ با دهی را علیه تشکیلات می شورا نند و از آنها می خواستند که علیه خط مشی سازمان موضع بگیرند. همین اواخر یکی از رفقای عضو کمیته کردستان در باره دودیدار غیرتشکیلاتی مدنی از شاخه کردستان که به بهانه مدنی فرید انجام شده بود چنین گزارش کرده بود: "در شرایطی که مبارزه ایدئولوژیک در سطح سازمان جریان دارد، اپورتونیستهای ضدتشکیلات، برای جلب کردن نظر توده های هوادار تشکیلات از هیچ تلاش مذبحانه ای کوتاهی نمی کنند. نمونه جالب و مضحک این مسئله رفیق امین می باشد که در عرض سه روزی که در مقر کمیته کردستان بعنوان مهمان بود با برقراری مناسبات غیرتشکیلاتی و صحبت های درگوشی چند ساعتی با چند تن از پیشمرگان شناخته شده سازمان اوج عجز و زبونی این افراد را به نمایش گذاشت. بعنوان نمونه حاصل چندین ساعت صحبت درگوشی او با یکی از همسواداران سازمان (فواد) که در سطح بسیار نا زلی از آگاهی قرار دارد این بود که: فواد بدون مقدمه در قمر عمومی اعلام می کند: "لنین عجب کار خوبی کرد که در مقابل کمیته مرکزی ایستاد و خودش به میان توده ها رفت و دستور قیام داد." بلی این اپورتونیست، محفل بازو با ندباز، که علیرغم اعتراضات چندین ساله نیروهای تشکیلات و ... امروز بخود جرات آنرا داده که در بین پیشمرگ های ساده سازمان ایستادگی در برابر کمیته مرکزی را تبلیغ نماید.

سؤال: پس چرا سازمان این افراد را در تشکیلات نگه داشت؟

جواب: با توجه به نزدیک بودن کنگره و مصالح سازمان و اینکه در هر صورت اینها با یدار لحاظ نظری بیش از این در سطح سازمان و جنبش افشا شوند، تصمیم گرفتیم اینها را تا کنگره نگه داریم و اخراج نکنیم، به آنها تذکر دادیم بر طبق اعمال ضدتشکیلاتی که از آنها سر زده است، با یدار سازمان اخراج شوند، اما بنا به مصالح سازمان با یدار کنگره شرکت کنند و آنجا از نظراتشان دفاع کنند.

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

به آنها اخطار کردیم از اعمال تشکیلات شکنانه دست بردارند و برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و ایجاد هرج و مرج کتبا به آنها نوشتیم که جزء شرکت کنندگان در کنگره می‌باشند و تاریخ کنگره را نیز به آنها ابلاغ کردیم تا دیگر بهانه‌ای دستشان نباشد، ما آنها خوب می‌دانستیم که کنگره نه فقط به افساء همه جا نبه نظری آنها می‌پردازد، بلکه با کنار زدن نقاب دورویی از اعمال خیانت آمیز آنها در کنگره و بر ملا شدن ارتباطشان با رهبری مجاهدین و دیگر جریان‌ها رفرمیست، کنگره به محاکمه آنها نیز بدل خواهد شد، این بود که تصمیم گرفتند طرح توطئه خائنه خود را زودتر به اجرا در آورند.

سؤال: بعد از حمله به مرکز رادیو سازمان، جریان‌ها مختلف به اظهار نظر پرداختند و هر کدام به نحوی به تبلیغات ضد سازمان دادند، در این مورد نظر شما چیست و آیا این جریان‌ها از قبیل هم نقشی داشتند؟

جواب: قبل از به اجرا در آمدن این توطئه عمده تبلیغات سوء و خط و نشانها علیه "صدای فدائی" در شکل علنی و آشکار آن از جانب رهبری مجاهدین صورت گرفت. در این رابطه یکی از افراد رهبری و رسوای بسیار مشهور مجاهدین بنام ابریشمی که این روزها بخاطر انقلاب ایدئولوژیک - اشان نفرت کلیه سازمانها و مردم انقلابی و مترقی را برانگیخته است، درست یک روز قبل از حمله به "صدای فدائی" اقدام به سخنرانی در پارک رییس نمود. بعد از حمله به "صدای فدائی" موجی از دروغ پراکنیها و شایعات پیرامون ایسنا جنایت از جانب تطبیف ضد فدائی و عوامل شناخته شده در خارج از کشور بسط داده شد، هر یک از این جریان‌ها بسته به منافع خاص خود و با در نظر گرفتن منافع گروهی و نه مصالح جنبش به اظهار نظر پرداختند، بعضیها که قدرت واقع بینانی خود را از دست داده بودند، به دخالت آشکار پرداختند و البته همه آنها با ابراز تاسف از حادثه بیکه پیش آمده و با ایداز تکرار آن جلوگیری شود؟!

در حالیکه اکنون موضع گیریهای خصمانه دشمنیهای پنهان و آشکار هر یک از این جریان‌ها با طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر هیچکس پوشیده نیست، با وجود ادعاهای دروغین و تاسف صوری آنها از واقعه اینکه منجر به حمله به "صدای فدائی" شد، با نگاهی هرچند کوتاه به موضع گیریهای رسمی آنان بر راحتی در می‌باید که آنها حتی به ظاهر هم که شده به این تاسف ریاکارانه خود متعهد نیستند.

نشریه مجاهد شماره ۲۷۹، ارگان رهبری مجاهدین جنبش

نوشته است:

"در شماره گذشته "مجاهد" ضمن ابراز تاسف مجاهدین

خلق ایران - مرکز کردستان نسبت به درگیری مسلحانه در درون گروه اقلیت (تاکید از ما ست) مورخ ۶ بهمن ماه ۶۴ به اطلاع خوانندگان عزیز رسید روز جمعه ۴ بهمن ماه جاری در مرکز استقرار و محل تمرکز گروه اقلیت واقع در یکی از روستاهای نوار مرزی درگیری مسلحانه‌ای بین افراد این گروه اتفاق افتاد... و یکسری خرده فرمایشات دیگری از این دست. در همین شماره ۲۷۹ "مجاهد" در همان صفحه پس از فحاشیهای زیادی که از سالها پیش جزء ایدئولوژی و فرهنگ مجاهد در آمده در بنده افاضات خود چنین گفته اند:

"... بدیهی است مقابل با پیاپی مدهای زیانبار ناشی از فضیلت‌های با ندحا کم بر جاعت اقلیت، یک وظیفه اصولی و عقیدتی برای نیروهای پیشوا و صدیق انقلابی - بالخصوص مجاهدین خلق ایران بشمار می‌رود. همه ما موظفیم که وفاداری تمام عیار به اصول و شیوه‌های انقلابی و با نثار خون و فدای بی‌پایان و بذل صداقت و خلوص با زهم بیشتر بهای این وظیفه می‌بریم مردمی و انقلابی را بپردازیم. چرا که در حقیقت و در نهایت، این خلق ستمدیده ما و زحمتمندان محروم ایران هستند که تاوان فرصت طلبیها و ریاکاریها و خیانت‌های امثال با ندحا کم بر اقلیت را می‌پردازند. پس وظیفه رشیدترین فرزندان محاهد و مبارزان مردم است که با وفاداری کامل به پرنسیپها و اصول مبارزاتی و انقلابی روح امید و اعتماد را در جامعه و در سطح جنبش بپراکنند و نشان دهند که با ندهاشی نظیر ایدئولوژیهای حاکم بر گروه اقلیت... و یکسری فحاشیهای دیگر که فقط در شان آقای رجوی و دیگر رهبران وابسته با مپریا - لیسم مجاهدین می‌باشد.

بله، رهبری مجاهدین اینطور اظهار تاسف می‌کند؟! برای اینکه این حادثه دیگر تکرار نشود از هم اکنون نیز کلیه اقدامات لازم را بعمل آورده است! اما برآستی کیست که معنای این گونه اظهار نظرها را نفهمد؟ کیست که نداند مجاهدان زروی خوشحالی و مسرت در پوست خود نمی‌کنند و برای تکرار این فجایع از هیچ تلاشی فروگذار نیست. مجاهد ۲۷۹ و ۲۸۱ خود سند بسیار گویائی است مبنی بر این آتش افروزی سؤال: آیا رهبری مجاهدین چه منفعی را از این ضدیت‌های بی‌مبارک و بی‌سازمان دنبال می‌کنند؟

جواب: منافع آنها در تضعیف سازمان نهفته است چرا که آنها خوب می‌دانند تنها جریانی که بر روی مواضع اصولی و انقلابی خود ایستاده است سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد، بنا بر این روشن است که با وجودیکه سازمان چریکهای فدائی خلق نیرومند نمی‌توانند از طریق زد و بند با مپریا لیست‌ها بقدرت برسند و مجدداً جمهوری اسلامی دیگری را با چاشنی دمکراتیک در ایران

کنفکوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

مستقر سازند.

از جریانی که خواهان جمهوری اسلامی بدون خمینی است، جریانی که خواهان بودن قدرت در دست سرما یه دارها می باشد آیا از این بیشتر انتظار می رود؟ جریانی که طی چند سال گذشته بارها سرسپردگی خود را در پیشگاه سلاطین سرمایه اعلام داشته و هنوز در حسرت جلب اعتماد کامل امپریالیسم آمریکا، هر روز بنام پیروزی دیپلماتیک به فضاخت تازه ای روی می آورد تا بتوانند با استفا ده از نهادهای قدیمی مثل پلیس، ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و خلاصه کل دستگاه بوروکراتیک - نظامی، دوباره مردم را به انقیاد بکشانند و حکومت بربریت دیگری را این بار با نام جمهوری دمکراتیک اسلامی به مردم تحمیل نمایند. لازمه این کار این است که از همین حال احسن نیت خود را به امپریالیسم نشان دهند و دشمنی آشکار خود را با طبقه کارگرایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام دارند. آنها برای فرار از بر ملا شدن این سیاست خائسانه خود، طی یکسال گذشته بارها به برخوردهای غیر سیاسی و اعمال شرم آوری دست زده اند، در همین نشریه ۲۸۱ خود مدعی شدند سازمان ما با خمینی همسوزده است؟! چرا که هم رژیم خمینی ملاقات رجوی - ملک حسین را محکوم کرده و هم سازمان ما! اگر این استدلال درست است، خوب در همین شماره نشریه و در همین مقاله "اقلیت...." آنها بارها به بختیاری رخنش داده اند، خمینی هم به بختیاری رخنش می دهد، بنا بر این خود آنها هم با خمینی همسو هستند! ولابد بخاطر همین همسوز شدن با خمینی است که آنان چند سال است به امپریالیسم چیسوزی نمی گویند؟!

رهبری مجاهدین که خود یکی از مشوقین حمله به "صدای فدائی" بودند، اکنون که دریا فتنه اند حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان با شکست مفتضاحانه توطئه گران پایا ن یافته است و سازمان در دفاع از حقانیت نظری و سیاسی - تشکیلاتی خود از هیچگونه فداکاری و جان بازی رویگردان نیست، مثل همیشه بشکل بدخواهانه ای به تحریف حقایق پرداخته و برای بهره گیری از موقعیت بدست آمده ناگزیر به ابراز تا سف صوری پرداخته و در حقیقت برای تکرار اینگونه فجایع جنجالهای آشنا و نا هنجاری سرداده اند. ملاحظه کنید آنها در نشریه مجاهد شماره ۲۸۱ چه گفته اند: "همه ما موظفیم که با وفاداری تمام عیار به اصول و شیوه های انقلابی و بانشار خون وفاداری بی پایا ن و بذل صداقت و خلوص با زهم بیشتر، بهای این وظیفه مبرم مردمی و انقلابی را بپردازیم. کدام وظیفه؟ وظیفه ای که بر طبق آن رهبری

مجاهدین خود را موظف می دانند با اجیر کردن عده ای خود - فروش در پاریس امثال عنصر خانی بنام "سامع" آنها را به خبرچینی وادارند.

سؤال: آیا در این حمله مسلحانه دست نشانندگان رجوی هم نقش داشتند؟

جواب: بله، رهبری مجاهدین پس از دریافت اطلاعاتی از درون سازمان ما، وسیله عنصر خود فروش و پستی بنام حماد شیبانی فوراً عنصر مرتدی بنام "سامع" را برای تماس با مدنی - شیبانی به کردستان اعزام داشتند. فرد مجاهد پیشه مدتها در مقر "راه کارگر"، "دمکراتها"، اطابق اشرف دهقان (بیخشد مقرر اشرف دهقان) پرسه زد و سرانجام وقتی تماس با مدنی در منطقه استقرار را دیوسا زمان برایش میسر نشد، ناگهان بخاطر تحقق این دیدار رشوم، مصطفی مدنی به درددندان جانکاهی گرفتار آمد که بیگفته خودش تنها معا لجه اش در مطب دیگر نیروها و یا خارج از منطقه میسر می شد! بمنظور معا لجه، مدنی به منطقه دیگری فرستاده شد اما متوجه شدیم که همه جا عنصر مرتد و جاسوس رجوی دنباله مدنی از دور حرکت می کند تا شاید وی را تنها بیا بد، و بالاخره وقتی در مطب دندان نیز شک توفیق ملاقات نیافتند، در محل اسکان مدنی در خارج از منطقه، جاسیکه در انتظار دکتر دیگری بودند، مدنی - سامع تصمیم به دیدار می گیرند، که البته بهنگام ملاقات مدنی - سامع، رفیق همراه مدنی عمل وی را تقبیح می نماید و در حالیکه مدنی دلیل ملاقات خود را به رفیق مسئول ارتباطات همراه خودش، "هم زندانی بودن در دوره شاه با سامع" و اینکه "بالاخره سامع روزی در سازمان بوده"؟! ذکر می کند، رفیق همراه مدنی از این دیدار رمانعت بعمل می آورد و وی را برای معا لجه درد نا علاجش و نه درددندان به مقر سازمان بازمی گرداند.

سؤال: آیا انتشار رعنلی اسامی چند تن از رفقای سازمان همزمان با حمله به "صدای فدائی" از جانب مجاهدین به چه منظور صورت گرفت؟

جواب: در راستای سیاست ضدیت با طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رهبری مجاهدین فرصت را مغتنم شمردند و اقدام به عمل پلیسی نیز نمودند، آنها در خدمت به رژیم جمهوری اسلامی به انتشار رعنلی اسامی چند تن از رفقای ما دست زده اند، که این کار خود در جنبش انقلابی ایران بی سابقه بوده است. این عمل فحش از ساواکیها و عوامل رژیم جمهوری اسلامی ساخته است و نه کس دیگری، براستی انتشار رعنلی اسامی رفقای سازمان ما از جانب رهبری مجاهدین در خدمت به چه کسی است؟! جز امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی؟! این عمل آیا جز حسن نیت بیشتر رهبری مجاهدین به امپریالیسم و همکاری همه جانبه آنها با سرمایه داران، رژیم جمهوری اسلامی و دیگر مرتجعین، معنای دیگری دارد؟

مدارس خصوصی ویژه فرزندان سرمایه داران

مدارس خصوصی که درحقیقت ویژه‌ی فرزندان سرمایه‌داران بود، و از عمین جهت نیز انحلال آنها بعد از قیام از خواستهای توده‌های زحمتکش بود. اما رژیم ارتجاعی اکنون مجدداً می‌خواهد این گونه مدارس را برپا کند. حسین عرّاتی یکی از مزدوران رژیم در مجلس می‌گوید: "شورای انقلاب مصوبه‌ای دارد و در تبصره یک آن

مساله را باین شکل مطرح میکند. با توجه بضرورت مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش میتواند از همکاری افراد و گروههایی که داوطلب اداره آموزشگاهها بصورت غیر انتفاعی و بر اساس ضوابط دقیق آموزش و پرورش باشند استفاده کرد و امکانات و تسهیلات لازم را در اختیار آنان قراردهد." (کیهان فروردین ۶۵) ○



یکی از مدارس حلبی آباد شیراز که در چادر دایر شده است.

سلب مالکیت از دهقانان

سازمان اوقاف رژیم می‌خواهد عزاران روستایی زحمتکش میهنمان را که بعد از اصلاحات ارضی ارتجاعی رژیم شاه، به بهای سالها سرکیشه شدن توسط بانکها و دیگر نهادهای ارتجاعی رژیم شاه صاحب قطعه زمینی شدند، مجدداً برده‌ی خویش سازد. امامی جمارانی سرپرست سازمان حج و اوقاف کشور می‌گوید: " مساله استرداد موقوفات یک امر قانونی است و طبعی فتوا حضرت امام که بعد از انقلاب از ایشان سؤال شد، تمام موقوفات از دست رفته باید به وقفیت برگردد و عمل به وقف شود. بر اساس این قانون کلیه موقوفاتی که بوسیله اصلاحات ارضی به فروش رسیده و آمار آن حدود ۲۲۰ هزار رقبه در سراسر کشور است اسنادش باطل و به حالت وقفیت بر خواهد گشت." (کیهان، ۲۳ فروردین ۶۵) ○

آوارگان جنگی در قبرستان زندگی می‌کنند

یکی از "برکات" جنگ ارتجاعی آواره کردن میلیونها نفر از توده‌های زحمتکش است. این آوارگان پس از گذشت ۶ سال از جنگ ارتجاعی همچنان در بدترین شرایط بسر می‌برند. نماینده‌ی دشت آزادگان در مجلس ارتجاع از وزیر کار و امور اجتماعی می‌خواهد: " هیاتی برای بررسی وضع جنگ زدگان دشت آزادگان به منطقه اعزام نماید تا در رابطه با وضع ناهنجار مسکن بخصوص ۵۰۰ خانوار که زیر چادر و حصار و بدون هیچ امکاناتی در قبرستان سوسنگرد زندگی می‌کنند رسیدگی جدی بشود." (کیهان، ۲۶ اسفند ۶۴) ○

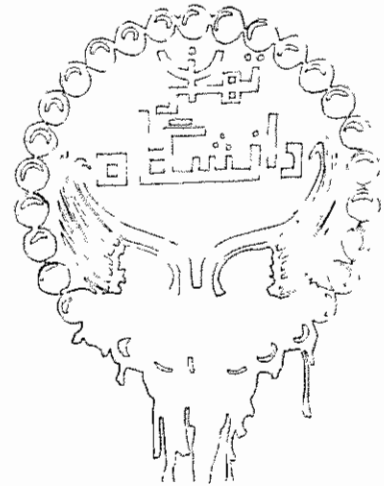
چند ساله را به باد نخواهد داد ؟ ... اما اشتباهی که در مصاحبه‌ی وزیر محترم بود و موجب نگارش این مقاله شد این است که گفته‌اند: " در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم بجز ۲ یا ۳ نفر با این مساله کاملاً موافق هستند از جمله سران سه قوه ... " و این گفته اشتباهی است که از ایشان انتظار نمی‌رفت." (کیهان، ۱۲۸ اسفند ۶۴) ○

دانشگاهها می‌گذرد، تازه آنها را اندکی رؤبراه کنند و دست ضد انقلاب را تا حدی از آنها کوتاه سازند حال آیا گره زدن چنین محیط نوپا و ضربه پذیری به محیطی آن چنانی با وجود نفوذ بعضی از اعضای برخی سازمانها و شورا‌های مربوط به پزشکی که حرکت ضد انقلابی برخی از آنها را در همان شوراها دیده‌ایم، تمام این تلاش

جنگ ارتجاعی، توطنه جدید

رژیم علیه دانشجویان

دراشمین سالگرد سرکوب خونین دانشگاهها، رژیم مرتجعین طرح ضد انقلاب فرمکنگی خویش را می‌خواهند این بار تحت عنوان "نزدیکی دانشگاه به جنگ" تکمیل کند. علیرضا صفاریان عضو دفتر تحکیم وحدت در کنفرانس مطبوعاتی اعضای ستاد مرکزی بسیج دانشگاهی می‌گوید: "برای ساختن یک دانشگاه اسلامی و مردمی کردن آن باید دانشگاه بطور مستمر در جنگ حضور داشته باشد تا از این طریق دانشگاهها بتوانند به استقلال برسند... باید کلیت دانشگاه در خدمت جنگ قرار بگیرد و حتی نیروهای رفاه طلب، بی‌تفاوت و مخالف نیز طی یک برنامه ریزی با هم‌آهنگی سپاه پاسداران وارد جنگ شوند... باید با استفاده از وضعیت جنگ به نفوذ



فرسنگی غرب حمله‌ور شویم و پدیده‌های انحرافی را در سطح جامعه پاک کنیم و در این مرحله با اعزام نیروهای بی‌جبهه، نیازهای فوری را پاسخ دهیم و در مرحله بعدی با برنامه‌ریزی، دانشگاه را بطور کامل در خدمت جنگ قرار بدیم" (کیهان، ۲۰ فروردین ۶۵) ○

خان‌ها در خدمت حکومت جمهوری اسلامی

انقلاب باز هم خان وجود دارد. اگر وجود دارد مقصرا کیست؟ در این صورت باید گفت وای بر ما و وای بر دستگاه قضائی و مسئولین کشور، مساله دیگر که باعث سزا و صدا و جو سازی است، مساله زمین است... امیدوارم امام بزرگوار نظرا صریح خود را طوری بیان نمایند که دیگر هیچ فردی قادرا به تاویل آن نبوده "تا سیه روز شود هراکه در او غش باشد" (کیهان، ۲۰ فروردین ۶۵) ○

حمایت رژیم از خانها آنچنان آشکارا گشته که خود مزدوران رژیم نیز بر بستر تناقضات درونی هیات حاکمه در اشاره به این موضوع صراحت کامل دارند. نماینده‌ی نوشهر در مجلس می‌گوید: "خانها هرگز به تنهایی قادر نبوده که به مردم زور بگیرد جز در پناه حکومت وقت مخصوصا دستگاه قضائی و انتظامی والا خود مردم روزگار خان را سیاه می‌کردند. آیا واقعا پس از عشت سال از پیروزی

مزدوران رژیم به جان هم افتاده‌اند

معم وارذ شده، اگر شناسایی شده‌اند رسیدگی شود و اگر نه پی‌گیری نمایند تا شهرا از ناامنی نجات یابد. به انجمن حجتیه در سراسر کشور خصوصا میانه تذکر می‌دهم که سراجی خود بنشینند. بیش از این مزاحم خدمتگاران و کارمندان و دولت نشوید. در امور شهر مداخله ننمائید، از شایعه سازی و تحریکات افراد ساده لوح و بی‌اطلاع بپرهیزید. در کار ارکانها خصوصا بنیاد شهید دخالت نکنید و خانواده شهدا و جانبازان را علیه مدیران امور و علما و اولیاء دیگر نشورانید" (کیهان، ۲۴ فروردین ۶۵) ○

سلیمی نماینده‌ی میانه در مجلس ارتجاع، پس از اشاره به تناقضات هیات حاکمه، از جمله در مورد جنگ، در رابطه با حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود چنین می‌گوید: "همچنین نامه‌های شبانه در تمام نقاط شهر علیه ریاست دادگستری آقای فولادی و دادیار آقای کریمی و بازپرس آقای بابازاده و اینجانب و آقای حکم‌الله پزشکی نماینده‌ی میانه منتشر شده که نسخه‌های آن باز در دادگستری و دادسرای انقلاب موجود است. حتی مرا ۵ نفر را به قتل تهدید کرده‌اند. به منزل دادیار و بازپرس سه راهی انداخته‌اند و خسارت

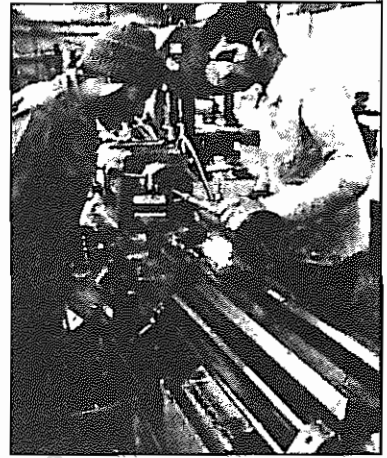
مغز متفکر نظام، و تن ناتوان وزارت بهداشت

فرمکنگی رژیم در جوابیه‌ای به دکتر مرندی مزدور می‌گوید: "آیا مغز متفکر یک نظام را به یک تن ناتوان پیوند زدن درست است؟ با هزاران چاره اندیشی و تدبیر، مسئولان توانسته‌اند در این چند سالی که از بازگشایی

با انتقال دانشکده‌های پزشکی به وزارت بهداشت و درمان، اختلاف بین مزدوران شدت یافته، و طی مصاحبه‌ها و نوشته‌هایی به محکوم کردن یکدیگر پرداختند. حجت‌الاسلام دکتر احمدی عضو شورای عالی انقلاب

حداقل دستمزد کارگران در سال ۶۵ تغییر نمی‌کند

علی رغم نرخ بالای تورم در جامعه، رژیم جمهوری اسلامی حاضر به تغییر سطح حداقل دستمزد کارگران نیست. روزنامه‌ی کیهان می‌نویسد: " بنا به اطلاعات رسیده شورای عالی کار تغییر در میزان حداقل دستمزد کارگران در سال ۶۵ نخواهد داد. لازم به یادآوری است که شورای عالی کار، سال گذشته حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۶۴، از ۶۳۵ ریال (مصوب شورای عالی کار و شورای انقلاب در سال ۵۹) به ۷۴۰ ریال در روز افزایش داد." (کیهان، ۲۸ اسفند ۶۴) ○



وضعیت طب و درمان

در

رژیم جمهوری اسلامی

مرئدی وزیر بهداشت و آموزش پزشکی رژیم طی مصاحبه‌ای به تشریح موقعیت طب و درمان در ایران پرداخته و می‌گوید: " ما بایستی سالیانه حدود ۸ هزار دانشجوی پزشکی بپذیریم تا بتوانیم در سال ۱۳۸۱ برای هر هزار نفر جمعیت یک پزشک داشته باشیم... و حتی کشوری نظیر شوروی سعی دارد که تا سال ۱۳۸۰ برای هر ۱۰۰ نفر یک پزشک داشته باشد."

او در رابطه با کمبود دارو و وجود بازار سیاه دارو می‌گوید:

" علت دیگر مساله کمبود ارز است. ما مقدار ارزی که در سال ۶۴ در اختیارمان قرار داده شد، دو سوم ارز سال ۶۳ بوده است و تازه همین مقدار ارز هم در بعضی مواقع، هفته‌ها و یا ماهها دیرتر به دست ما می‌رسد." همچنین این مزدور در توجیه اخذ پول بابت دارو در مراکز درمانی می‌افزاید:

" در سال ۶۳ به علت کمبود اعتبارات یک میلیارد تومان از اعتبارات ما را از طریق درآمدهای اختصاصی پیش بینی کردند و در سال ۶۴ این مبلغ به ۱/۵ میلیارد تومان رسانده‌اند و ما مجبوریم که به همین دلیل برای ویزیت جداگانه و برای دارو جداگانه از مردم پول بگیریم... و این باعث می‌شود که وقتی مردم در پرداخت قسمتی از بهای دارو شریک باشند دلسوزی بیشتری نسبت به دارو داشته باشند." ○ (کیهان، ۲۵ اسفند ۶۴)

طرح پتروشیمی ایران و ژاپن مجدداً متوقف شد

در حالی که رژیم در پیشبرد سیاست " نه شرقی، نه غربی" طی چند سال گذشته همچنان بر اجرای طرح پتروشیمی ایران و ژاپن یافشاری می‌کند بار دیگر اجرای این طرح به دلیل جنک و ورشکستگی رژیم متوقف گشت.

روابط عمومی وزارت نفت طرح پتروشیمی ایران و ژاپن اعلام کرد: " مدتی است که میتسوئی و شرکاء که دارنده ۵۰ درصد سهام طرح می‌باشند از انجام تعهدات مالی سر باز زده و علاوه از عمل به ضمانت‌هایی که به طرف ایرانی داده‌اند بدون ذکر دلیل طفره می‌روند و لذا طرف ایرانی، انجام تعهدات بصورت یک طرفه که خلاف قرارداد است را صلاح ندانسته و به ناچار پرداخت اقساط اصل و بهره را تا حل و فصل فیما بین معلق ساخته است." (کیهان، ۲۸ اسفند ۶۴) ○

صراحت مرتجعین چینی در دفاع از نظام سرمایه‌داری وابسته ایران

یکی از اعضای هیات اجرایی اتحادیه‌های کارگری چین که به دعوت خانه‌ی کارگر رژیم به ایران آمده است، طی مصاحبه‌ای با صراحت تمام به تطهیر رژیم سرمایه‌داری وابسته می‌پردازد. وانگ زون می‌گوید: " نکته جالب اینست که ما در این سفر شاهد پیشرفت‌های بزرگ شما ایرانیان بودیم و این برای ما جالب بود که با توجه به محاصره اقتصادی چگونه صنایع شما فعال و کارگران شما با روحیه والا کار می‌کنند و ما دیدیم که کشور شما چگونه با رهبری خمینی دست ابر قدرت‌ها را از صنایع کشور قطع کرد و امروزه صنایع شما مستقل است... تا آنجائی که ما از کارگران اطلاع حاصل کردیم وضع رفاهی آنان بهتر از گذشته شده است و همگی رضایت کافی از وضع زندگی داشتند." (کیهان، ۲۴ فروردین ۶۵)

خمینی : ولایت در معرض خطر است

با روشن شدن هرچه بیشتر ماهیت ارتجاعی جنگ و گسترش اعتراضات توده‌ها بر علیه آن، اختلافات درون میات حاکمه نیز مجددا بر سر مساله‌ی جنگ تشدید می‌یابد. جناحهایی از هیات حاکمه در عراس از آتش خشم توده‌ها در مخالفت با جنگ نغمه سر داده‌اند. شدت این اختلافات تا بدان حد است که خمینی شیاد را مجددا به صحنه تناقضات درون هیات حاکمه یرتاب کرده است. خمینی در سخنرانی ۶۵/۱/۴ خود در جمع سران مزدور رژیم می‌گوید: "ما حالا بنشینیم بگوییم که ما اهل ولایت هستیم اگر شما اهل ولایت هستید چرا الان که ولایت در معرض خطر است نشنید... اگر خدای نخواست این حزب بعث بیاید و غلبه خدای نخواست کند، که نخواست کرد به کی رحم می‌کند به شمائی که آن وقت نشسته بودید و می‌گفتید بیایید جنگ را برداریم و از بین ببریم و جنگ خوب نیست و مردم با جنگ مخالفند این مردم از

کجا آمده‌اند که باجنگ مخالفند... کسانی که مخالف با این مسائل هستند خوب بنشینند تو خانه‌شان سرچه می‌خواهند بگویند، اما بدانند خلاف رضای خدا دارند می‌گویند - اگر حرفهای آنها تضعیف کند روحیه ده نفر جوان ما را، عاقبت شان بخیر نخواهد شد، توجه کنند به حرفهایشان."

بعد از این سخنرانی خمینی، سران مزدور رژیم در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خود به تائید سخنان خمینی می‌پردازند. رفسنجانی در این رابطه می‌گوید: "ایشان حجت را تمام کرده‌اند و معمولا وفنی امام این طور سخن می‌گویند مسائلی هست که ما نمی‌فهمیم و لابد مسائل مهمتری را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است و باید به جبهه رفت. اما همچنین از تعداد معدودی که در گوشه و کنار حق می‌زنند انتقاد کردند و دستور دادند که باید به جبهه رفت و اکنون تکلیف جدیدی برای ما پیش آمده است." (کیهان، ۷ فروردین ۶۵)

رسوایی رژیم در افکار بین‌المللی

به دنبال محکومیت مجدد رژیم از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی رژیم شیادانه می‌کوشد وجود شکنجه را در زندانهای رژیم انکار کند. او می‌گوید: "چون امروزه نظام جمهوری اسلامی بعنوان مهد آزادی در دنیای مستضعفین بشمار می‌رود لذا مجامع بین‌المللی و استکبار جهانی سعی در لوث کردن این نظام اسلامی داشته و وجود شکنجه را در زندانهای ایران مطرح می‌کنند، حال آنکه نظام اسلامی مخالف شکنجه بوده و می‌باشد، لیکن دشمنان اسلام مساله تعزیر را که حد شرعی است تحریف نموده و بعنوان وجود شکنجه در ایران بیان می‌کنند که عاری از حقیقت است... زندانهای جمهوری ایران اکنون به آموزشگاه و دانشگاه تبدیل شده است بطوریکه مجرم را پس از طی کیفر به یک انسان واقعی تبدیل کرده و به جامعه اسلامی تحویل می‌دهد." (کیهان، ۱۰ فروردین ۶۵)

امپریالیسم فرانسه باید واقع بین باشد

به دنبال سفر قائم مقام روابط خارجی و مسئول کل آفریقا و خاورمیانه در وزارت خارجه فرانسه به ایران، موسوی نخست وزیر رژیم در تلاش برای بهبود روابط رژیم با فرانسه می‌گوید:

"ما دلمان می‌خواهد با دنیای خارج رابطه گسترده و قوی داشته باشیم از جمله با فرانسه که سابقه تاریخی دیرینه با آن داریم و موقعیت خوبی است که فرانسه از این سرفایه گسترده تاریخی بهترین

استفاده را برفع دو کشور بکند." همچنین موسوی طی مصاحبه‌ای با تاکید بر سه شرط قبلی رژیم مبنی بر بازپرداخت طلب ایران از فرانسه، قطع حمایت‌های دولت فرانسه از رژیم عراق و اخراج مخالفان رژیم از فرانسه جهت بهبود روابط با فرانسه، می‌گوید: "به نفع فرانسه است که در مورد روابط خود با خاورمیانه و انقلاب اسلامی در جهان و جمهوری اسلامی در منطقه واقع بین باشد." (کیهان، ۲۴ فروردین ۶۵)



السالوادور

مبارزات دانشجویان انقلابی
رو به اوج است

به دنبال گسترش دامنه‌ی مبارزات سیاسی دانشجویان انقلابی در السالوادور، طی ماههای اخیر سرکوب شدیدی توسط دولت نظامی این کشور آغاز شده است. در این مدت تعداد زیادی از رهبران و فعالین دانشجویی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. از جمله دستگیرشدگان رهبر اتحادیه‌ی دانشجویان دانشگاه ملی السالوادور بود که پس از چندی به دنبال اعتراضات وسیع بین‌المللی آزاد گردید.

برطبق قوانین سرکوبگر السالوادور، نیروهای نظامی مجازند تا ۱۵ روز انقلابیون را بدون مشخص ساختن جرم آنها، در بند نگاه دارند. بر طبق گزارشات سازمانهای حقوق بشر در این کشور، اکثر شکنجه‌ها و اعدام تیروغای ایورسیسیون در طی عمین دوره‌ی کوتاه صورت می‌گیرد. این قانون که اخیراً برای ایجاد رعب و وحشت در میان انقلابیون طرح شده، تا کنون عیج ناشیری در مبارزات دانشجویان این کشور و گسترش دامنه‌ی آنها نداشته است و فعالیتهای ضد رژیم کماکان رشد صعودی خود را حفظ کرده است.

بولیوی

گسترش اعتصاب سراسری معلمان

اعتصاب بیش از ۷۵،۰۰۰ تن از معلمان مدارس بولیوی، که برای افزایش سطح حقوق از مفتی اول ماه فوریه‌ی سال جاری (آغاز سال تحصیلی در بولیوی) آغاز شده بود، وارد چهارمین ماه خود شد.

در ماه گذشته رئیس‌جمهور بولیوی طی نطقی اعلام کرد که دولت وی قصد

شیلی

اعتراضات گسترده همچنان ادامه دارد

در ادامه‌ی تظاهرات ضد دیکتاتوری ماه مارس در شیلی، اکثر شهرهای بزرگ این کشور در ماه گذشته نیز شاهد درگیریهای خونین میان توده‌های زحمتکش و قوای نظامی این کشور بودند. مرکز اصلی حرکت‌های اعتراضی در این مدت در مناطق فقیرنشین حومه‌ی سانتیاگو، و الپاریسو آریکا، و دیگر شهرهای بزرگ و همچنین محوطه‌ی دانشگاه‌های این کشور بود. در اواسط ماه گذشته مردم زحمتکش حومه‌ی پایتخت با ساختن سنگ‌های خیابانی به مقابله با قوای نظامی پرداخته و طی این درگیریها که طی چند روز پیاپی به طول انجامید دهها نفر زخمی و بیش از ۴۰۰ نفر از اهالی منطقه دستگیر شدند.

نیروهای انقلابی نیز با تحرك و سازماندهی بیشتری در مقایسه با داده و با انفجار بیش از ۱۰ بمب در ایستگاههای پلیس و مخابراتی، بانکهای دولتی و همچنین نیروگاههای برق، نیروهای انتظامی را غافلگیر کرده و حضور فعال خود را در صحنه‌ی مبارزات رو به اعتلا نشان دادند.

محصلین مدارس پایتخت و دانشجویان مبارز دانشگاه سانتیاگو تظاهرات وسیعی در خیابانهای مرکزی شهر برپا کردند. دانشجویان به مناسبت سالگرد ربه‌ی شدن و قتل چند تن از رهبران اتحادیه‌های کارگری و معلمان، که در ماه آوریل سال گذشته صورت پذیرفته بود، ساختمانهای

دارد که به جای معلمان اعتصابی، ۷۵،۰۰۰ معلم جدید استخدام کند. در پی این اقدام حاصلین و دانشجویان مبارز در حمایت از اعتصاب معلمان با وجود جو نظامی دست به تظاهرات



صحنه‌ای از اعتراضات دانش‌آموزان علیه دولت پینوشه

دانشگاه را به مدت دو روز به اشغال خود در آورده خواستار برکناری مسئولین دانشگاهی که با رژیم جنایتکار پینوشه همکاری می‌کنند، شدند. تنها در طی این اعتراضات دو روزه بیش از ۱۷۰ تن از دانشجویان مبارز دستگیر و تعداد زیادی از آنان مجروح شدند.

وسیعی در اکثر نقاط بولیوی زند و همراه معلمان، رئیس‌جمهور و دولت وی را محکوم کرده، اعلام کردند که در صورت استخدام معلمان جدید به کلاسهای درس باز نخواهند گشت.

اعتصاب عمومی يك روزه كارگران يونان

در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت پاپاندرای، بخش وسیعی از کارگران یونان دست به اعتصاب عمومی يك روزه زدند. در آتن، کانون این اعتراضات، دهها هزار کارگر بزرگترین راهپیمایی چند سال گذشته خود را برگزار کردند و با پشیمانی

کارگری یونان دو دستگی و شکاف به وجود آورده است. بسیاری از رهبران اتحادیههای کارگری که عضو حزب به اصطلاح سوسیالیست " پاسوک " بودند، به علت مخالفت خود با این اقدامات از این حزب اخراج شدهاند. در اجلاسهای سراسری



صحنه ای از تظاهرات کارگران در خیابانهای آتن.

يك پارچهی خود از اعتصاب، خواستار متوقف شدن تمام اقدامات سخت گیرانهی دولت علیه کارگران شدند. مبارزهی کارگران علیه سیاستهای ضد کارگری حزب حاکم این کشور " پاسوک " (PASSOK)، از نوامبر سال گذشته آغاز شده است. کارگران این کشور طی این مدت سرخستانه علیه اقداماتی چون ثابت نگه داشتن دستمزدها مبارزه کردهاند. شدت اعتراضات کارگران تا بدان حد بوده است که در بین رهبران اتحادیههای

اتحادیههای کارگری یونان که يك روز قبل از برپایی اعتصاب عمومی به کار خود پایان داد، بیش از نیمی از نمایندگان و رهبران اتحادیههای کارگری به دلیل مخالفت خود با سیاستهای دولت و رهبران طرفدار حزب " سوسیالیست "، این اجلاس را تحریم کردند. همهی اینها نشانهی ورشکستگی دولتی است که با وارد کردن فشارهای اقتصادی بر کارگران سعی دارد اقتصاد بحران زدهی یونان را بهبود بخشد.

سیمون دوبوار درگذشت



سیمون دوبوار (Simone de Beauvoir) نویسنده و فیلسوف فرانسوی در سن ۷۴ سالگی درگذشت. دوبوار که در سنین جوانی بر علیه استثمار و نظام سرمایه داری برخاسته بود، در طی جنگ جهانی دوم به همراه یار همیشگی اش ژان پل سارتر برای مقابله با اشغالگران نازی به جنبش مقاومت فرانسه پیوست. در سالهای پس از جنگ، از مخالفان سرسخت امپریالیسم فرانسه در جنگ علیه الجزایر بود. اما شهرت سیمون دوبوار به خاطر تحقیقات و مطالعاتش پیرامون مسالهی زن است. او که از پیش کسوتان جنبش فمینیستی بود، رسماً مجمع حقوق زنان در فرانسه بود. کتاب " جنس دوم " که در سال ۱۹۴۹ به رشتهی تحریر در آورد، مجموعهی کاملی از تحقیقات او پیرامون شرایط زنان بود. علاوه بر آثار ادبی چون " میهمان " و " زنی فنا شده " (A Woman Destroyed) دوبوار در ۴ جلد، شرحی از ۵۰ سال زندگی سیاسی - ادبی خود با ژان پل سارتر نوشته است. به رغم انحرافات عمدهی فمینیستی و ایده آلیستی که در سالهای آخر او را بیش از پیش از مارکسیسم و سوسیالیسم دور می کرد، سیمون دوبوار، برندهی جایزهی ادبی گنکور از متفکران و نوآوران با ارزش قرن بیستم به شمار می رود.

کارگران نروژ

دست به اعتصاب عمومی زدند

در هفته‌های گذشته نروژ شاهد یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات کارگری چند دهه‌ای اخیر خود بود. بیش از ۱۰۰،۰۰۰ کارگر از بخشهای مختلف صنعتی در اعتراض به سیاستهای ضد کارگری دولت این کشور دست از کار کشیدند و با برپایی اعتصاب عمومی، فاطمانه در برابر تهاجم کارفرمایان این کشور مقاومت کردند.

دولت نروژ که هر ساله طی مذاکرات خود با اتحادیه‌های کارگری به توافق‌هایی می‌رسد، امسال در نشست خود با رهبران اتحادیه‌ها بدون هیچ زمینه‌ی قبلی سعی کرد که تصمیمات یک جانبه‌ی خود را بر اتحادیه‌های کارگری تحمیل کند. اما این تصمیمات با مخالفت رهبران اتحادیه‌های کارگری روبرو می‌شود و از این زمان به بعد زمینه‌های رو در رویی کارگران و دولت آماده می‌گردد.

در طی چند روزی که اعتصاب به طول انجامید، به دلیل گسترده بودن اعتصاب و اثرات عمیق آن بر اقتصاد نروژ، که بنا به اعتراف یکی از مقامات این کشور روزانه ۴۱ میلیون دلار خسارت در بر داشت، دولت نروژ وادار شد که به بعضی از خواسته‌های کارگران، همچون کاهش ساعات کار به ۳۷/۵ ساعت در هفته، گردن بگذارد. رهبران سازشکار اتحادیه‌های کارگری که از همان ابتدا مخالف برپایی اعتصاب بودند در مقابل این عقب نشینی موقتی، حاضر به سازش با دولت شدند، و در حالی که می‌توانستند با استفاده از موفقیت موجود دیگر خواسته‌های کارگران را مطرح کنند، به اعتصاب عمومی کارگران خاتمه دادند. ○

مارکوس از آکینو حمایت می‌کند

فیلیپین در هفته‌های اخیر شاهد زد و خوردهای شدیدی بین نیروهای ارتش و "چریکهای ارتش نوین خلق" بوده است. از زمان به قدرت رسیدن خانم آکینو، رئیس‌جمهور جدید این کشور، تا به حال، صدگان تن از نیروهای ارتش در درگیریهای مختلف با چریکهای ارتش نوین خلق به هلاکت رسیده‌اند. آکینو در هفته‌های اخیر بیش از ۵۰۰ تن از زندانیان سیاسی و اعضای وابسته به حزب کمونیست فیلیپین را به تدریج آزاد کرده و در ازای آن خواهان یک آتش بس شش ماهه بین دولت و چریکها شد. او همچنین تهدید کرد که اگر چریکها اسلحه‌های خود را به زمین نگذارند و وارد مذاکره با دولت نشوند، مجبور خواهد شد جنگ همه جانبه‌ای را علیه آنان آغاز کند. اما چریکها در درگیریهای مختلف هفته‌های اخیر نشان دادند که حاضر به انجام هیچ گونه مذاکره با دولت نیستند، به طوری که در آخرین درگیری بین چریکها و ارتش حداقل ۴۰۰ چوک، در این عملیات شرکت داشتند.

مارکوس نیز در اوایل آوریل طی یک مصاحبه‌ی تلفنی با یکی از ایستگاههای رادیویی فیلیپین اعلام کرد که از مبارزات ضد کمونیستی خانم آکینو حمایت می‌کند و از ارتش خواست که در راه انجام این هدف به آکینو کمک کند. او همچنین گفت: "گرچه،

کره جنوبی

بحران سیاسی اوج می‌گیرد

کلاسهای خود و انجام راه‌پیمایی‌هایی در سراسر این کشور، همراه با شعارهای کوبنده‌ای چون "مرک بر دیکتاتور - مرک بر امپریالیسم آمریکا - زنده باد سوسیالیسم و ... خواهران برکناری

زد و خوردهای شدید بین دانشجویان مترقی کره جنوبی و پلیس در هفته‌های اخیر همچنان ادامه داشت. در ماه گذشته دانشجویان انقلابی کلیدی دانشگاههای این کشور با تحریم

اختلافاتی با خانم آکینو داریم، ولی او سزاوار حمایت ارتش در جنگ علیه شورشیان چپ است." ○

سرمقاله

توطئه جاسوسی مجاهدین محکوم است

می‌دهد که از سازمانهای انقلابی ایران
بیان مبارزاتیشان را طلب کند.

جریانی که امروز با انتشار عکس
و نام و نشان انقلابیون شرایط گرفتاری
آنان را به دست رژیم جنایتکار جمهوری
اسلامی فراهم می‌کند، جریانی که
جاسوسی علیه دانشجویان و مبارزان
خارج از کشور و تعقیب و مراقبت پلیسی
آنها را از وظایف عمده خویش ساخته
است چگونه این چنین وقیحانه ادعای
انقلابیگری می‌کند؟

ما، هواداران سچفا، جدا به
مجاهدین خلق هشدار می‌دهیم که
در صورت ادامه سیاست جاسوسی
سرلوشتی جدا از حزب ضد انقلابی
توده و اکثریتی‌های خائن در انتظارشان
نخواهد بود. هواداران سازمان در
سراسر جهان با هوشیاری مراعجه تمامتر
با توطئه‌های مجاهدین مقابله کرده
و حرکات جاسوسی و پلیسی آنان
را افشا خواهند کرد.

ما همچنین به کلیه سازمانهای
انقلابی و مبارز هشدار می‌دهیم که
توطئه‌ها و حملات شبه فاشیستی
مجاهدین علیه سچفا و هواداران
آن تنها به سازمان ما محدود نخواهد
شد و دیری نخواهد پایید که بسیاری
دیگر از نیروها نیز آماج کینه‌توزی‌های
این سازمان قرار گیرند. ما از کلیه
نیروهای انقلابی انتظار داریم که
شدیدا این اعمال بی‌سابقه جاسوسی
از سوی مجاهدین را محکوم کنند.

تنها با همکاری متحد و متشکل
همه‌ی نیروهای انقلابی و دموکرات
میتوان اماکن فعالیت نیروهای مبارز
را از لوث وجود جاسوسان و خریچینان
مبرا ساخت. ○

خواستند که به این عملیات پایان
دهند !! رئیس جمهور دیکتاتور این
کشور در ماه اخیر با انجام یک سری
دیدارهایی از کشورهای مختلف اروپایی،
خواهان حمایت آنها از دولتش در
سرکوب مبارزات توده‌ای مردم گره
و به ویژه دانشجویان شد. ○

دیکتاتور حاکم بر این کشور شدند.
درگیریهای چند هفته‌ای اخیر دانشجویان
از خشونت آمیزترین زد و خوردهای
آنان بوده است.
مبارزات دانشجویان، اپوزیسیون
بورژوازی این کشور را به عراس انداخته
به طوری که آنان از دانشجویان



پلیس ضد شورشی با گاز آتش آور به تظاهرات ضد دولتی دانشجویان در
دانشگاه سنول حمله ور می‌شود.

پاکستان

بوتو آلترا تیبو دیگر امپریالیسم



بی‌نظیر بوتو

داد و در صورت ایجاد هرگونه اغتشاش
از سوی هواداران بوتو در مقابل آنان
ایستادگی خواهد کرد. ○

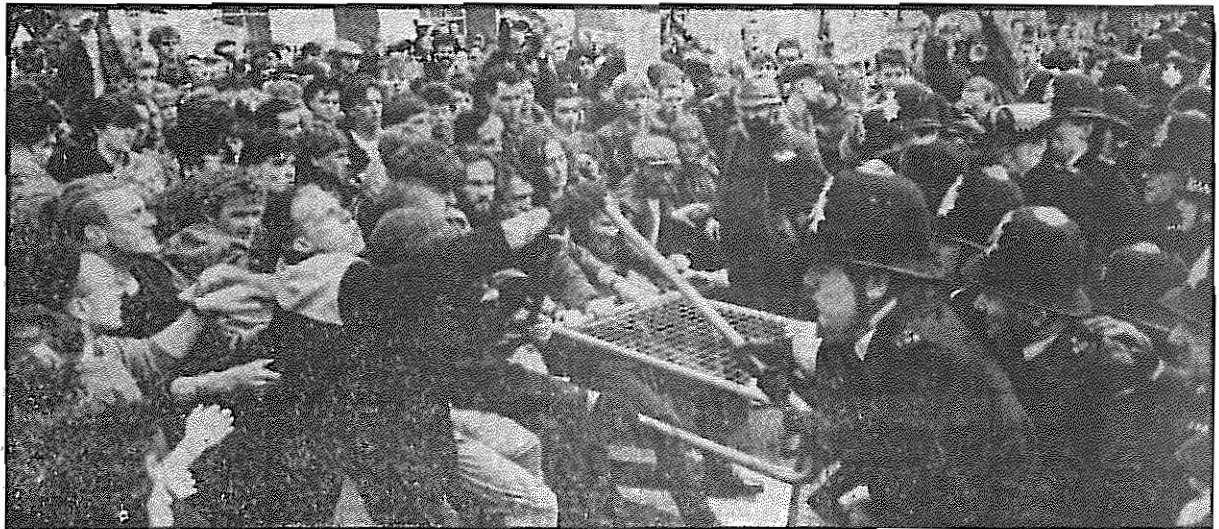
در هفته‌های اخیر رسانه‌های غرب،
مملو از خبرهای مربوط به بازگشت
بی‌نظیر بوتو، رهبر تبعیدی " حزب
مردم پاکستان"، به این کشور بوده‌اند.
بار دیگر امپریالیسم جهانی، با علم
کردن مهره‌ی جدیدی، در پی به انحراف
کشاندن مبارزات مردم و جلوگیری
از وقوع یک جنبش انقلابی است.
بی‌نظیر بوتو در سخنرانیهای اخیر
خود خواهان انجام انتخابات جدید،
و برکناری ژنرال ضیا الحق شده. ضیا الحق
نیز اعلام داشت که دولتش، دولت
انتخابی مردم است و بر طبق قانون
تا سال ۱۹۹۰ به حکومتش ادامه خواهد

تجاوز نظامی آمریکا به لیبی با شکست روبرو شد

عصر روز دوشنبه ۱۴ آوریل ۸ فروردین
جنگنده‌ی دور پرواز اف - ۱۱۱ آمریکایی
از دو پایگاه سوایی در انگلستان

آمریکایی با پرواز از ناوهای عوایمابرا
این کشور مستقر در دریای مدیترانه
به مقصد بنغازی، فرودگاه و برخی

موقعیت خود شدیداً استفاده برد.
انعکاس این عمل در دنیای عرب
آنچنان بود که حتی دولتهای دست
نشاندهی آمریکا نیز هراسان از جو
موجود در کشورهای خود مجبور به اتخاذ
موضع علیه این تجاوز نظامی شدند.
حتی دولتهای مصر، اردن هاشمی و
عراق که از جمله دشمنان سرسخت
حکومت قذافی محسوب می‌شوند مجبور



صحنه‌ای از برخورد تظاهرکنندگان با پلیس در مقابل سفارت آمریکا در لندن.

به مقصد ترابلس به پرواز در آمدند.
از آنجا که کشورهای فرانسه و اسپانیا
به آمریکا اجازه‌ی عبور از حریم سوایی
خود را نداده بودند، این هواپیماها
با افزایش نزدیک به ۵۰۰۰ کیلومتر
به مسافت‌شان، از طریق پرواز بر فراز
اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه،
و سوخت گیری در آسمان، پس از هشت
ساعت پرواز، به ترابلس رسیدند.
هدفهای مورد نظر از مدت‌ها قبل تعیین
شده بودند. مهم‌ترین هدف یادگان
العزیزیه، محل اقامت و دفتر سرسنگ
قذافی بود.

در حملات جنگنده‌های سوایی
آمریکا ضمن وارد آمدن خساراتی به
این یادگان چند سفارتخانه و تعداد
زیادی واحدهای مسکونی نیز مورد
اصابت قرار گرفت. همزمان با این
حملات تعدادی از هواپیماهای

مناطق نظامی در حومه‌ی این شهر
را مورد حمله قرار دادند.
بنابر گزارش خبرگزاری لیبی، در
این حملات مجموعاً ۳۸ نفر کشته شده‌اند
که تنها دو تن از آنان از افراد نظامی
بودند. به دنبال این حمله‌ی تروریستی
دولت آمریکا، کلیدی دولتهای جهان،
حتی دول امیرنالیستی، به استثنای
انگلستان، کانادا و اسرائیل این
تجاوز نظامی آمریکا را محکوم کردند.
شهرهای اروپایی در سفته‌ی متعاقب
این حمله صحنه‌ی تظاهرات و اعتراضات
وسیع شده‌ای بود. اعتراضات گسترده‌ی
مردم در لندن علیه دولت آمریکا و
سیاست سمکاری دولت تاچر چندین
روز به طول انجامید. دولت ارتجاعی
سرسنگ قذافی، از این تجاوز
جنایتکارانه‌ی آمریکا جهت برانگیختن
احساسات ملی مردم لیبی و تثبیت

به محکوم کردن آمریکا شدند.
دولت ریگان در این حمله مشخصاً
دو هدف عمده را دنبال می‌کرد. اولاً
این که قذافی به احتمال زیاد در انفجار
وسیع یادگان العزیزیه تلف خواهد
شد، و ثانیاً بمباران ترابلس باعث
تضعیف حکومت شده به عناصر ناراضی
درون ارتش امکان خواهد داد که
دست به یک کودتای نظامی بزنند.
اما سیر حوادث نه تنها شکست
مفتضحانه‌ای برای آمریکا به بار آورد
بلکه باعث محبوبیت دولت ارتجاعی
لیبی در داخل و خارج از آن کشور شد.
این دولت که به واسطه‌ی عملکردهای
قرون وسطایی و سیاستهای سرکوبگرانه
و به غایت ارتجاعی مورد انزجار و
تمسخر نیروهای دموکرات و آزادیخواه
جهان بود، امروز مورد حمایت اندهان
عمومی جهان قرار گرفته است. ■

بلژیک

بروکسل - در تاریخ ۲۸ فوریه، از سوی دانشجویان ایرانی عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در بلژیک، برنامه‌ای به مناسبت شانزدهمین سالگرد رستاخیز سیاعکل و هشتمین سالگرد قیام بهمن در بروکسل برگزار شد. این برنامه با قرائت پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت سالروز قیام بهمن و

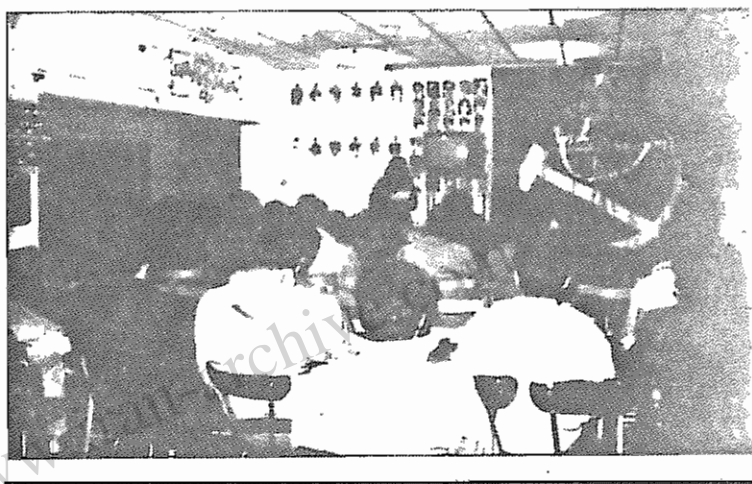
سیاعکل به زبان فارسی و فرانسه آغاز گردید. سپس توسط یکی از رفقای "اتحادیه کارگران و دانشجویان کرد" چند آواز و موسیقی کردی اجرا شد. در ادامه یکی از رفقای مراکشی چند شعر از سروده‌های خود را به زبان فرانسه قرائت کرد. سپس ویدیوی "مرک بر امپریالیسم"، ساخته‌ی رفیق سعید سلطانپور نمایش داده شد. پایان برنامه به پاسخگویی به سئوالات حضار ایرانی و خارجی اختصاص داده شده بود. برنامه با سرود انترناسیونال پایان یافت. □

هند

دلی - دولت راجیو گاندی در نظر دارد لایحه‌ای در رابطه با "سیاست جدید تحصیلی" خود در پارلمان هند به تصویب رساند. این لایحه دولت مبتنی بر تمایز و تبعیض در دو سطح تحصیلی است، یکی ایجاد مدارس نمونه که شاگردان ممتاز و نخبه را که متعلق به اقشار بالایی جامعه است می‌پذیرد و از امکانات و توجهات زیاد دولتی و خصوصی برخوردار است، و دیگری مدارس عادی و بدون امکانات برای فرزندان اقشار و کاستهای پایینی جامعه.

در اعتراض به این سیاست تحصیلی دولت راجیو گاندی، سازمان دموکراتیک سراسری دانشجویان هند (AIDSO) که دارای صدها هزار عضو می‌باشد و یکی از بانفوذترین تشکلات دانشجویی هند است، چهارمین کنفرانس خود را در روزهای ۲۰ تا ۲۲ فوریه در دلی برگزار نمود. این سازمان دانشجویی وابسته به حزب "اتحاد مرکزی سوسیالیستهای هند" (SUCI) می‌باشد و تاریخچه‌ی فعالیت آن از دسامبر ۱۹۵۴ آغاز می‌گردد.

بنابه دعوت (AIDSO) سازمان دانشجویان ایرانی در هند عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز در این کنفرانس شرکت نمود و در روز ۲۱ فوریه کنفرانس با شرکت ۷۰۰۰ دانشجو، از ۱۷ ایالت هند، با سخنرانی پرنیش چاندا یکی از رهبران (SUCI) افتتاح گردید. پس از آن پیام سازمان دانشجویان ایرانی در هند - عوادار سچفا توسط یکی از رفقای عوادار قرائت گردید. علاوه بر آن رفقای شرکت کننده در کنفرانس توانستند با پخش نشریات و جزوات مختلف سازمان، ضمن افشا و محکوم نمودن جنایات رژیم جمهوری



توسط رفقای گروه کرا و موسیقی مترقی آمریکای لاتین ادامه یافت. پس از استراحت، مراسم با اجرای دو نمایشنامه یکی به نام مدرسه که بیانگر عملکرد ارتجاعی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و جناح غیررسمی دیروز آن ضد انقلابیون نوده‌ای در آموزش و پرورش و دیگری به نام کارخانه که بیانگر مبارزات کارگران و عملکردهای ضد انقلابی رژیم در مقابله با آنها بود توسط رفقای عوادار "سچفا" به اجرا در آمد و برنامه با دکلمه‌ی شعری از برشت به زبانهای آلمانی و فارسی و اجرای موسیقی و رقص خلقی کرد توسط گروه سنری وابسته به حزب P K K از ترکیه ادامه یافت. □

آلمان غربی

گوتینگن - در تاریخ ۲۲ مارس ۸۶ از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - گوتینگن، به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۵ مراسم برگزار شد. این مراسم که حدود ۲۰۰ نفر از ایرانیان، دیگر خارجی‌های مقیم گوتینگن و آلمانی‌های مبارز و مترقی در آن شرکت نموده بودند با اجرای سرود بهاران خجسته باد توسط رفقای گروه کرا آغاز شد و سپس با قرائت مقاله‌هایی به زبان آلمانی و فارسی، اجرای سرود بریا خیز

اسلامی، به تبلیغ مواضع انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بپردازند.



دغلی - به مناسبت گرامی داشت نوروز، سنت دیرینه توده‌ها، در سیاه‌ترین دوران حکومت جهل و جنایت دین و سرمایه، برنامه ویژه‌ای از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در عتد عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در روز ۲۱ مارس ۸۶ و با شرکت بیش از ۱۶۰ تن از هم‌وطنان ایرانی و گروهی از دانشجویان مترقی عندی، در سالن دانشگاه جواهر لعل نهرو - دغلی برگزار گردید. این برنامه با اعلام يك دقیقه سکوت به یاد عزاران رزمنده و مبارز که از اولین بهار آزادی تا کنون به دست رژیم جهل و جنایت جمهوری اسلامی، به خون تیپیده‌اند آغاز گشت، و با قرائت پیام سازمان دانشجویان ایرانی در هند - و اجرای سرود " سرود نوروزی " توسط گروه کر و سپس برنامه‌ی انتقادی - سیاسی حاجی فیروز که در قالبی طنزآمیز افشاگر نقش امپریالیسم در حمایت از دستار بندان حاکم و " آلترناتیوهای " رنگارنگ حامی نظم سرمایه از سلطنت طلب تا مدافعین اسلام راستین بود، ادامه یافت. در میان پرده‌ای کوتاه پرونده‌ی حزب ضدانقلابی توده مرور گشت و به دنبال آن دکلمه‌ی شعری به یاد کردستان خونین و در تعاقب آن نمایشنامه‌ی با اقتباس از " يك ملاقات " محسن یلفانی، که نرجمانی از شکنجه و اعدام و مقاومت مبارزین در سیاه چالهای فزون وسطایی جمهوری اسلامی بود، در دو پرده اجرا گشت. پس از آن " سرود بندری " به یاد درد و رنج صیادان و زابیران محروم بندر، قطعه شعر افق روشن و سرود کارگر - سرمایه‌دار، توسط گروه کر اجرا گردید.

اتریش

اسلامی قرائت شد و نمایشنامه‌ی " پس فردا بهشت " مندرج در جهان ۳۵، اجرا گردید. رفقای " راه انقلابی " نیز رقصهای محلی از ترکیه اجرا کردند. این مراسم مورد استقبال فراوان قرار گرفت. سازمان دانشجویان ایرانی وین - اتریش عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و عواداران چریکهای فدایی خلق (ارتش رهایی بخش خلقهای ایران) از جمله برگزارکنندگان این برنامه بودند. □

وین - در تاریخ ۲۱ مارس مراسم جشن نوروز توسط " کمیته‌ی برگزار کننده‌ی مراسم نوروز " در شهر وین برگزار گردید. این مراسم با سرود و دکلمه‌ی اشعار فدایی شهید احمدی اسکویی آغاز شد. سپس مقاله‌ی بررسی شرایط ایران و افشای رژیم جمهوری

آمریکا

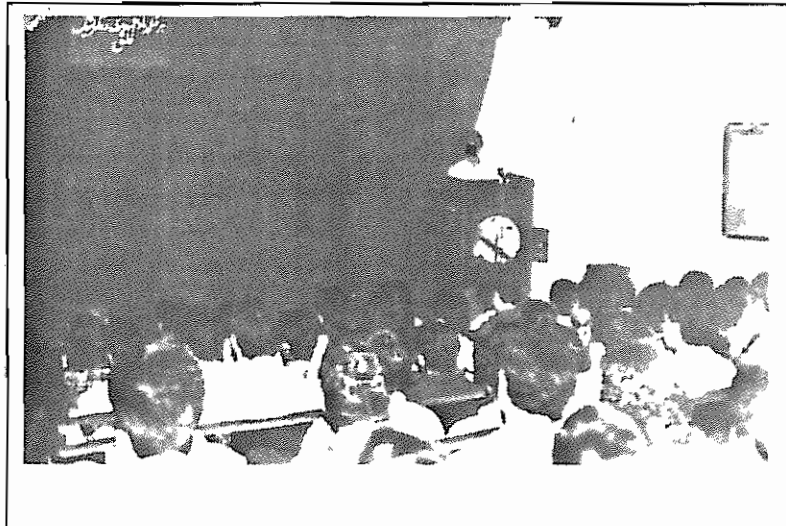
چون مجاهدین و راه کارگر در وقایع درونی سچقا و نیز سو استفاده‌های عناصر فرمیست از این وقایع را محکوم کردند.

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، همچنین به منظور پیشبرد وظایف هواداری، به برنامه‌ریزی نا مقطع کنگره‌ی خود دست زد. □

شورای عالی فوق‌العاده‌ی سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا عوادار سچقا، به تاریخ ۵ و ۶ آوریل ۱۹۸۶، در یکی از شهرهای آمریکا برگزار شد. طی این نشست رفقای شرکت کننده پس از محکوم کردن حمله‌ی مسلحانه به مقر رادیو صدای فدایی، طی قطعنامه‌هایی دخالت‌های بیجا و فرصت طلبانه‌ی برخی از نیروهای سیاسی

اجرای برنامه‌ها شور خاصی به برنامه بخشیده و نمایانگر موفقیت برنامه بود. □

استقبال هم‌وطنان از این برنامه که بیش از ۵ ساعت به طول انجامید، خصوصا ابراز احساسات آنان در طول



گزارشهایی از عملیات جاسوسی و شناسایی، تعقیب و مراقبت

و ضرب و شتم هواداران سازمان

توسط فالانژهای مجاهدین در کشورهای مختلف

در روز ۱۴ آوریل ۱۹۸۶ بیش از ۴۰ تن از دانشجویان عوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در فرانسه در اعتراض به سیاستهای اخیر مجاهدین مبتنی بر علنی کردن اسامی برخی از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و همچنین انتشار عکس و مشخصات ۱۰ تن از هواداران سازمان در فرانسه در مقابل شهرداری " اور - سور - اواز " اقدام به یک تظاهرات ایستاده کردند. تعدادی از رفقا خود را به زنجیر کشیده و بقیه نیز با دادن شعارهایی پیرامون افشاگری سیاستهای جاسوسی مجاهدین و همچنین پخش وسیع اعلامیه و تراکت مردم را از اهداف آکسیون آگاه ساختند. پس از ۴۵ دقیقه از شروع تظاهرات، پلیس با پاره کردن زنجیرها و برداشتن ماسک از صورت افراد اکیپ تبلیغاتی از آنها عکس گرفته و سپس آنها را به ژاندارمری " پونتواز " منتقل کرد که پس از چند ساعت آزاد گشتند.

سنگام بازگشت از محل ژاندارمری رفقای عوادار متوجه شدند که ماشینهای حامل آنان توسط مجاهدین تعقیب می شود. هواداران رجوی در دو اتومبیل ضمن تعقیب رفقا از آنان فیلم و عکس گرفتند.

عصر همان روز عده ای از رفقای هوادار متوجه می شوند که محل اقامت آنان در یکی از خوابگاههای دانشجویی پاریس تحت مراقبت مجاهدین است و عرگاه که یکی از رفقا از این محل خارج می شود بلافاصله توسط افراد رجوی مورد تعقیب قرار می گرفت. دیگر دانشجویان ایرانی ساکن این خوابگاه

دادن شعار و افشاگری از این عمل کثیف مردم را از حرکات جاسوسی عواداران رجوی آگاه ساختند. مجاهدین به دنبال تجمع مردم در محل از آنجا دور شده به طرف ایستگاه مترو روانه می شوند. رفقای هوادار نیز ضمن دادن شعار همچنان به افشای اعمال آنان می پردازند. مامورین مترو با مشاهده این اوضاع پلیس را از این امر مطلع می کنند. با ورود پلیس به محل ایستگاه و سؤال و جواب از طرفین مشخص می شود که مجاهدین ساکن فرانسه نبوده و تنها به زبان انگلیسی با پلیس صحبت می کردند. آنان سفیپانه ادعا می کنند که رفقای عوادار سازمان قصد ترور رجوی را دارند. پلیس در صحبت با هواداران سازمان از اعمال پلیسی - جاسوسی مجاهدین آگاه شده و به آنان اخطار می دهد که حق ندارند با این حرکات برای افراد ایجاد مزاحمت کنند.

صبح روز بعد (جمعه ۱۸ آوریل) سه تن دیگر از هواداران رجوی مجدداً منزل این رفقا را تحت نظر داشتند. رفقای هوادار بار دیگر با افشاگریهای خود ساکنین محل را از ماهیت کثیف اعمال مجاهدین آگاه ساختند. پس از چندی دو تن پلیس مخفی به محل آمده و با آگاهی از کم و کیف اوضاع دو تن از افراد مجاهد را دستگیر کرده و از محل بردند. ساعتی بعد دو تن دیگر از مجاهدین بار دیگر این محل را تحت نظر داشتند. رفقای هوادار باز هم آنان را محاصره کرده به دادن شعار پرداختند. یکی از مجاهدین سعی داشت با رفقای هوادار درگیری فیزیکی ایجاد کند، که با هوشیاری رفقای ما موفق به این امر نشد. تا رسیدن افراد پلیس قریب به یکصد تن از امالی محل و کسبه در این نقطه اجتماع کرده و تا این زمان همه از ماهیت اعمال هواداران رجوی آگاه شده بودند. پلیس این دو مجاهد را به

نیز متوجه این حرکات شنیع عواداران رجوی شده و از این اعمال خشنک و معترض بودند. بالاخره به تقاضای یکی از ساکنین خوابگاه، پلیس به این محل آمده، افراد مجاهدین را مورد سؤال و جواب قرار می دهد. پلیس ضمن بازرسی از اتومبیل آنان تعدادی گزارش دست نویس می یابد که پس از ترجمه توسط یکی از ایرانیهای حاضر معلوم می شود که گزارش در مورد محل سکونت هواداران سازمان، تعداد آنها و گزارش تعقیب آنان است. سپس پلیس این دو نفر را دستگیر کرده از محل خارج می کند.

در روز پنجشنبه ۱۷ آوریل، بیش از ۳۰ تن از دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در فرانسه از ساعت ۱۰ صبح در دفتر سازمان عفو بین الملل پاریس تجمع کرده و ضمن مصاحبه با نماینده این سازمان و ارایه اسناد در مورد سیاستهای جاسوسی مجاهدین خواستار قطع این سیاستهای ضد انسانی شدند. همچنین رفقای دانشجوی در حضور نماینده عفو بین الملل دو مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه لوموند و خبرگزاری فرانسه به مدت یک ساعت انجام دادند و اهدافشان را از این آکسیون برای آنها توضیح دادند.

روز پنجشنبه ۱۷ آوریل، تعدادی از رفقای هوادار سازمان متوجه شدند که محل سکونت آنان در محله سن سور پاریس تحت مراقبت پلیسی مجاهدین است. با مشاهده این امر رفقا به خیابان آمده با

عمره تعدادی از هواداران سازمان دستگیر کرده به کلانتری می‌برد. اما پس از ورود به محل کلانتری و مشاعده‌ی دو تن دیگر از مجامدین که قبلاً دستگیر شده بودند و آگاهی از حرکات آنان رفقای هوادار را آزاد می‌کند. صبح روز شنبه ۱۹ آوریل تنی چند از افراد مجامدین یکی از رفقای هوادار سازمان را مورد تعقیب قرار می‌دند. مجامدین در یکی از ایستگاههای مترو پاریس (ایستگاه نوازی لو گران) این رفیق را محاصره کرده خواستار تفتیش کیف او می‌شوند. به دنبال اعتراض رفیق نسبت به این عمل کثیف مجامدین رفیق مزبور را شدیداً مضروب ساخته محتویات کیف او را بازرسی کرده و سپس از محل می‌گریزند.

آنچه که در بالا گزارش آن رفت تنها چند نمونه از عملکرد جاسوسی مجامدین در هفته‌های اخیر می‌باشد. این اعمال کثیف و بی‌سابقه در جنبش اپوزیسیون بی‌شک نشانگر اوج درفاندگی و ورشکستگی سیاسی سازمان مجامدین است. امروز بر عمه روشن است که محور اصلی حرکت‌های مجامدین در خارج از کشور نه مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که دشمنی بیمارگونه علیه جنبش طبقه‌ی کارگر ایران و تبلور متشکل آن یعنی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران است.



همچنین در روز ۱۱ آوریل حدود ۳۰ نفر از هواداران مجامدین به محل برگزاری میز کتاب سازمان‌های سیاسی در استکهلم بیورش آوردند. جلوی درب ورودی، فالانژهای مجاهد از کلیه‌ی کسانی که قصد ورود به محل برگزاری میز کتاب را داشتند می‌پرسیدند " نظر شما راجع به اقلیت چیست ؟ " عده‌ای از آنها نیز به طرف میز کتاب انجمن دانشجویان ایرانی در سوئد

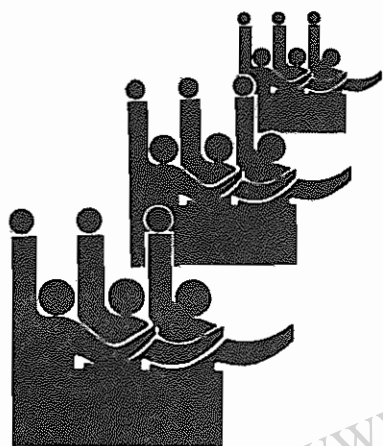
حمله‌ور شده می‌گویند هواداران سازمان " ضد انقلابی " هستند. کلیه‌ی سازمانها و نیروهای سیاسی ایرانی به استثنای شورای متحد چپ و طوفان از هواداران سازمان دفاع کرده، میز رفا را حلقه می‌زنند و مانع حرکت مجامدین می‌شوند. در پی این وقایع هواداران سازمان‌های سیاسی در سوئد، طی اعلامیه‌ی مشترکی به امضای هواداران حزب کمونیست ایران، طرفداران نشریه‌ی سوسیالیسم و انقلاب، هواداران سابق پیکار ... این حرکت فالانژوار مجامدین را محکوم کرده، اعلام می‌کنند، تا زمانی که هواداران مجامدین کتبا در مورد حرکت ۱۱ آوریل از خود انتقاد نکنند، اجازه‌ی برگزاری میز کتاب در این محل را ندارند.



به دنبال بیورش سراسری هواداران رجوبی به مراکز فعالیت نیروهای سیاسی ایرانی در کشورهای مختلف جهان، هاید پارک لندن نیز در روز یکشنبه ۱۳ آوریل مورد بیورش قرار گرفت. مجامدین در حالی که تمام نیروهای خود را بسیج کرده بودند، در همان لحظات اول به طور غافلگیرانه‌ای به هواداران سازمان حمله‌ور شدند و چند تن از آنان را مضروب ساختند. این حرکت فالانژگونه‌ی مجامدین خشم نیروهای سیاسی حاضر در هاید پارک و سایر هم‌وطنان مبارز را برانگیخت، به طوری که اتحاد یک پارچه‌ای علیه این تهاجمات مجامدین ایجاد شد. افراد حاضر در هاید پارک با دادن شعارهای کوبنده‌ای همچون " مرگ بر چماق‌دار - مزدور سرمایه‌دار " و " مجاهد، حزب الله - پیوندتان مبارک " فالانژهای مجاهد را ناچاراً به عقب نشینی کردند.

این حرکت فاشیستی مجامدین علیه هواداران سچفا و سایر نیروهای سیاسی در یکشنبه بعد نیز تکرار شد. اما این بار نیز مجامدین در

تلاش مذبحانه‌ی خود ناکام شدند. اغلب نیروهای سیاسی حاضر در ساید پارک با اتحاد محکم خود به مجامدین اجازه ندادند که مقاصد ضد انقلابی خود را به اجرا در آورند. لازم به تذکر است که مجامدین با به کار بردن رکیک ترین فحشها علیه هواداران سازمان و سایر نیروهای سیاسی حاضر در ساید پارک، ماعت حقیقی خود را به نمایش گذاشتند. ضمناً در این دو هفته مجامدین آشکاراً از همه‌ی مخالفان عکس می‌گرفتند



تا برای آنان بیرونده سازی کنند. حقیقتاً که مجامدین دست برآداران حزب الهی خود را در این زمینه‌ها از پشت بسته‌اند. طبق شواهد موجود، مجامدین در هفته‌های بعد نیز به چنین حرکت‌های ضد انقلابی در هاید پارک دست خواهند زد. اتحاد یک پارچه‌ی عمه‌ی نیروهای حضور یابنده در ساید پارک برای مقابله با مجامدین یک ضرورت است. هواداران سچفا در انگلستان با قاطعیت تمام در مقابل توطئه‌های مجامدین ایستادگی خواهند کرد.



در کینهاک نیز مجامدین به میز کتاب رفقا حمله کردند که گزارش آن را در زیر می‌خوانید: " رهبری مجامدین " که در جریان

نزدیکی به امریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه خود را در مبارزه‌ی سیاسی ناتوان یافته است پس از شکست توطئه‌ی نافرجام اخیر، مقر رادیوی سازمان اخیراً بر این تلاش است تا زمینه‌ی کشتار انقلابیون فدایی و ناپودی تشکیلات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را این بار به توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تسهیل سازد. مرکز جاسوسی اور - سور - اواز که در خدمت به امریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه و با استفاده از امکانات وسیع آنها مستقیم و غیر مستقیم، آشکار و پنهان در اوضاع و احوال بین‌المللی کنونی برای به انحراف کتانیدن جنبش توده‌ای و مقابله با مطالبات دموکراتیک خلقهای تحت ستم ایران و سرکوبی سازمانهای انقلابی توسط رژیم ضد خلقی جمهورون اسلامی را از طریق کسب اطلاعات از مسایل درونی و علنی کردن اعضای آنها دنبال می‌کند، اخیراً دست به تلاش مذبوحانه‌ی دیگری زده و با گسیل عواداران خود به مراکز دانشجویی و جلسات میز کتاب در اغلب کشورهای اروپایی سعی در ایجاد جو درگیری به قصد بسته شدن این مراکز که محلی برای افشای چهره‌ی رسوایشان تبدیل شده است را دارد. عواداران مجاهدین (بخوان چماقداران سرمایه) که از تهمت و افترا و ناسزا و لجن پراکنی ضرب و شتم رفقای اکیب تبلیغات در تاریخ ۲۵ مارس در اور - سور - اواز طوقی نیستند این بار روز شنبه ۱۲ آوریل با حضور در جلسه‌ی میز کتاب که شنبه‌ی عر عفته در کیتهاک برگزار می‌گردد با ایجاد جو عیستریک و برخوردهای فالانژگونه قصد درگیری با رفقای عوادار سازمان را داشتند که با خونسردی و متانت کمونیستی رفقا روبرو شده و زمانی که برخورد اصولی رفقا در مقابل لجن پراکنی افراد مذکور باعث نقشه بر آب شدن طرح از پیش دیده شده‌شان شد و

در کل جو میز کتاب را علیه خود دیدند مجبور به ترک جلسه میز کتاب شدند
 بم وطنان مبارز!
 نیروهای انقلابی!
 — آگاه باشید که مجاهدین برای از میان برداشتن هر مخالفتی علیه خود نه تنها اور - سور - اواز را به مرکز جاسوسی تبدیل کرده است، همچنین در تدارک انجام ضمان اعمالی است که رژیم ضد خلقی جمهورون اسلامی ایران بیش از هفت سال است در گوشه و کنار میهنمان بر علیه توده‌های مردم ایران و نیروهای انقلابی به

پیش برده و می‌برد. ما ضمن ابراز تنفر و انزجار نسبت به این سیاستهای به غایت ارتجاعی اعلام می‌کنیم بر علیه خودکامگی، جاسوسی و افشای بلاوقفی مجاهدین تا آنجا که در توان داریم روش سیاسی مبارزه را ترک نخواهیم کرد و اطمینان داریم هم وطنان مبارز و کلیه‌ی نیروهای انقلابی نقشه‌های اخیر آنان را مصمانه افشا کرده و از مراکز که در خدمت روشنگری و انقلاب جهت افشای بی‌رحمانه‌ی بورژوازی و تمامی عوامل رنگارنگ آن است دفاع خواهیم کرد.

اعمال پلیسی و جاسوسی سازمان مجاهدین محکوم است

ما امضا کنندگان زیر اقدامات پلیسی اخیر سازمان معاندین خلق منس بر فلس گرس اساس و بیوعیت سکولاس روحی از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق و مجلس اساسی و سایر جندس از اعضای احسن دانشجویان ایرانی در فرانسه (عواداران حجتا اور) شدیدا محکوم می‌کنیم و اس حرکات را در خدمت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و امریالیسم می‌دانیم. ما مجلس حمله چماقداران سازمان مجاهدین را به اجتماع نیروهای اساسی در "ساند پارت" لندن در تاریخ گذشته ۱۷ آوریل ۸۱ و معروف گرس جندس از آنها و عمل پلیسی حمله‌های فالانژگونه به سرزمین محکوم می‌کنیم. ما صفا اعتماد داریم که سازمان معاندین اساس اس مثل تبلیغ علیه رژیم جمهوری اسلامی و کله نیروهای (مجلس) بوده، "انگیزت" و "۱۰۰۰ است" ما بر این باوریم که چماقداری اس دست کشورها محدود نیست.

محکومیت اعمال پلیسی سازمان مجاهدین خلق

ما امضا کنندگان زیر اقدامات پلیسی اخیر سازمان معاندین خلق منس بر فلس گرس اساس و بیوعیت سکولاس روحی از اعضای احسن دانشجویان ایرانی در فرانسه (عواداران حجتا اور) شدیدا محکوم می‌کنیم و اس حرکات را در خدمت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و کله نیروهای (مجلس) بوده، "انگیزت" و "۱۰۰۰ است" ما بر این باوریم که چماقداری اس دست کشورها محدود نیست.

- انجمن عواداران حزب کمونیست ایران در فرانسه
- بهروز خشن‌نویس کمونیست (سازو) سلطانه — هم اشتراکری — هم تاکیک
- دانشجویان ایرانی در فرانسه (عواداران سابق پیکار)
- طرفداران نشریه "سویالیسم و انقلاب" در پاریس
- "حیبه" همبستگی بین المللی در دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران
- انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه (عواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران)

۱۳۸۱/۴/۱۷

ناتوانی اوپک در تثبیت بهای نفت و سقوط درآمدهای ارزی رژیم

به دنبال سقوط بهای نفت در طول سه ماه گذشته، از طرف کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک، دو اجلاس فوق العاده این سازمان فرا خوانده شد. نشست اول به مدت ۹ روز از ۱۶ تا ۲۴ مارس با شرکت وزرای نفت ۱۳ کشور عضو در شهر ژنو برگزار شد. هدف اصلی این مذاکرات دست یابی به یک سیاست مشترک جهت افزایش مجدد قیمت نفت و تثبیت سهم بازار برای این کارتل بود. اما وجود اختلافات شدید و دسته بندیهای درون این سازمان بار دیگر باعث شد که این اجلاس بدون دست یابی به یک موافقت جمعی، با شکست کامل به کار خود خاتمه دهد. در نتیجه همین امر اجلاس اضطراری دیگری با فاصله کمی کمتر از سه هفته فرا خوانده شد که از تاریخ ۱۵ آوریل مجدداً کار خود را در ژنو آغاز کرد.

سقوط بهای نفت از سطح ۲۶ دلار به حدود ۱۱ دلار به ازای هر بشکه در عرض ماههای گذشته درآمد نفتی کشورهای تولید کننده را بیش از ۵۰ درصد کاهش داد. از آنجا که درآمد ناشی از صادرات نفت منبع اصلی درآمد ارزی اکثر قریب به اتفاق کشورهای عضو این کارتل است کاهش بی سابقه بهای نفت موقعیت اقتصادی و سیاسی بسیاری از آنان را در حالت بحرانی قرار داده است. ما در این نوشته ضمن اشاره به برخی دلایل سقوط قیمت نفت و راه حلهای ارایه شده از سوی جناحهای

مختلف اوپک، جهت افزایش بهای نفت، به توضیح عواقب این امر بر اقتصاد کشورهای تولید کننده، به خصوص محاسبات اقتصادی رژیم خواهیم پرداخت.

عوامل موثر در سقوط بهای نفت

گذشته از رکود تولیدی کلی غالب بر جوامع سرمایه داری و شیوه های موثرتر استفاده از انرژی سوختی و نتیجتاً کاهش قابل توجه تقاضا برای نفت در طی چند سال گذشته، اکتشاف منابع جدید نفتی در اقصی نقاط جهان و پیوستن بسیاری از کشورهای جدید به زمره صادر کنندگان نفت باعث فزونی عرضه بر تقاضا در سالهای اخیر شده است. از سال ۱۹۸۲ تا به امروز قیمت نفت خام و فراورده های نفتی سیر نزولی را طی کرده است. کشورهای صادر کننده نفت، عضو اوپک نیز که زمانی بیش از ۷۰ درصد مصرف جهانی را تامین می کردند امروز تنها سهمی نزدیک به ۳۰ درصد بازار جهان را به خود اختصاص می دهند. این امر باعث شده است که اوپک قدرت سابق خود را به عنوان یک کارتل قیمت گذار تا حدود زیادی از دست بدهد. اما مهم تر از همه تضادسای موجود بین اعضای این سازمان است که مانع از پدید آمدن یک سیاست موثر و قاطع در امر کنترل عرضه و قیمت گذاری شده است. این تضادها زمانی شدت گرفت که تقاضا برای نفت کشورهای اوپک

به طرز محسوسی تقلیل پیدا کرد و اوپک مجبور شد سقف تولید روزانه را از ۲۲ میلیون بشکه در روز به ۱۸ و متعاقباً به ۱۶ میلیون بشکه کاهش دهد. کشورهای عضو به سبب وابستگی شدید مالی شان به درآمد نفتی هر یک سعی می کردند سهم کمتری از کاهش تولید را بپذیرند. علی رغم موافقت اعضای این سازمان به تعیین سقف تولید ۱۶ میلیون بشکه در روز و سهم تولید هر کشور عضو، در نشست اکتبر سال ۱۹۸۲، این محدودیت تولید عملاً از سوی برخی از کشورهای تولید کننده، از جمله جمهوری اسلامی، عیج گاه رعایت نشد. در طول این مدت کشورهای اوپک مجموعاً بین ۱۶/۵ تا ۱۸ میلیون بشکه در روز به بازار جهانی عرضه می کردند. بدین ترتیب رفته رفته یک ذخیره عظیم نفت، فزون بر احتیاج، در سطح جهان پدید آمد. در طی سه سال گذشته هر بشکه نفت در بازار آزاد رتردام به طور متوسط بین یک تا دو دلار کمتر از نرخ تعیین شده ی اوپک مورد معامله قرار می گرفت. گذشته از این امر عملکرد جمهوری اسلامی در حراج نفت و تخصیص تخفیفهای مستقیم و غیر مستقیم در معاملات تهازری تاثیر زیادی در کاهش بهای نفت داشت. این مساله پی در پی در جلسات مختلف وزرای اوپک مورد حمله شدید دیگر اعضای این سازمان قرار می گرفت تا حدی که برخی کشورها چون نیجریه و ونزوئلا تهدید به ترک این سازمان کردند. کنفرانس

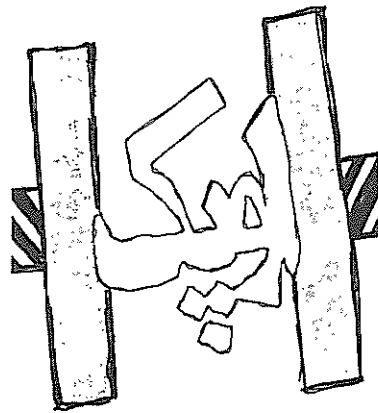
مجدد اوپک در دسامبر ۱۹۸۵ که به منظور رسیدگی به این مسایل و اعمال محدودیت و نظارت بر تولید کشورهای عضو تشکیل شد، بدون هیچ توافق و با شکست کامل به کار خود پایان داد. عدم دست یابی به یک توافق جمعی در این نشستها و نتیجتا شکست در اعمال نفوذ به عنوان یک کارتل تولید کننده در بازار جهانی، عامل دیگری شد برای تضعیف قیمت نفت. مجموع این شرایط در چند ماه گذشته و دورنمای تداوم آنها باعث سقوط شدید بهای نفت از بشکه‌ای ۲۶ دلار به ۱۱ دلار شد. انتظار می‌رفت که این سقوط شدید بهای نفت، باذخره کشورهای عضو را مجبور به توافق بر سر یک سیاست مشترک، به منظور مقابله با سیر نزولی قیمت‌ها خواهد کرد. اما این بار نیز تضادها و دسته بندیهای درون اوپک مانع از آن شد که هیچ گونه موفقیتی در این امر حاصل شود. در حقیقت پس از پایان اجلاس اوپک در ماه گذشته بهای نفت در بازار بورس نیویورک نزدیک به دو دلار سقوط کرده و به مرز ۱۰ دلار رسید.

راه‌حلهای ارایه شده برای کنترل قیمت و تثبیت سهم بازار

از بدو آغاز کار اجلاس ماه مارس دو جناح مشخص درون اوپک راه‌حلهای متضادی را برای مقابله با سیر نزولی قیمت و کاهش سهم اوپک در بازار جهانی پیش پا می‌گذاشتند.

جناحی به رهبری عربستان سعودی و امارات متحده عربی معتقد بودند که اولاً کاهش سقف تولید از جانب اوپک عملی نبوده و هیچ کشوری حاضر نخواهد بود سهم تولیدش را تقلیل دهد و ثانیاً علی‌رغم کاهش تولید اوپک تولید کنندگان غیر عضو همچون مکزیک، انگلیس، نروژ و جز اینها با افزایش میزان تولید خود اثر کاهش اوپک را جبران می‌کنند و بدین ترتیب

نه تنها افزایش قیمتی حاصل نمی‌شود بلکه سهم اوپک در بازار جهانی نیز تقلیل خواهد یافت. این جناح عنوان می‌ساخت که تنها راه حل، دست یابی به توافقی با کشورهای غیر عضو بر سر محدودیت تولید جهانی است. در صورت عدم کسب توافق کشورهای غیر عضو، این جناح مطرح می‌کرد که



اوپک با تهدید به برآه انداختن چنگ قیمت و حتی تخفیف موقتی بهای نفت یا آنان را مجبور به همکاری و توافق با این سازمان خواهد کرد و یا باعث خواهد شد که تولید کنندگانی که از مزینه تولیدی بالایی برخوردارند مجبور به تعطیل چاههای خود شده و بدین ترتیب تولید جهانی کاهش یابد.

در مقابل این نظر، جناح دیگری درون اوپک شامل کشورهای لیبی، الجزایر و نماینده رژیم عنوان می‌کردند که تنها با کاهش سطح تولید اوپک می‌توان بهای نفت را افزایش داد. آقازاده وزیر نفت رژیم در این اجلاس سعی داشت با ارایه رهنمودهای پرطمطرائی و شعار گونه جمهوری اسلامی را به عنوان جناح رادیکال و قاطع درون اوپک جلوه‌گر نماید. وی در آغاز کار کنفرانس با قرائت پیامی از خامنه‌ای که طی آن خواستار قطع جریان نفت به مدت یک ماه شده بود موجبات تمسخر عمه

را فراغم آورد. جمهوری اسلامی که عموماً از زمره اعضای بوده است که مخالف کاهش سهم تولیدش بوده و به طور مزورانه سعی در افزایش سهم بازار خود از طریق حراج نفت در بندر ترندام داشته و حیانتش بستگی به درآمد کلان نفت دارد ظاعراً خواستار قطع کامل تولید اوپک شده بود تا شاید خود بتواند نفت بیشتری به فروش برساند.

قابل ذکر است که کلیه کشورهای این جناح که خواستار کاهش سقف تولید اوپک به مرز ۱۴ میلیون بشکه در روز بودند مطرح می‌ساختند که سهم تولید آنها به عنوان درصدی از حجم تولید اوپک باید افزایش یابد. نماینده جمهوری اسلامی در نشست اخیر این سازمان حتی پیشنهاد کرد که سقف تولید اوپک به ۱۳ میلیون بشکه در روز کاهش یابد. البته این آخرین پیشنهاد رژیم با در نظر گرفتن این حقیقت طرح شده که جمهوری اسلامی با وجود حملات عوایی عراق در نواحی شمالی خلیج فارس قادر به صدور سهم تعیین شده‌ی خود نیست. چنانچه در سال ۸۴ زمانی که غنوز حملات عراق به نفتکشها آغاز نشده بود، رژیم از جمله مخالفین سر سخت کاهش سهم تولید اوپک بود.

تأثیر سقوط بهای نفت

بر درآمد کشورهای تولیدکننده

درآمدهای نفتی منبع اصلی درآمد اکثر کشورهای تولید کننده عضو اوپک را تشکیل می‌دهند. کاهش سریع این درآمدها عواقب وخیمی بر اقتصاد و موقعیت حکومت در این کشورها خواهد داشت. البته قابل توضیح است که برخی از کشورهای اوپک چون عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی که از ذخیره‌های ارزئی کافی برخوردار هستند قادر خواهند بود برای مدتی عواقب سقوط بهای

نفت را تحمل کنند. اما این امر در مورد کشورهای بی مانند ایران، الجزایر، نیجریه، اندونزی و جز اینها صادق نیست. بسیاری از این کشورها نه تنها با مشکلات عظیم کمبود ارز خارجی دست به گریبانند بلکه بسیاری به بانکهای جهانی نیز مقروضاند.

بنابراین تخمین صندوق بین المللی پول قدرت خرید خارجی کشورهای صادر کننده عمده نفت در سال جاری بیش از ۴۰ درصد کاهش خواهد داشت. این کاهش بر قدرت خرید این کشورها نه تنها بسیاری از رژیمهای دست نشانده اوپک را به وحشت انداخته است بلکه موجبات عراس کشورهای امپریالیستی که بخش قابل توجهی از صادرات صنعتی آنان در این کشورها به فروش میرسد را فراهم آورده است. موسسات مالی جهانی نیز، مترصد از ورشکستگی کشورهای نفتی مقروض، آنان را جهت تجدید نظر در برنامههای اقتصادی و عمرانی خود تحت فشار قرار داده اند. ابعاد بحران مالی چنان وسیع است که حتی

کشورهایی چون عربستان سعودی و کویت را که از پشتوانه ارز عظیمی برخوردارند مجبور به دورنگری و کاهش هزینههای خارجی شان کرده است. عربستان سعودی که اندوخته ارز آن متجاوز از ۱۱۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود اخیراً اعلام داشته که بودجه سالانه خود را به ۴۰ میلیارد دلار در سال جاری کاهش داده است.

این کشور در سال مسیحی ۸۲ - ۱۹۸۱ بودجه ای قریب به ۸۳ میلیارد دلار داشت. وزیر دارایی امارات متحده عربی نیز طی مصاحبه ای اخیراً اعلام داشت که بودجه کشور وی در سال جاری ۳۰ درصد کمتر از رقم بودجه در سال گذشته خواهد بود. وی دلیل این کاهش بودجه را نتیجه مستقیم سقوط بهای نفت اعلام کرد. همچنین دولت ونزوئلا فاش ساخت که به دنبال سقوط بهای نفت و کاهش درآمد خارجی این کشور

به میزان ۴۰ درصد، از موسسات مالی بین المللی درخواست کرده تا در شرایط و میزان بازپرداخت بدهی این کشور تجدید نظر به عمل آورند. مصر در زمره دیگر کشورهای بی است که سقوط بهای نفت توازن پرداختهای خارجی آن را بیش از پیش در موقعیت اسفناکی قرار داده است، در حالی که دولت دست نشانده عمان برنامه پنج ساله عمرانی خود را کاملاً متوقف ساخته و بسیاری قراردادهای تسلیحاتی خود با انگلستان را فسخ کرده است. در جدول زیر میزان کاهش درآمد کشورهای عمده تولید کننده عضو اوپک با فرض تثبیت بهای نفت به ازای بشکه ای ۱۲ دلار با سطح تولید جاری، نسبت به سال گذشته تخمین زده شده است.

نفت متجاوز از ۴۸ میلیارد دلار بود، که با شدت گیری جنگ ارتجاعی و محدودیت رژیم در تولید و کاهش مسنر بهای نفت در چند سال گذشته به ۲۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴ رسید. کاهش درآمد نفتی رژیم به میزان بیش از ۳۵ میلیارد دلار در عرض ۵ سال گذشته نه تنها باعث شده که کلیه ذخایر ارزی کشور صرف هزینه گزاف جنگ و بیلان رزوز افزون واردات مصرفی شود، بلکه به گفته سردمداران ارتجاع، رژیم را با کسر بودجه ای معادل ۱۲/۵ میلیارد دلار در سال ۶۵ روبرو ساخته است.

اما این خود در صورتی است که بهای نفت اندکی بالاتر از سطح فعلی، یعنی حدود ۱۲ دلار به ازای هر بشکه تثبیت شود. جمهوری اسلامی درآمدسای

تغییر درآمد نفتی کشورهای عضو اوپک در مقایسه با سال گذشته (به میلیارد دلار)

نام کشور	مجموع فروش در سال ۱۹۸۵	تخمین درآمد ارزی در سال ۱۹۸۶
ایران	۱۴/۸	۸/۴۰
عربستان سعودی	۳۷/۳	۲۰/۰۰
ونزوئلا	۱۱/۳	۶/۸۰
نیجریه	۱۱/۷	۶/۰۵
عراق	۹/۶	۵/۲۵
لیبی	۹/۲	۴/۷۵
اندونزی	۸/۵	۴/۴۵
کویت	۷/۸	۴/۲۰
الجزایر	۶/۹	۳/۴۰
دیگران	۱۳/۵	۷/۳۵
مجموع اوپک	۱۳۰/۶	۷۰/۶۵

(ماخذ تایمز مالی - ۲۶ مارس ۱۹۸۶)

نفتی کشور را در سال جاری متجاوز از ۱۸ میلیارد دلار تخمین زده بود در حالی که با سطح کنونی قیمت نفت این درآمدها در بهترین حالت حدود ۸ میلیارد دلار خواهد بود. البته هرگونه

لازم به یادآوری است که در سال گذشته درآمدهای نفتی از پایین ترین سطح در طول ده سال اخیر برخوردار بوده اند. به عنوان مثال درآمد جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۱ از منبع فروش



رژیم روز سه‌شنبه ۲۰ اسفند (۱۱ مارس) يك تظاهرات فرمایشی علیه سیاست عربستان سعودی و كويت، درون سازمان اوپك، در تهران بپا كرده عكس‌سینه‌ای از این تظاهرات را نشان می‌دهد.

تصحیح و پوزش

در شماره‌ی گذشته‌ی نشریه (جهان ۴۱)، مقاله‌ی "بیکاری، رکن جدایی‌ناپذیر... " اشتباسی در ستون سوم جدول مندرج در صفحه‌ی ۳۶ رویداده است. با پوزش از خوانندگان، ما جدول صحیح را در زیر درج می‌کنیم.

سال	درصد تغییر در تولید ناخالص داخلی	درصد تغییر در سرمایه‌گذاری	درصد تغییر در صادرات
۱۳۵۴-۵	۲۶/۲۰	۷	۱۳
۵۶	-	۴۶	۱۷
۵۷	-	۴۹	۱۰
۵۸	۱۷۰/۰۰	۵/۵	۲۴/۴
۵۹	۱۱/۹۰	۲/۵	۲۳/۵
۶۰	۵/۹۰	۲/۲	۲۲/۸
۶۱	۷/۴۰	۲/۴	۱۹/۲

ماخذ: بانک مرکزی
اداره بررسی‌ها و اقتصاد، فروردین ۱۳۶۳

موسسات مالی امپریالیستی شیاتی را برای مذاکره با بانک جهانی اعزام داشته است. حسین عراقی، یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع، در طی مذاکرات مجلس حول لایحه‌ی بونجه، موضوع استقرار رژیم را لو داده است.

دولت موسوی در لایحه‌ی بونجه سعی کرده است که بر درآمد‌های نفتی، که تا سال گذشته قریب به ۹۵ درصد درآمد بونجه از آن تامین می‌شد، تاکید کمتری روا دارد. اما این لایحه زمانی تدوین شد که بهای نفت حدود ۲۲ دلار تثبیت شده بود. کاهشی نزدیک به ۵۰ درصد درآمد‌های نفتی بنیان برنامه‌ی بونجه را کاملا به هم خواهد ریخت. رژیم برای ادامه‌ی سیاست جنگ ارتجاعی مجبوراً به تعطیل بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی خود خواهد بود که باعث رشد بیکاری و تشدید فقر و فلاکت موجود خواهد شد. کاهش واردات، به خصوص در بخش مواد غذایی و فراورده‌های کشاورزی باعث افزایش نرخ تورم شده و فشار طاقت فرسای عزیمت زندگی را بر دوش زحمتکشان بیش از پیش شدت خواهد بخشید.

کاهش بیشتر در بهای نفت و یا محدودیت رژیم در تولید و صدور نفت جمهوری اسلامی را با قطع کامل درآمد ارزی روبرو خواهد ساخت. بسیاری از منابع آگاه نفتی در غرب معتقدند که با فرار رسیدن فصل تابستان و کاهش بیشتر تقاضا، بهای نفت به احتمال زیاد در حدود بشکه‌ای ۱۰ دلار تثبیت خواهد شد.

در حال حاضر تولید ایران برابر با ۱/۷ میلیون بشکه در روز است. اگرچه سهم تولید تعیین شده از سوی اوپک برای ایران معادل ۲/۳ میلیون بشکه در روز می‌باشد، اما با صدماتی که در نتیجه‌ی حملات هوایی عراق به تاسیسات خارك و اخیراً به تلمبه خانه‌های بندر گناوه وارد آمده است امکان تولید و صدور این مقدار را برای رژیم ناممکن ساخته است. حتی برخی ناظران نفتی معتقدند که رقم رسمی ۱/۷ میلیون بشکه نیز که توسط اوپک اعلام شده است بیش از حد واقعی صادرات ایران است. این منابع صادرات ایران را حدود یک میلیون بشکه در روز تخمین می‌زنند. شدت ورشکستگی به حدی است که رژیم اخیراً به منظور استقرار از

تاریخ مختصری از برگزاری جشن اول ماه مه در ایران

برگرفته از نشریه کار ویژه روز جهانی کارگر اردیبهشت ۱۳۶۰

سابقه برگزاری جشن اول ماه مه در ایران به بیش از ۶۰ سال می‌رسد. کارگران قهرمان ایران از زمانی که ابتدائی ترین شکل عای خود را بوجود آوردند به برپائی این روز جهانی عمت گماشتند. از آن پس حتی در سخت ترین شرایط دیکتاتوری حاکم جشن اول ماه مه هیچگاه به فراموشی سپرده نشد. اشکال مختلف برگزاری این جشن بیانگر پیچ و خمهای تاریخی است که طبقه کارگر ایران از سر گذرانیده است. در پاره‌ای از سالها کارگران با اتکاء به نیروی لایزال خود جشن اول ماه مه را بشکل وسیعی برگزار نمودند. از جمله در سال ۱۳۰۰ روز جهانی کارگر با عمت "شورای مرکزی اتحادیه کارگران" که از شکل ۱۵ اتحادیه کارگری تشکیل یافته بود در تهران و چند شهر بزرگ دیگر برگزار گردید. در سال ۱۳۰۱ نیز کارگران قهرمان شهرهای شمال ایران با استفاده از موقعیتی که اوچگیری انقلاب در

گیلان پدید آورده بود این روز را بشکل با شکوئی جشن گرفتند. در سال ۱۳۰۷ سازمانهای کارگری که موفق شده بودند خود را تجدید سازمان دهند جشن اول ماه مه را در تهران و چند شهر صنعتی برگزار کردند در این روز پلیس رضا خانی، با یورش خود به صفوف کارگران صدها نفر را دستگیر نمود. از جمله خواهستهای کارگران در این روز ۸ ساعت کار در روز، آزادی اعتصاب و آزادی اجتماعات بود. در این حرکت حزب کمونیست ایران نقش فعالی را ایفا نمود. در سال بعد (۱۳۰۸) کارگران قهرمان آبادان علیرغم دستگیری رهبرانشان توسط رژیم دست به اعتصاب وسیعی بر علیه شرکت نفت امپریالیستی ایران و انگلیس زدند از جمله خواهستهای کارگران روزانه کار شش ساعت (در مناطق گرمسیر) افزایش دستمزد و برابری حقوق ایرانیان و خارجیان بود. این اعتصاب با دستگیری صدها کارگر فعال و استقرار ارتش

رضا خانی در خوزستان و آمدن ناوگان انگلیس به حوالی آبادان در عزم شکست.

در سال ۱۳۱۰ کانون جنبش در اصفهان بود در این سال اعتصاب وسیعی که نطفه آن توسط کارگران نساجی وطن بسته شده بود صورت گرفت که علیرغم دستگیری و تبعید چندین تن از رهبران آن تا حدودی به خواهستهای خود دست یافت. کارگران خواهستهای بسیاری از جمله ۸ ساعت کار در روز، افزایش دستمزد، آزادی تشکیل سندیکا و ۰۰۰ داشتند. از این سال به بعد رضا خان با گذراندن "قانون سیاه ۱۳۱۰" به سرکوب وحشیانه جنبش کارگری برخاست. کارگران ایران فقط پس از سال ۱۳۲۰ بود که بار دیگر با اتکاء به ضعف ضد انقلاب و قدرت گیری نیروی خلق توانستند اول ماه مه را وسیعاً "برگزار" نمایند. از جمله میتوان از تظاهرات عظیم سالهای ۲۵ و ۳۰ نام برد. در

در روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶، به فراخوان فدراسیون کارگران آمریکا جهت به دست آوردن حتی ۸ ساعت کار در روز، کارگران بسیاری از شهرهای آمریکا چون شیکاگو، نیویورک، بالتیمور، بسطن و واشنگتن دست به اعتصاب زدند.

مرکز اعتراضات شهر شیکاگو بود که در آنجا بیش از ۳۰،۰۰۰ کارگر در اعتراض به شرایط طاقت فرسا و ساعات طولانی کار دست به اعتصاب زدند. سرمایه‌داران به کمک ارگانهای سرکوب دولتی کوشیدند مانع ادامه تظاهرات شوند، اما تظاهرات متحد و متشکل



تمامی این سالها نیز شاه جلااد با یورشهای وحشیانه خود مبارزات کارگران را بخون می‌کشید. فصل برگزاری علنی و گسترده روز اول ماه مه در رژیم پهلوی توسط کودتای امیرپالیستی مرداد ۳۲ بسته شد و دیکتاتوری خفقان آور محمد رضا شاهی حاکم گشت. ولی در این سنگام نیز شاه خائن از وحشت خود سعی داشت با برگزاری جشنهای فرمایشی و سخنرانی مزدوران و سر سیردگان رژیم در این روز کارگران را بفریبد.

رژیم مزدور پهلوی در سالهای دیکتاتوری لجام گسیخته، با اتکاء به پلیس و ارتش و شهربانی و بعدما ساواک به سرکوب کارگران میپرداخت اما در این سالها نیز اول ماه مه به فراموشی سپرده نشد و کارگران انقلابی بشکل مخفیانه و به بهانه‌های مختلف این روز را گرامی می‌داشتند. در سال ۱۳۰۵ پیش از ۸۰۰ کارگر در تهران جشن را در باغی به شکل مخفیانه برگزار نموده به سخنرانی و سرودخوانی پرداختند. در همین سال کارگران تبریز به عمت اتحادیه صابون یزعا و نساجها این مراسم را در کوه برگزار کردند. در سال ۱۳۰۹ شاخه خراسان حزب

کارگران، خیابانهای شیکاگو را به لرزه در آورد. در روز دوم ماه مه، رقم اعتصاب کنندگان در شیکاگو از مرز ۸۰,۰۰۰ نفر گذشت. در سوم ماه مه پلیس با حمله و گشودن آتش به روی تظاهرات کنندگان چندین نفر را کشته و زخمی کرد.

در اعتراض به کشتار وحشیانه‌ی پلیس، تظاهرات وسیعی در روز بعد برگزار شد، اما سرمایه‌داران با استفاده از چند عنصر مزدور بمبی در میان جمعیت منفجر کردند. پلیس با بهانه قرار دادن این انفجار، یورش وحشیانه‌تری به تظاهرات کارگری را

کمونیست ایران کارگران بسیاری را بشکل مخفیانه و سازمان یافته در کوه سنگی گرد عم آورده روز اول ماه مه را برگزار نمودند. بسیاری سالهای دیگر نیز مراسم به بهانه عقد، عروسی، میهمانی و یا بشکل گرد عم آمدن در صحرا و کوه برگزار می‌گشت. حتی در سیامترین سالهای دیکتاتوری، رفقای رزمنده ما این جشن را در اعماق تاریخ سیاحالهای رژیم برگزار می‌نمودند و به سرود خوانی می‌پرداختند، بدینطریق سیامترین دیکتاتوری و وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها نیز نتوانست کارگران ایران و نیروهای انقلابی را از بزرگداشت این روز باز دارد. اول ماه مه راه سرخ خود را از میان فداکاری و خون با سرافرازی طی نمود.

پس از سرنگونی رژیم مغفور پهلوی به دست توده‌های خلق، با وجودیکه قدرت سیاسی به تصرف ضد انقلاب در آمد اما کارگران ایران مجال یافتند بار دیگر بدور از سلطه دیکتاتوری سپاه و در پناه نیروی لایزال خلق به برگزاری گسترده این روز بپردازند. تظاهرات وسیع و تاریخی روز اول ماه مه سال ۵۸ که به دعوت "شورای عمامسنگی برگزاری مراسم روز اول ماه

سازماندهی کرد. در پی این حمله‌ی نیروهای سرکوب، چند نفر کشته و صدها کارگر زخمی و تعداد زیادی نیز دستگیر شدند.

سرمایه‌داران با وقاحت در روزنامه‌ها نوشتند: "گلوله برای کارگران - طناب برای رهبرانشان". چهار تن از رهبران جنبش کارگری در بیدادگاههای دولت سرمایه‌داری محاکمه و سپس اعدام شدند.

در بزرگداشت این روز تاریخی کنگره‌ی انترناسیونال در سال بعد، ۱۸۸۷ روز اول ماه مه را به عنوان روز کارگر انتخاب کرد. ■

مه "متشکل از نیروهای انقلابی صورت گرفت، یکی از عظیمترین حرکات یکپارچه‌ای بود که کارگران ایران برگزار نمودند. اول ماه مه سال ۵۸ در تهران، تبریز، شهرهای شمال و سایر شهرهای ایران، راهپیمایی‌های عظیمی با شرکت صدها هزار کارگر، زحمتکش و سایر اقشار خلق برگزار گشت که بخوبی بیانگر قدرت لایزال خلق به رهبری طبقه کارگر ایران بود.

ایورتونیسنها، این ستون پنجم سرمایه‌داران در جنبش طبقه کارگر از ابتدای شکل گیری روز اول ماه مه به دست و پا افتادند تا عرچه بیشتر بتوانند کارگران را از اعمال انقلابی باز دارند. در ایران نیز حزب توده در روز اول ماه مه ۱۳۵۸ از کارگران ایران خواست تا این روز را در زیر پرچم بورژوازی حاکم برگزار نمایند. و البته بیاد داریم که کارگران انقلابی چگونه با حرکت عظیم و مستقل خود مشت محکمی بر دماغ این چاکران بورژوازی کوبیدند، همچنین بیاد داریم که در سال ۵۹ زمانی که حزب توده به روال "سیاست (بخوان خیانت) صریح و روشن خود بار دیگر کارگران را به زیر پرچم بورژوازی حاکم فرا خواند، ایورتونیسهای کمیته مرکزی نیز شرمگینانه به این عمل تمایل نشان می‌دادند و از برگزاری حرکت مستقل به شدت نراس داشتند و به همین دلیل بود که آنچنان که دیدیم پس از آنکه تحت فشار توده‌های انقلابی تشکیلات به حرکت مستقل مجبور گشتند، چگونه حرکتی نیم بند را با شعارهایی سازشکارانه و در حمایت و تایید از بورژوازی حاکم برگزار نمودند.

در سال ۱۳۶۰ نیز به رغم یورش عمه جانبه ارتجاع، تظاهرات اول ماه مه، به صورت راهپیمایی‌ای به فراخوان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان پیکار با شعارهای کاملاً انقلابی علیه سرمایه‌داری و امیرپالیسم، اختناق و سرکوب برگزار شد. ■

در پاسخ به هتاک‌های آقای رجوی

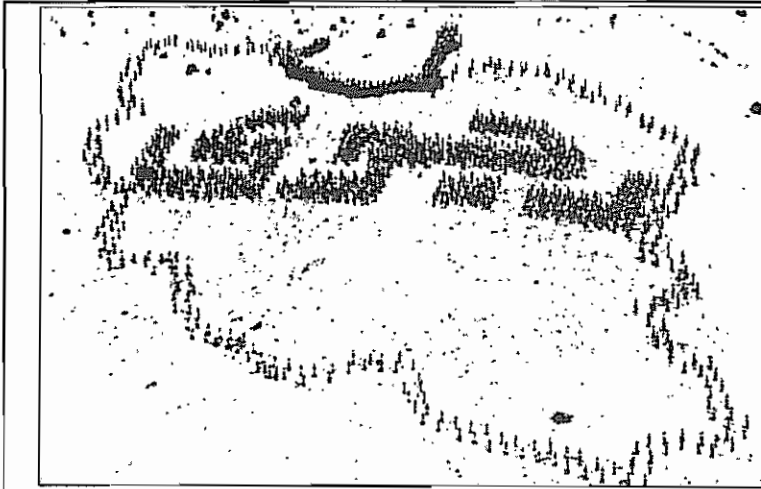
ایدئولوژی مجاهدین " را وظیفه‌ی خود قرار داده است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که هراس و نگرانی عمده‌ی سازمان مجاهدین در این است که ما (نشریه‌ی جهان) ایدئولوژی اسلامی مجاهدین را به نقد کشیده‌ایم. و اما این تنها نگرانی سازمان مجاهدین نیست. نگرانی دیگر این سازمان آن است که ما در صفحات جهان اعلام کردیم که: " اسلام راستین همین اسلامی است که خمینی پیاده می‌کند و صحبت از هر نوع اسلام دیگر فریبی بیش نیست. بین اسلام مجاهدین و اسلام خمینی هیچ تفاوت بنیادی وجود ندارد. تنها تفاوت بین این دو نوع اسلام، تفاوت بین دو شیوه‌ی حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران است." (جهان شماره‌ی ۳۹، بهمن ۶۴) این نگرانی به بهترین وجهی در اطلاعیه‌ی ۱۵ فروردین ۶۵ "سازمان مجاهدین خلق ایران" بیان شده است: "چندی پیش نیز این باند ضد انقلابی (منظور نشریه‌ی جهان است) که طراز نوینی ازشیادی و شارلاتان بازی به تاریخ معاصر میهن ما عرضه کرده است، يك راه برآوردن رفعت دیگر از خفت و خواری مضمحل کننده‌ی سیاسی‌اش را در اعلام این تحفه یافته بود که ' مبارزه قاطعانه با دین يك وظیفه‌ی اساسی ' است. باند ضد انقلابی همچنین با فرمولیگی تمام پیامبر اکرم را ' یکی از بزرگترین شیادان تاریخ ' لقب داده و ضمن عمین ' استفرغ ' ایدئولوژیکی تصریح نمود که ' اسلام راستین همین اسلامی است که خمینی پیاده می‌کند ' (نشریه‌ی مجاهد، شماره‌ی ۲۸۵، ۲۲

چاپ شدن سلسله مقاله‌های " مبارزه‌ی قاطعانه با دین ... " در شماره‌ی پیش جهان خشم آقای رجوی و سازمان مجاهدین را برانگیخته است. به طوری که پس از درج شدن بخش اول این سلسله مقاله‌ها در شماره‌ی دی ماه جهان، نشریه‌ی مجاهد با دست پاچگی تمام کارزار تبلیغاتی گسترده‌ای را علیه این مقاله‌ها آغاز کرد. و اخیراً خود رجوی نیز شخصاً به این کارزار پیوست و بخش اعظم سخنرانی خود را در " مراسم تحویل سال نو در اقامتگاه

و ارجیف سازمان مجاهدین و نشریه‌ی مجاهد (همچون " تبهکار " دانستن سچفا و یا ادعای مسخره‌ی " دفاع جانانه " ما از " شر و یزید و ... ") پاسخ دهیم. ما تنها سعی می‌کنیم با استدلال منطقی نشان دهیم که ریشه‌های هراس مجاهدین از افشا شدن گوهر حقیقی دین در صفحات نشریه‌ی جهان در چیست. اگر يك بار دیگر نقل قول فوق را به دقت مرور کنیم متوجه خواهیم شد که نشریه‌ی مجاهد در پس تمام فحشها و ناسزاها علیه نشریه‌ی جهان بالآخره اصل مطلب را می‌گوید و نگرانی سازمان مجاهدین را این طور بیان می‌کند که عطف نشریه‌ی جهان " ریشه‌کنی ایدئولوژیک مجاهدین " است. رجوی نیز در نطق نوروزی خود همین نگرانی را با صراحت تمام بیان می‌کند و می‌گوید که نشریه‌ی جهان (البته نشریه‌ی جهان در واژگان آقای رجوی می‌شود " باند فاسد ") " مبارزه با

در ابتدا لازم می‌دانیم برای خوانندگانی که نشریه‌ی مجاهد را مطالعه نمی‌کنند بخشهایی از مندرجات این نشریه را در رابطه با موضوع مورد بحث نقل کنیم تا خواننده با " عمق " استدلالات سازمان مجاهدین و ادبیات و واژگان ویژه‌ی این سازمان بهتر آشنا شود. مجاهد شماره‌ی ۲۸۱ (۲ اسفند ۶۴) می‌نویسد: " کار رسوایی باند تبهکار اقلیت در ضدیت هیستریک با مجاهدین بدانجا می‌کشد که در نشریه‌ی ' جهان ' خود ... طی مقاله‌ی مبسوطی ... آشکارا به سپاسگزاری از خمینی و دستاوردهای او در زمینه‌ی هموار کردن راه ضدیت با مذهب، می‌پردازد و آنگاه بزم خود برای ریشه کنی ایدئولوژیک مجاهدین سر از دفاع جانانه از شر و یزید و ابن ملجم و جزاینها ... در می‌آورد." (تاکید از ما است) ما از پیش به خوانندگان خود اعلام می‌کنیم که در این نوشته به هیچ وجه قصد نداریم تا به فحاشی‌ها

فروردین ۶۵ • تاکید و برانگیز از ما است) ما از خوانندگان خود پوزش می‌خواهیم که مجبور شدیم به خاطر روشن شدن مطلب گفته‌ی فوق سازمان مجاهدین را بدون هیچ کم و کاستی و با تمام واژه‌های سخیف آن، همچون "استفراغ ایدئولوژیکی"، نقل کنیم. خوانندگان جهان باید بدانند که اصطلاح "استفراغ کردن" یا "بالا آوردن" از اصطلاحات خاصی است که آقای رجوی شخصا اختراع کرده‌اند و اعضا و هواداران سازمان مجاهدین گاه و بیگاه آنها را به کار می‌برند و معمولا سخنان مخالفان خود را به این عمل تشبیه می‌کنند. برای نمونه آقای رجوی در نطق نوروزی خود در حمله به نشریه‌ی جهان از این اصطلاح این چنین استفاده می‌کند: "هرچه می‌خواهید به ما و پیامبران یعنی به خون و قلب و روح و مراد و عشق و نگار عقیدتی‌مان در این جهان بتازید و عرا آنچه در درون دارید بدینوسیله بالا بیاورید" (مجاهد، شماره‌ی ۲۸۵). از بحث خود کمی دور شدیم. گفتیم که هراس و نگرانی دیگر سازمان مجاهدین و خشم آن از نشریه‌ی جهان از آن است که ما اعلام کردیم اسلام راستین همان اسلام خمینی است و بین اسلام مجاهدین و اسلام خمینی تفاوت بنیادی وجود ندارد. آقای رجوی نیز در همان نطق نوروزی خود



نمونه‌ای از "مانورا" نظامی "سربازان مسعود" در کوه‌های کردستان.

راستین شما هیچ تفاوت بنیادی با اسلام خمینی ندارد. هر دو اسلام دشمن آشتی‌ناپذیر آزادی و دموکراسی و مدافع نظام سرمایه‌داری وابسته‌اند. تفاوت اسلام شما با اسلام خمینی و یا، به سخن دیگر، دعوی شما با رژیم جمهوری اسلامی در این است که شما اسلام فقه‌گرا و خمینی را قادر به حفظ نظام سرمایه‌داری ایران نمی‌دانید. تمام تلاش‌تان در این است که با وصله پینه کردن اسلام و ایجاد رفرمهایی در آن، اسلام را با نیازهایی جامعه‌ی امروزیین سرمایه‌داری وفق دهید. اختلاف شما با رژیم جمهوری اسلامی بر سر چیز دیگری حفظ نظام سرمایه‌داری ایران نیست.

سازمان مجاهدین باید هم از یکی دانستن اسلام آنان با اسلام خمینی از سوی ما نگران و هراسناک باشد و با تمام توان خود نشریه‌ی جهان را به خاطر این افشاگریها به باد فحش و ناسزا بگیرد. ما از آقای رجوی، "رهبر خردمند"، متشکریم که می‌خواهند "این جمله را در تاریخ به ثبتش" بدهند که نشریه‌ی جهان "نوشته است اسلام خمینی همان اسلام راستین است" ما از ایشان می‌خواهیم این

این خشم و هراس را به بهترین وجهی بیان می‌کند: "صریح هم نوشته‌اند، شرم آور است که در لحظه‌ی تحویل سال آن را بیان کنم، اما به شرف ایدئولوژیکی مجاهدین خلق باید مچ دزد را گرفت و باید این جمله را در تاریخ به ثبتش بدهیم تا نسل‌های بعد از ما در جریان عمل نند استثنائی شان آن را از یاد نبرند. نوشته است 'اسلام خمینی' عمان. 'اسلام راستین' است" (همان جا. تاکید از ما است).

در پاسخ به آقای رجوی و سازمان مجاهدین یک بار دیگر با صراحت تمام اعلام می‌کنیم که البته اسلام به اصطلاح



آقای نادر رفیعی نژاد، عضو مرکزیت سازمان مجاهدین، که برای ملاقات با ولیعهد اردن و مقامات دیگر به عمان سفر کرده است، جزو وسایل سفرش عکس پیشوای خود را نیز همراه می‌برد، نادر نشریت فرمایشی‌ها آن را به نمایش گذارد.

جمله را نیز در تاریخ "به شبتش بدعند" که نشریه‌ی جهان معتقد است اسلام سازمان مجاهدین و اسلام حاکم در رژیم جمهوری اسلامی هیچ تفاوت بنیادی با یکدیگر ندارند و گوهر و نقش هر دو یکی است.

البته ما می‌دانیم که از لحاظ ثئولوژی (دین شناسی یا الهیات) تفاوت‌هایی بین اسلام سازمان مجاهدین و اسلام رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد. ولی ما از این جنبه به مساله نگاه نمی‌کنیم و اساساً علاقه‌ای هم به این جنبه نداریم و خود را اصلاً متخصص الهیات نمی‌دانیم. آنچه ما بدان علاقه‌مندیم و درباری آن به خود اجازه‌ی قضاوت می‌دهیم، اسلام چون ایدئولوژی، و نقش و کارکرد (فونکسیون) اسلام در جامعه است. وقتی از این جنبه به مساله نگاه می‌کنیم می‌بینیم که هیچ تفاوت بنیادی بین اسلام مجاهدین و اسلام خمینی وجود ندارد. هر دو اسلام خواهان حفظ نظام سرفایه‌داری وابسته‌ی ایران به کمک امپریالیسم جهانی‌اند.

عم اسلام رجوی و هم اسلام خمینی ایدئولوژی تحمیلی‌اند. هر دو اسلام ایدئولوژی انقیاد و فرمانبرداری‌اند. اگر محصول اسلام خمینی "حزب الله" است، محصول اسلام مجاهدین "سرباز مسعود" است. و امروز از بسیاری جهات بین "سربازان روح‌الله" و "سربازان مسعود" تفاوتی وجود ندارد و شعار هر دو یکسان است: ما همه سرباز توایم خمینی (رجوی)، گوش به فرمان توایم رجوی (خمینی). هر دو اسلام پیروان حقیر و بی‌تفکر خود را تولید و بازتولید می‌کنند تا رهبران افسانه‌ای خود را پرستش کنند.

اصطلاحی که آقای ابریشمی برای اعضا و هواداران سازمان مجاهدین به کار می‌برد (مجاهد شماره‌ی ۲۸۳، صفحه‌ی ۱۲)

و در همه حال "گوش به فرمان" آنان باشند. اگر "سربازان خمینی" به یک اشاره‌ی "رهبر" همه چیز را به خاک و خون می‌کشند، "سربازان مسعود" نیز به یک اشاره‌ی او مغولوار به مراکز فعالیت نیروهای مترقی ایرانی در خارج از کشور حمله می‌برند و روی "برادران عقیدتی" خود (یعنی سربازان خمینی) را سفید می‌کنند.

کلیدی مخالفان را شناسایی کنند و عکس و اسم واقعی و نشانی آنها را به دست آورند. آری، همین اسلام است که برای خمینی و رجوی کارکرد یکسانی دارد. و ما گوهر حقیقی و نقش همین اسلام را در صفحات جهان افشا می‌کنیم. رجوی و سازمان مجاهدین نیز به خوبی از هدف ما و خطری که آنان را تهدید



دین در صورتی آفیون است. رعبری سازمان مجاهدین از این آفیون برای تخدیر هواداران استفاده می‌کند.

اگر خمینی از جماران فتوا صادر می‌کند که در "اسلام عزیز" جاسوسی جایز است و از "امت حزب الله" می‌خواهد که همه‌ی مخالفان را شناسایی کنند، رجوی نیز از اور - سور - اواز با الهام از "اسلام راستین" خود به "سربازان مسعود" دستور می‌دهد که از هم اکنون (یعنی هنوز دردی به تخته نخورده!)

خوانندگان جهان حتماً اطلاع دارند که در هفته‌های اخیر فالانترهای مجاهد در کشورهای مختلف دنیا همچون فرانسه، ایتالیا، انگلیس، سوئد، دانمارک و آلمان به هواداران نیروهای مترقی ایرانی از جمله هواداران سچفا حمله کردند و چند نفر از آنان را مضروب ساختند. در همین شماره‌ی جهان گزارشهایی از این حرکت فاشیستی مجاهدین درج شده است.

می‌کند آگاهند. و تنها برای فریب دادن بیشتر هواداران ناآگاه خود و لوث کردن مساله، ادعاهای مسخره‌ای همچون "تعجید و ستایش ابن ملجم و شمر و یزید" از سوی جهان را مطرح می‌سازند و یا این که "تخطی" به "پیامبر یعنی خون و قلب و روح و مراد و عشق و نگار" و "بالاترین و

در هفته‌های اخیر افراد سازمان مجاهدین کار شناسایی، تعقیب و عکس برداری از مخالفان را با وقاحت تمام و بدون هیچ پرده‌پوشی به طور علنی انجام می‌دهند و در مواردی نیز، مثل هاید پارک لندن، با اعتراض شدید نیروهای ایرانی مواجه شدند. نشریه‌ی مجاهد در شماره‌ی ۲۸۵ خود برخی از این "شاه" کارها را چاپ کرده است.

والا ترین نقطه‌ی تکامل وجود یکتا و یگانه شده‌ی انسانی و انقلابی و مردمی" را ناشیانه مساله‌ی مورد اختلاف جا می‌زنند.

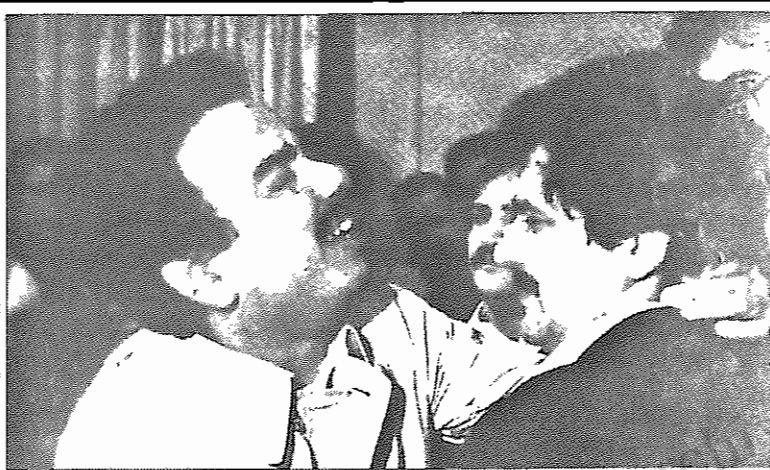
رژوی و سازمان مجاهدین به رنم عمه‌ی جارا و جنجالهای كودك فریب‌شان و به رنم عمه‌ی هتاکی‌ها و دشنام‌هایشان به خوبی می‌دانند كه نشریه‌ی جهان ایدئولوژی ارنجایی آنان را نشانه گرفته است و عمه‌ی هراسشان هم از همین است. آنان به درستی گفته‌اند كه هدف ما " ریشه‌كنی ایدئولوژیك مجاهدین " است. آری، ایدئولوژی‌ای كه بخوآمد جمهوری اسلامی دیگری را بر كارگران و زحمتكشان ایران تحمیل كند، باید ریشه‌كن شود. ایدئولوژی‌ای كه با امپریالیسم جهانی و نوكران شناخته شده‌ی استعمار در منطقه عقد دوستی می‌بندد، باید ریشه‌كن شود. ایدئولوژی‌ای كه به گوهر، ضد آزادی و دموكراسی است و از هم‌اكنون عر گونه مخالفی را به شدیدترین وجهی سرگوب می‌كند، باید ریشه‌كن شود. ایدئولوژی‌ای كه در يك طرف " امام زمان " می‌سازد و در طرف دیگر " سرپازان مسعود " ، باید ریشه‌كن شود. ایدئولوژی‌ای كه پیروان مسخ شده‌ی فاشیست مسلك خود را به جاسوسی علیه نیروهای مخالف وادار می‌كند و آنان را همچون " پیراهن قهوه‌ای‌های " هیتلری به جان مخالفان می‌اندازد، البته كه باید ریشه‌كن شود. آری، این ایدئولوژی مشروعیت بخش نظام‌های مبتنی بر بهره‌كشی و تحمیق كنده‌ی توده‌ها باید ریشه‌كن شود. اگر این ایدئولوژی استثماری و استعماری و استثماری ریشه‌كن نشود، خود عمه چیز را نابود خواهد كرد.

هدف ما از درج كردن سلسله مقاله‌های مربوط به دین در شماره‌های پیش جهان تأكید بر یکی شدن دستگاه دینی و دستگاه دولتی ایران بود.

ما همچنین تأكید كرديم كه در ایران دین سیرا آشكارا سرمایه شده است. سپس از این ویژگی نتیجه گرفتیم كه مبارزه با دین در مقطع كنونی برای ماركسیستهای ایرانی اهمیت خاصی یافته است. ما همچنین ذكر كرديم كه اسلام اساسا با سرمایه‌داری منافاتی ندارد. عكس‌العمل‌های خشم آلود مجاهدین به این سلسله مقاله‌ها و دست پاچگی و عصبیت آنان ثابت

این افیون برای تخدیر هواداران استفاده می‌كند. بسیاری از هواداران ساده‌اندیش سازمان مجاهدین، رجوی را در واقع همان " امام زمان " می‌دانند و او را به همین اعتبار پرستش می‌كنند.

برخوردهای هیستریك مجاهدین به این چند مقاله نمی‌تواند ما را از راهی كه در پیش گرفته‌ایم باز دارد.



یکی از مجاهدین در دیدار با " رهبر " از خود بیخود می‌شود.

ما به رنم تمام تهدیدها، فحاشی‌ها و جارا و جنجالهای كودكانه‌ی آقای رجوی و سازمان مجاهدین، به افشا كردن نقش دین در جامعه‌های طبقاتی و به ویژه نقش دین اسلام و مذعب تشیع در جامعه‌ی ایران ادامه خواهیم داد.

می‌كند كه ما بر نكته‌ی حساسی تأكید كرده‌ایم. معلوم می‌شود كه درج كردن این مقاله‌ها به ایدئولوژی اسلامی مجاهدین ضربه‌ی اساسی وارد كرده است.

ما در این مقاله‌ها اعلام كرديم كه رهبری سازمان مجاهدین چون يك سازمان بورژوازی به خوبی از نقش دین به عنوان یکی از افزارهای اصلی حفظ نظام‌های بهره‌كشی آگاه است و از آن به بهترین وجهی برای فریب دادن و به انقیاد كشیدن توده‌ها استفاده می‌كند. ما نوشتیم كه سازمان مجاهدین برای حفظ نظام سرمایه‌داری مجبور است به دین متوسل شود. ما گفتیم كه دین در عرصه‌ی " افیون " است. رهبری سازمان مجاهدین از

نشریه

دین

ارگان

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

را بخوانید

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مطبوعه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

سؤال: درباره نقش حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان در این ماجرا نظر شما چیست؟

جواب: حزب دمکرات کردستان ایران و اتحادیه میهنی کردستان عراق ترجیح دادند با نام خود کمتر حرف بزنند، چرا که کلیه اسناد و مدارکی که آنها از انتشار بیرونی اش جلوگیری می‌کنند و همه آنها را ضبط کرده اند تا در معرض قضاوت عموم سازمانهای انقلابی و مترقی و توده‌های مردم قرار نگیرد، حاکی از جانبداری آنها از جانبداران پیکار مدنی - شیبان‌هاست. آنها برای اینکه بر اعمال خود - پوش بگذارند حتی حاضر نشدند به کمیته کردستان سازمان که مرکز تدارک نظامی و تردد بین خاثنین بود مرا جمع کنند، چرا که در آنجا کسی از با ندمدنی - شیبان‌ها پیدا نمی‌شد تا به نفع آنها حرفی بزند. علیرغم اعتراف صریح همین باند تبهکار در برابر حضور افرادی مسلح به اسلحه قنا سه در میان‌شان و شلیک آنها بسوی رفقای سازمان که در مقرر دیومستقر بودند، "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی حاضر نشد مسئله را دنبال کند، تا معلوم شود چه کسانی با اسلحه‌سنگین قنا سه به با ندمدنی - شیبان‌ها کمک کرده‌اند؟ آیا کسی در آن منطقه استقرار را دیوسا زمان جزا اتحادیه میهنی، حزب دمکرات و مجاهدین مجزبه اینگونه سلاحها می‌باشند؟ اگر این جریان‌ها نقش‌ها نداشته‌بنا بر این بهتر نبود موضوع پیگیری می‌شد تا مشخص شود چه کسانی مجزبه این سلاحها هستند؟ شاید فردا نوبت نیروی دیگری باشد؟ بهتر نبود "کمیسیون تحقیق" حداقل سری به رفقای کمیته کردستان سازمان می‌زد و اسلحه‌های آنها را که پرا ز خاک شده بود و سوزنهایش را برداشته بودند می‌دید؟! آیا درست نبود حداقل هویت این جان‌نیان که مسلح به اسلحه قنا سه بودند برای نیروهای انقلابی و خلق کرد روشن می‌شد؟! و هزاران دلیل دیگر، بنا بر این لازم دانستند نظراتشان را که چیزی جز جعل و مطالب غیر واقعی نیست تحت نام "کمیسیون تحقیق" اشته دهند. البته آنها نیز "تاسف" خود را از این واقعه اعلام داشتند! "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی در ابتدای قطعنامه‌اش علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می‌نویسد: پیشمرگان اتحادیه میهنی "فورا بدون اینکه رهبری خود (اتحادیه میهنی) را از جریان امر مطلع نمایند و دستوری کسب کنند خود را به محل درگیری رسانده و اقدام به میانجیگری کرده و در این رابطه بر اوضاع مسلط می‌شوند." سالی که نکوست از بهارش پیداست! آنها در دنباله همین اقدامات بیطرفانه که منجر به "مسلط شدن آنها بر اوضاع" شده، اکنون کار را بجای می‌رسانند و اندک‌اندک علنا از این باند

حمایت می‌کنند آنها ادعا کرده اند که دخالت پیشمرگان نشان بدون اجازه رهبری اتحادیه میهنی صورت گرفته! اما در نهایت بهمان نتیجه‌ای می‌رسند که اتحادیه میهنی از قبل مدنظر داشته‌است. آنها در چند سطر پرا شینتر همین نوشته بعد از اینکه سازمان را به خیال خود به دو "جنح" می‌کنند مدعی شده اند که "طرفداران آقای توکل بسیا را فراطی بوده و... و معلوم نیست بر اساس کدام پرنسپ انقلابی و کدام اختیار آنها بجای تحقیق راجع به مسئله یکسده در آن منطقه اتفاق افتاده، سازمان را به دو جناح تقسیم می‌کنند که یک "جنح" کاک حامد شیبان‌ها و کاک مصطفی مدنی و جناح دیگر توکل و هواداران افراطی اش استخراج می‌گردد. به نظر می‌آید اتحادیه میهنی هم مثل رهبری مجاهدین تعادل خود را پیرامون این حادثه از دست داده و از روی خوشحالی و نه تاسف حتی نخواسته‌است در این نظر عموم و لااقل برای حفظ ظاهر جانبداری خود را از با ندمدنی - شیبان‌ها پنهان دارد و گرنه چگونه بخود اجازه دادند، بعنوان "کمیسیون تحقیق" درباره حادثه‌ای مشخص به بررسی بپردازند و آنوقت وارد مسائل درونی سازمان گردند و رفیق توکل بشود، "آقا" و خاثنینی مثل شیبان‌ها - مدنی در این نوشته "بیطرفانه" اتحادیه میهنی بشوند "کاک"! همه آنها که با فرهنگ و زبان کردی آشنا هستند معنای این تقسیم‌بندی و انتساب القاب "بیطرفانه" اتحادیه میهنی را خوب می‌فهمند!

سؤال: هماهنگ با سیاست رهبری مجاهدین، "راه کارگر" نیز به فحاشی علیه سازمان دست زد، نظر شما در این باره چیست؟

جواب: "راه کارگر" که از مدت‌ها پیش بخيال خودش جهت برقراری رابطه مخفیانه با مدنی و فرید تلاش می‌کرد، بعنوان خیرچین و پادوی حزب دمکرات در جریان حمله مسلحانه به مرکز فرستنده "صدای فدایی" از هیچ کوششی علیه سازمان دریغ نکرد، آنها بعنوان ستون پنجم بورژوازی در جنبش انقلابی ایران و در ضدیت با سازمان، طی یکسال گذشته بارها مرکزیت خود را به کردستان فرستاده اند تا با فرید و مدنی تماس بگیرند (طبق اعترافات فرید، بهنگام تحقیق پیرامون رابطه مدنی - فرید با "راه کارگر" در مهر ماه ۶۴)، این جریان فرصت طلب که هیچگونه نقش جدی در مبارزات سیاسی سراسری ایران و در کردستان نیز به جز خدمت به حزب دمکرات نداشته‌است، بعد از حمله به "صدای فدایی" تنقید را کارانه‌ای را بکار گرفت تا بلکه بتواند در محدوده کوچکی از خارج از کشور که صدایش بگوش می‌رسد افرادی را اغوا نماید. غافل از اینکه امروزه رشد آگاهی سیاسی و صف بندیهای موجود در نیروهای انقلابی با ضداقلاب لیبرال، فرمیست و سائتریست چنین اجازهای را به آنها نخواهد داد. راه کارگر که تا چندسال پیش در اثر لقطه - اندیشی و گرایش‌ها راست بین خط انقلابی کمونیستی و خط

رفرمیست درنوسان بود اکنون به مواضع رفرمیستی حزب توده در غلطیده است. ارتباط پنهانی "راهکارگر" با حزب توده و "اکثریت جناح نگهدار، دشمنیهای پنهان و آشکار آنها با سازمانهای انقلابی و کمونیستی در تمام زمینهها مویبدا بین واقعیت است که آنها خواستار استقرار یک رژیم انقلابی دمکراتیک در ایران نیستند، بلکه خواستار رژیم بورژوازی اما معتدل تر از جمهوری اسلامی میباشند. اخیراً هم پس از کسب اطلاع از خبر حمله به "صدای فدائی" بدون اینکه دقیقاً بداند در پی حمله به "صدای فدائی" چه سیاستی از جانب آقایان قاسملو - طالبانی پیش برده می شود بدون کمترین درایت و دوراندیشی اعلام آمادگی کردند تا بقول معروف "از توبه یک اشاره، از من به سردویدن" هرگونه فرمانی را از جانب حزب دمکرات و اتحادیه میهنی اجرا نمایند. هنوز زندهان "دمکرات" ها در نیا مده بود "جناح توکل" و "جناح کاک حامد"! که "راهکارگر" به نشر باطیلی در این باره پرداخت، بطور مثال آنها مکرراً در نوشتهها - چنان بطور نا بخردانه از "تحت نظر قرار گرفتن" رفقای ما، در کردستان دم میزدند و این در حالی بود که رفقای ما هر روز بطور منظم ساعتها با مرکز ارتباطات خارج از کشور سازمان در ارتباط بودند، رفقای ما هر روز علاوه بر دادن پیامهای متعدد به خارج از کشور، به پیشبرد امور جاری سازمان در حد امکان در کردستان نیز اشتغال داشتند. آنوقت دستگاه دروغ پراکنی زنگ زده ای که "راهکارگر" از حزب توده بعاریت گرفته، در پارسی بکار افتاده بود و ضمن اعتراف به نبودن باند مدنی از ۴ تا ۹ بهمن ماه در مقبر "رادیو" نوشتند: "جناح توکل توانست از سادگی پیشمرگان اتحادیه میهنی استفاده نموده و تحت عنوان اینکه می - خواهند به ما مجلال و شیخ عزالدین دوپیا مچاپ کنند به انتشارات رفته و دو علامیه را بتاریخهای ۷ بهمن تا ۱۶ و تکشیر می کنند که همان اطلاعاتی شماره ۱۶ این جناح می باشد، همچنین می توانند با خارج تماس بگیرند." و با خوشحالی زاید الوصفی اعلام داشتند: "آقایان در حالیکه خلع سلاح شده و تحت نظر قرار گرفته و نیز رادیو "صدای فدائی" تعطیل شده است در روز روشن به مردم دروغ میگویند و به عقل توطئه گرشان نمی رسد که نمی توان اخبار به این بزرگی را وارونه جلوه داد، مردم از حقایق با خبرند و امکان با خبر شدن را دارند." و این در حالی بود که نه فقط رفقای ما، بلکه حتی خود اتحادیه میهنی در همان دوره ای که "راهکارگر" ادعا کرده است ما پیشمرگان اتحادیه میهنی را گول زدیم تا بتوانیم از امکانات انتشاراتی و مخبراتی استفاده

کنیم! بارها جلوشم نیروهای تشکیلات و همه پیشمرگان سازمان و اتحادیه میهنی، از کاتال رفقای سازمان در کردستان به خارج از کشور پیام فرستادند، کلیه امکانات سازمان از فردای حمله به "صدای فدائی" تا روز نهم بهمن ماه که اتحادیه میهنی توطئه اسکان دادن این باند را در مقرر ادیوسا زمان به اجرا درآورد در اختیار رفقای سازمان بود و همه مردم کردستان هم شا هداین واقعیت بودند.

بله، برآستی نمی توان اخبار به این بزرگی را وارونه جلوه داد و مدعی شد رفقای سازمان "ز سادگی" پیشمرگان اتحادیه میهنی استفاده نموده... "اما" راهکارگر "بطور غیر شرافتمندانه ای این کار را کرده است. سیاست همه با هم و تاکتیکهای دنیا لروا نه و جیونا نه این جریان اکنون راهی برای باقی نگذاشته است، جز اینکه خود را سینه چاک، دوستدار نظم و آرا مش مورد نظر حزب دمکرات در کردستان نشان دهد تا میا داد حزب دمکرات با اشاره و نه با توسل به قهر به حیات "راهکارگر" در کردستان پایان دهد. از جریانی که "افتخار" و "احترام" خود را از حقارتی که نسبت به خود بر می انگیزد، دارد، بیش از اینهم انتظار نیست.

سؤال: بعضیها خرده میگیرند که چرا سازمان در روز نهم بهمن ماه هنگام اسکان دادن باند مدنی - شبانی در مقر "صدای فدائی"، وسیله اتحادیه میهنی مقاومت مسلحانه نکرده و اجازه داد اتحادیه میهنی این خائنین را بازگرداندند و به دخالت در امور داخلی سازمان بپردازد؟

جواب: همه بخوبی میدانند که حضور ما در کردستان عراق بعنوان مهمان بوده است، نه ما، بلکه همه نیروهای ایرانی در آنجا بعنوان مهمان هستند، ما در خاک دوست بوده ایم و هرگز بخود اجازه نداده و نمی دهیم که در مقابل برخورد های غیر اصولی میزبان به قهر متوسل شویم، در غیر این صورت رفقای ما نه به اتحادیه میهنی، بلکه به هر جریانی دیگری که قصد مداخله در امور داخلی سازمان را داشته باشد و بخواد امکانات سازمان را در اختیار بگیرد (هما گونه که تاریخ پر افتخار ۱۵ ساله سازمان نشان میدهد) تا بست می کردند که چگونه از مقرو و سایل سازمان حفظ و حراست می کردند، هما نظر که در مقابل هجوم مسلحانه باند خائنین مدنی - شبانی ثابت کردند و اگرداخلت اتحادیه میهنی نبود اکنون کسی از این تبهکاران باقی نمانده بود تا "راهکارگر" و اشرف دهقانی هم بشوند کمیسیون تحقیق اش!

سؤال: سازمان کومه له و یا با صلاح حزب کمونیست نیز در این باره مطالبی منتشر ساخته، در این مورد چه فکر می کنید؟

جواب: بله! سازمان محلی کومه له که مدتی است با "پرولتاریای جوان کردستان" به نیابت از جانب پرولتاریای سراسر ایران، حزب کمونیست ایران را تشکیل داده

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رئیس‌عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

ضمن ابراز تاسف و برای جلوگیری از چنین حوادثی اینطور اظهار نظر می‌نماید: "بدنبال رویداد تاسف‌آور درگیری مسلحانه بین دو گروه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران... وادامه می‌دهد با توجه به ابعاد و ضرورت مناسبت و تکرار آن... به انتقاد مطالبی عاری از حقیقت پرداخته و گفته‌اند "تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که این درگیری مسلحانه بر زمینه تشدید اختلافات سیاسی و تشکیلاتی درونی این سازمان روی داده است. اختلافاتی که در غیاب دمکراسی درون تشکیلاتی و اتکاء بر اصول سیاسی روشن به یک بحران درونی شدیدانجامیده و... آنها در همین رابطه بجای پرداختن به اصل مطلب یعنی "تحقیق پیرامون جناحیست چه‌رم بهمین ماه که از جانب اتحادیه میهنی به آنها پیش‌نهاد شده بود، وارد اختلافات سیاسی ایدئولوژیک عمیق خود با سازمان شده و به تبلیغ برنامۀ بورژوا - رفرمیستی خود پرداخته‌اند. کومه‌له در نوشته صفاحهای خود همه جا تلاش کرده بعنوان کارشناس مسائل سیاسی - ایدئولوژیک اظهار فضل نماید و از قرائن معلوم فراموش کرده که بخاطر چه وارد کمیسیون شده، آنها بعد از سه صفاح اول که به تبلیغ نظرات خود و ادبیات حزبیشان پرداخته‌اند، فقط در یک پیرانتز کوتاهی نظر خود را راجع به حمله به "صدای فدائی" اظهار داشته‌اند، البته آنها هم تردید توجه کنید: "آنچه در واقع پیش آمده اینست که یکی از پیش‌مرگان مستقر در کمیته مرکزی تیراندازی (هوایی یا زمینی؟) را شروع کرده است؛ بلکه، مصلحت کومه‌له فعلا ایجاب نمی‌کند که بگوید با لایحه تیر هوایی شلیک شده یا زمینی؟! چرا که فعلا با توجه به اختلافات خودشان و جنگ با حزب دمکرات اینگونه موضع گیریها خیلی هم مصلحت کومه‌له نیست! جالب است که کومه‌له در ادامه همین افاضات عاقبت اندیشانه خود با اینهمه قاطعیت و بدون تردید می‌گوید: "پس از کنفرانس سال ۶۳ و در نتیجه تشدید اختلافات، بخشی از اعضا که مخالف مرکزیت بودند نتایج تشکیلاتی تشکیل کنگره سازمان می‌نمایند و پس از مدتی سرانجام موعودی عماهه برای تشکیل کنگره از سوی مرکزیت تعیین می‌شود. بنا بر این طبق تصمیمی که روی آن توافق عمومی وجود داشته است و با تعیین موعد کنگره، می‌بایست حل و فصل نهائی مسائل مورد مشاجره به کنگره سازمانی واگذار می‌گردید. اما علیرغم چنین توافق، عملا فضای دمکراتیکی در درون سازمان برای مبارزه سیاسی و نظری تا تشکیل کنگره ایجاد نشده و با اخراج تعسفاً از مخالفان از جانب مرکزیت و متقابلا شکل گیری یک اپوزیسیون در برابر مرکزیت، اختلافات با زهم شدت بیشتری

می‌یابد." حال اگر از کومه‌له بپرسیم که شما از چه کسی تحقیق کردید که به این نتایج رسیدید و اینگونه مغرضانه راجع به مسائل درون تشکیلاتی ما پرداختید، چه جواب دارند؟ فرض کنید چند نفر خائن به شما گفتند آنها خواستار تشکیل کنگره در سازمان بودند؟! آیا گفته‌آنها برای شما کافی بود؟ بر طبق کدام سند و مدرک ثابت می‌کنید که آنها مخالف کنگره نبودند و بخاطر همین مسئله که مرگ خود را در برگزار می‌کنند می‌دیدند دست به این جنایت زدند؟ عجیب! کومه‌له آمده برای "تحقیق" پیرامون جناحیت ۴ بهمن ماه، اما اکنون به اظهار نظرهای نسنجیده‌ای پرداخته می‌گوید: "عملا فضای دمکراتیکی در درون سازمان برای مبارزه سیاسی و نظری تا تشکیل کنگره ایجاد نشده؟! حال پرسیدنی است هنگامیکه کومه‌له به این سهولت ریشه و علل وجود آمدن این توطئه مسلحانه را پیدا کرده چگونه در تحقیقات خود برخلاف اتحادیه میهنی که تصمیمش را از قبیل گرفته و تلاش کرده است هر طور شده و نامود سا ز سازمان "فراطی" است و برخلاف حقیقت گفته است: "کاه و ناهمی شلیک کرده" چگونه است که کمونیستهای روستائی ما با این همه تیزهوشی و درایت و پس از چند روز تحقیق، آنجا که با ید موضع گیری کنند و به رسم کمونیستها و همه انقلابیون از گفتن حقایق و همه‌نداشته باشند، اینقدر در چار تشویش می‌شوند، و بدنبال فرمولی می‌گردند که در واقع نه‌سیخ بسوزد و نه کیاب و می‌گویند معلوم نیست "تیر هوایی بوده یا زمینی"؟! ملا فرض کنیم که تیر زمینی بوده، چرا کومه‌له که خود را مارکسیست هم می‌داند، به اصل مسئله نپرداخته، که این افراد مسلح برای چه به مقرر رادیو رفته‌اند؟ علت اصرار آنها برای مسلح رفتن به داخل مقر را دیوچه بوده است؟ در کدام اساسا ستانما سازمان مارکسیستی "تحصن و بست نشستن" وجود دارد که کومه‌له هم بر آن صحه می‌گذارد، انگیزه و علل ما چرا جوئی این با ند چه بوده؟! ما از آنجا که کومه‌له از درک عینی واقعیتهای ریشه‌ای بی‌عسل و انگیزه افراد و جریانات مختلف در بر خورد با مسائل اجتماعی عاجز است، صرفا به معلول پرداخته و به جای اینکه بگوید چه کسی، یا چه انگیزه‌ای و با کدام تعلقات طبقاتی شلیک کرده، می‌گوید با ید دید کسی که شلیک کرده هوایی شلیک کرده یا زمینی؟! برای اینکه با ید کومه‌له چقدر در گفته‌هایش صادق است به این گفته‌شان توجه کنید، آنها در ادامه همین موضع گیریهای ضد فدائی خود گفته‌اند: "لازم به تذکر است که عباس توکل با وجود اینکه درگیری را بدینگونه قریب الوقوع ارزیابی می‌کنند هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از درگیری بعمل نمی‌آورد (برای مثال دعوت میانجی‌هائی به محل)؟! از کومه‌له با ید پرسید شما تا کنون چند بار طبق اظهار نظرهای خودتان حمله‌های حزب دمکرات را قریب الوقوع و حتمی ارزیابی کرده‌اید؟ ممکن است بفرمائید چند مرتبه میانجی دعوت کرده‌اید؟!

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نثر به جهان بارفین عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بگرامون جمله مطبوعه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

بنا بر این جای هیچگونه تعجیبی نیست که کومه له بر بستر تخلیات و ارزیابی‌های نادرست خود از کردستان در روستاهای حتی بدون کارگر کشاورزی و درغیا بپرولتاریای سراسر ایران، در گوشه‌ای از کردستان "حزب کمونیست" تاسیس می‌کند.

سؤال: بنظر می‌رسد گفته‌های جریانات شرکت‌کننده در "کمیسیون تحقیق" با قطعنا مه‌صا دره‌ا زجانب "کمیسیون تحقیق" خود اتحادیه میهنی کاملا درتنا قضاست، آیا تلاش اتحادیه میهنی کردستان برای وارونه‌جلوه‌دادن حقایق بمنظور خاصی انجام گرفته‌است؟

جواب: یک سلسله اعمال خلاف شئون انقلابی پس از حمله به "صدای فدایی" از جانب اتحادیه میهنی کردستان عراق صورت گرفت که معلوم شد تنها این جریان بی طرف نیست بلکه خوددستی در آتش افروزی و ضدیت با سازمان دارد. سؤال: مورد مشخصی هست که به آن استناد شود؟

جواب: بله، در تاریخ ۹ بهمن ماه، اتحادیه میهنی کردستان عراق تصمیم گرفت با ندجنا یتکا رمدنی - شیبانی راکه روز ۴ بهمن ماه، خود با حمله مسلحانه موفق نشده بودند به مقر دیورا هیا بند در پوشش پیشمرگان مسلح خود مجدداً به مقر دیوبند وارد. بهمین منظور ابتدا مرکز ما براتسی سازمان را به تصرف خود درآوردند، پس از آن تصمیم گرفتند ارتباط رفقای سازمان را که تا آن هنگام با خارج از کشور برقرار بود قطع نمایند، تا خیرا عمل ضد مکر تیک و دخالت های آنها در امور داخلی سازمان به خارج از کردستان انعکاس نیابد. آنها تلاش کردند به رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خارج از کشور را بنمود سازند که اتفاق تازه‌ای نیافتاده است و در ادامه همین تلاشها فردخا شنسی بنام "مهدی" را از با ندمدنی - شیبانی انتخاب کردند و از وی خواستند که خود را رفیق "د" معرفی نماید. لازم به تذکر است که رفیق "د" نام مستعار یکی از رفقای سازمان در مرکز ارتباطات کردستان می‌باشد. آنها در مقابل این سؤال رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خارج از کشور که چرا رفقای مسئول برای صحبت نمی‌آیند؟! علامدا شدند، همگی رفقای مسئول برای مذاکره نزد آقای طالبانی رفته اند و هیچکس اینجا نیست!! هنگامیکه دیگر رفقای مستقر در مقر را خواستیم، جواب دادند آنها نیز با رفقا رفته اند نزد آقای طالبانی، حتی پزشک مقر هم با آنها رفته!! و هیچکس جز من - "د" (یعنی مهدی) ننمانده است. وی تا کیدداشت که نتیجه مذاکرات که هم اکنون در دفتر سیاسی اتحادیه میهنی بین رفقای ما و اتحادیه میهنی جریان دارد هر چه باشد، از این

پس توسط "من" (مهدی) به شما ابلاغ می‌شود. وی همچنین اعلام داشت پیامهایی که مربوط به اتحادیه میهنی است و یا هر پیام دیگری که از جانب او داده می‌شود تصمیم رفقای سازمان است و نه اتحادیه میهنی و می‌گفت: "من فقط نقش رابط را دارم؟! در حالیکه از جانب رفقای مسئول ارتباطات خارج از کشور به آنها اعتماد نشده بود رفقا بنا بر وی خود را از اینگونه تصمیم‌گیری اعلام نمودند، با اینهمه آنها از رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خواستند تا نماینده اتحادیه میهنی در خارج از کشور را به مرکز ارتباطات بیاوریم که ارتباطات خود را برقرار سازند؟! به آنها جواب داده شد در صورتیکه رفقای مسئول ما برای تماس نیایند هیچگونه ارتباطی با شما برقرار نمی‌شود و این ارتباط نیز بهیچ عنوان ادامه نخواهد یافت. ما وی اصرار داشت که "رفقای اتحادیه میهنی خودشان اینجا حضور دارند ما مستانظم (و می‌خواهند حتماً این ارتباط برقرار شود)" و در حقیقت گفته‌های آنان (اتحادیه میهنی) را بصورت امری ابلاغ می‌کرد. پس از آن محترمانه به آنها تفهیم شد که همه جای دنیا کردستان عراق نیست که آنها بعنوان نماینده گوشه‌ای از این خطه بخوانند فرمانروائی کنند، اینجا کشور دیگریست و این مرکز تحت کنترل رفقای سازمان ما قرار دارد و نه اتحادیه میهنی کردستان عراق. ما با کمال تعجب آنها فاتحانه چنین فرمودند؟! "با استناد به پیامی که داده شد (منظور صحبت‌های دوطرف) بی‌سیم و مکاتبات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فعلاً در اختیار این سازمان نمی‌باشد، چون شرایط اجازه نمی‌دهد، بلکه این امکانات در اختیار اتحادیه میهنی کردستان عراق می‌باشد حالا ما با کاک... (نماینده اتحادیه در خارج از کشور) برای حل مسئله خودمان با او کار داریم" و هنگامیکه مخالفت شدید رفقای ما مواجه شدند، سرانجام بعد از سه روز یکی از رفقای ما را که در همان مقر مستقر بوده مرکز ارتباطات آوردند، معلوم شد که تمام گفته‌های آنها دروغ بوده و آنها فقط برای اینکه با ندمدنی - شیبانی را می‌خواستند به مقر دیوبند ورنده این دروغها متوسل شده اند، اصلاً مذاکراتی در کار نبوده و رفتن نصف شب رفقا به مقر جلال طالبانی که از جانب مهدی گفته شده بود صحت نداشته است و ساخته و پرداخته خود آنها بوده است. کلیه صحبت‌های این فرد در حضور ما مستانظم انجام می‌شد و از لحظه‌ایکه متوجه شدیم آنها قصد نفوذ در تشکیلات را دارند تصمیم گرفتیم کلیه صحبت‌های آنها را ضبط نمائیم، هم اکنون کلیه کاسه‌های این گفتگو در اختیار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران کمیته خارج از کشور می‌باشد و در صورت ضرورت نسخه‌ای از این نوارها در اختیار نیروها و شخصیت‌های انقلابی و صلاحیتدار قرار داده خواهد شد. عین گفتگوی چند روزه رفقای کمیته خارج از کشور سازمان با اتحادیه میهنی کردستان (مهدی) جهت روشن شدن حقایق ضمیمه می‌باشد.

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نثر به جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون هیله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

سؤال: بدین ترتیب آنها از همان ابتدا از ایسن با ندجاری می‌کردند؟

جواب: بله، البته نحوه برخورد جانبدارانه "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی از با ندمندی - شیبانی امروز بر همه آشکار شده است، متن منتشر شده از جانب "کمیسیون تحقیق" برای همیشه بعنوان یک سند تاریخی قابل استفاده خواهد بود. بعد از انتشار علنی نظر "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی دیگر بر هیچکس پوشیده نماند که نقش اتحادیه میهنی کاملاً جانبداری از با ندمندی - شیبانی است و این در شرایطی است که قبلاً نیز حماً دشیبانی بدلیل رابطه پنهانی با حزب دمکرات تنبیه شده بود و سرآخرنیز با طرز چهار روزیکه از مقرنا پدید شد و بعد معلوم شد نژاد آنها بوده از سازمان اخراج شده. اما اگر ما از ایسن

مسائل بگذریم و به اصل سند منتشره "کمیسیون تحقیق" بپردازیم، گردیم آیا مضحکه تحمن و بست نشستن، بعد از عدم موفقیت تسخیر رادیو در مقر "صدای فدائی" که از جانب با ندمندی - شیبانی و سازمانهای شرکت کننده در "کمیسیون تحقیق" اتحادیه عنوان شده، هراسان اندک آگاهی را به این فکرو نمیدارد که چرا "تحمن و بست نشستن" در مقر رادیو و نه در مقر خودشان در "گلانه"؟ آنهم مجهز به انواع سلاحها و نه دست خالی، همراه با تحویل ندادن سلاحهایشان به نگهبانی رادیو، و همزمان از کار انداختن بیسیم مقر کمیته کردستان و سوزاندن بیسیم آنتن بیسیم قبل از حرکت به سمت مقر رادیو، تا رفقای مستقر در مقر رادیو اطلاع پیدا نکنند که این جانیان در حال آمدن هستند، و پس از آن صحبت کردن شیبانی برای پیشمرگان قریب خورده قبل از حرکت بسوی مقر رادیو تا کید برکشتن همه رفقای مستقر در مقر رادیو بجز دونفر را چگونه "کمیسیون" توجیه می‌کند؟! آیا فرار چند نفر را فرادیکه مجهز به سلاح قناسه بوده اند و در پایان درگیری از صحنه فرار کرده اند و تیر - اندازی مداوم این جانیان بسوی رفقای مستقر در مقر رادیو از مردم کردستان کتمان خواهد ماند؟ چرا "کمیسیون" تحقیق نکرد تا حداقل بدانند این افراد از کجا آمدند؟! اگر اتحادیه میهنی همه این چیزها را ندیده و نشنیده می‌گیرد آیا شلیک عنصر خاشاکی بنا مناصر، پس از پایان درگیری در حضور افراد اتحادیه میهنی و بشهادت رساندن رفیق حسن هنگام حمل رفقای مجروح، آنهم ز پشت سر، فقط با شلیک یک تیر کلشینکف که به قلب رفیق اصابت کرد، از دید آنها پنهان بود؟ شاید اتحادیه میهنی و حزب دمکرات در توجیه "مسلط شدن بر اوضاع" و "تقدیر و تمجید همه نیروهای سیاسی" بخوان همه مخالفین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، از این

بیشتر هم به نشر مطالب غیر واقعی بپردازند، اما کس داد حقیقت تا کنون در سینه تاریخ مانده و پویندگان راه آزادی و سوسیالیسم و آزادگان فردا از آن بی بهره مانده اند؟ تا کی و چقدر این حقایق پنهان خواهد ماند؟ مسلماً دیداری نخواهد یافت.

آقایان دمکرات و "کمیسیون تحقیق"، چه کسی باور خواهد کرد که شما بیطرف هستید که اینگونه مغرضانه به اظهار نظر پرداخته اید؟ چه کسی باور می‌کند هنگامیکه عده ای مجهز به انواع سلاحها و با آماجگی حمله نظامی در مقر "گلانه" شعار می‌دهند "می‌رویم اول آنها که در مقر رادیو هستند را بکشیم، بعد بیاییم سراغ شما"، ارتباط رفقای مقرر گلانه و گاپیلون را با از کار انداختن بیسیم قطع کنند، لوله های سلاحهای رفقای سازمان را با خاک پر کنند! سوزنهای سلاحهایشان را بردارند، نواری تمرینی به سبک کودتاگران با صدای زن مصطفی مدنی پر کنند تا بعد از "تسخیر" رادیو بلافاصله بتوا - نند در مدح "فتوحات" خودیا و سرائی کنند، در روستای نزدیک مقر رادیو سخنرانی کنند و شعرا بدهند بجز دونفر بقیه را بکشید! طرح خود را هم عملی کنند، و وقتی مفتاحانه با شکست روبرو می‌شوند آنوقت "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی قسم بخورد که باور کنید "آمدن کاک حماً دشیبانی و همراهانش به مقری که آقای توکل و رفقایش در حالیکه کاک مصطفی مدنی هم در آن لحظه در آن مقر حضور داشته تنهابا خاطر بست نشستن و اعتماد بوده و بهیچ عنوان قصد حمله به این مقر را نداشته و چنین فکری هرگز به فکرهاش هم خطور نکرده است". بر راستی "کمیسیون تحقیق" با توجه به اینهمه دلایل از کجا می‌دانستند که "چنین فکری هرگز به فکرهاش هم خطور نکرده است"؟ حقیقتاً آنها فکرا این با اندرا از کی و چگونه می‌دانستند؟

سؤال: با اینهمه، مجموعه اظهار نظرها و موضع گیری های جریانات شرکت کننده در "کمیسیون" خود این با ندمند به گونه ایست که اینها قصد حمله نداشتند، نظر شما چیست؟
جواب: چه کسی باور می‌کند که این شیخ - ون ناجوان مردانه، آنهم به مقر رادیوی سازمان از جانب کسانی که خود را "انقلابی" می‌دانستند اتفاقاً بوده! و آنها با این همه ساز و برگ نظامی و با آن همه اعمال خیانت آمیز قبلی - اشان فقط آمده بودند "بست نشینند" و "تحصن کنند"؟! و لا در اسنا مسازمان چریکهای فدائی خلق ایران هیچ ماده و تبصره ای مبنی بر بست نشستن و تحصن وجود ندارد که این با ندبخواهد با استناد به آن، اعمال ضد تشکیلاتی و کودتاگرانه اش را توجیه کند، با ندمند استفا ده اتحادیه میهنی از این اصطلاح "بست نشستن و تحصن" نیز اصلاً هیچگونه ربطی به تشکیلات ندارند، مگر اینکه چنین ماده و تبصره ای در اسنا مسازمان اتحادیه میهنی وجود داشته باشد و آنها انتظار داشته باشند که هر کس وارد منطقه تحت کنترل آنها شد ملزم

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حیطه صلحانه به مرکز فرستنده راهپو صدای فدایی

به اجرای اساسنامه اتحادیه میهنی است و نه اساسنامه تشکیلات خودش. برای روشن شدن اذهان عموم بندی از آئین نامه انضباطی راکه به تصویب پلنوم آذر ماه ۶۱ سازمان رسیده است در زیر می آورم تا همه هم میهنان بدانند افرادی با ندابطرح "تحصن" و "بست نشستن" مرتکب چه اعمال ضد تشکیلاتی شده اند:

اجرای اساسنامه سازمان کلیه رفقای سازمان را موظف می کند:

۱- هیچ رفیقی حق ندارد در حوزه های پیاورده های پائین خود نظرات خود را تبلیغ نماید بلکه باید در رابطه با این حوزه ها، مواضع و نظرات تصویب شده در سازمان و برنامه عمل سازمان باشد.

۲- همه رفقا در حوزه های اصلی خود که بالاترین حوزه آنها محسوب می شود می توانند نظرات شخصی خود را مطرح نموده و از کمالهای تشکیلاتی نظراتشان را که حتما باید به تصویب مرکزیت سازمان برسد بیرون تشکیلات ارائه دهند.

۳- هرگونه نوشته با امضاء مشترک چند رفیق که در یک حوزه تشکیلاتی قرار ندارند بمانند به روابط فوق تشکیلاتی تلقی می شود.

ملاحظه کنید! آنها در سازمانی بودند که این بخشی از آئین نامه انضباطی می باشد. اما آنها بجای اجرای آئین نامه اساسنامه سازمان و طرح نظراتشان بشکل اصولی، به روش های تشکیلات شکنانه روی آوردند، آنهم نه فقط در محدوده حوزه فعالیت خودشان بلکه در حوزه فعالیت بخش دیگری از تشکیلات (کمیته کردستان) به تبلیغ و ترویج و ایجاد هرج و مرج پرداختند و حتی به سازمانی مخفیانه مبادرت کرده بودند. شما در کدامیک از سازمانها چنین دمکراسی سراغ دارید؟ که اینقدر تشکیلات دست اعضایش را باز بگذارد و به آنها اعتماد نکند؟ اتفاقا اگر افرادی به رفقای کردستان وارد بشدند عتقاد بسیار از خودگذشت زیاده نسبت به این افراد می باشد و نه عدم وجود دمکراسی درون تشکیلاتی. جالب اینجاست که سازمانها نظیر کومه له که اگر کسی به مقرشان مراجعه کند و با پیشمرگان نشان احوال پرسش کند، آن پیشمرگ موظف است تمام صحبت های خود را به مسئولش گزارش کند و در پاره ای موارد هم مواخذه می شوند که چرا کسی که آمد با تو سلام و احوال پرسش کرد و نه یا فرد دیگری؟! آنوقت از روی ضدیت با سازمان داد سخن می دهد که: "اختلافاتی که در غیاب دمکراسی درون تشکیلاتی و اتکاء بر اصول سیاسی روشن به یک بحران درونی شدیدانجام مید."

سؤال: دامنه تخریب واقعیتها به محافل شناخته

شده خارج از کشور نیز کشیده شد، در حقیقت حزب دموکرات کردستان ایران و اتحادیه میهنی کردستان بعلت عدم توان سیاسی-تشکیلاتی در خارج از کشور از این محافل استمداد کردند تا برای اعمال ضد دمکراتیک خود سرپوش بگذارند، نظر شما در این باره چیست؟

جواب: آنها تلاش کردند تا خبر این جنایت هولناک را از طریق محافل پاریس و دیگر متحدان خود و ارونه جلوه دهند و در تکمیل این سناریوی نفرت انگیز همه محافل ضد فدائی و شناخته شده را دور هم گرد آورده اند. آنچه ابتدا از جانب اتحادیه میهنی-حزب دمکرات تصمیم گرفته شده بود، از جانب هواداران نشان نظیر "راه کارگر" و "ما لهما بطرز یکنواختی تکرار شد: "تسخیر را دیو صحت ندارد، آنها برای بست نشستن و تحصن" رفته بودند؟ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دو جناح شد، جناح توکل افراطی و جناح کاک حما دشیبانی و کاک مصطفی مدنی" و حتما جناح غیر افراطی ساختگی آنها دمکرات و واقع بین هم می باشد؟ و لابد در آینده بدستور آنها به افتخار برگزار کنی کنگره با شرکت ۲ عضویکه پس از این توطئه اخراج شدند فرید-مدنی و ۲ عضو خارجی قبلی، یدی - شیبانی، نائل خواهند شد، بدین ترتیب آنها به زودی سازمان دست نشانده ای از قبیل همان سازمان کذاشی بی هویت مجاهدین که سه سال پیش به رهبری رجوی و خیانت "سامع" تشکیل شد مفتخر می گردند.

سؤال: اتحادیه میهنی در قطعنامه شان به یکی از شخصیت های مشهور خلق کردا اشاره کرده بودند، منظورشان چه بوده است؟

جواب: بله، آنها بدون چاپ و یا حتی اشاره ای به پیام های مسئولان و بموقع یکی از چهره های مبارز خلق کرد به آقایان طالبانی و شیخ عزالدین حسینی، تنها به ذکر نام او اشاره به پاسخ پیام ایشان بسنده کرده اند، آقای طالبانی در قطعنامه کمیسیون خود علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران صلاح ندانستند بگویند متن پیام شخصیت مبارز خلق کرد به ایشان چه بوده؟ ایشان مصلحت ندانسته از پاسخ خودش به شخصیت خلق کرد اسمی بمیان آورد، تا برای همه مردم روشن شود که کمیسیون آلت دست آقای طالبانی بوده و وی در پیام مورخ ۸ بهمن ماه خود به شخصیت مبارز خلق کرد عینا همان مسائلی را طرح کرده که در روز ۲۱ بهمن ۶۴ بنام "کمیسیون تحقیق" منتشر کرده است، این نشان می دهد که اتحادیه میهنی از قبیل تصمیمش را گرفته بوده است. از آنجا که این پیامها از کمال سازمان ما ردو بدل شده متن پیامها در اختیار ما می باشد، ولی بخاطر حفظ اما ننداری از انتشار علنی آنها خودداری می کنیم اما از شخصیت مبارز خلق کرد و همچنین از آقای طالبانی (اگر از روشن شدن حقیقت هراسی ندارد) می خواهیم برای روشن شدن حقایق، این پیامها را منتشر کنند تا همه مردم بتوانند

کفایتی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده راهپو صدای فدایی

در این باره بهتر قضاوت کنند و دریا بندهآیا "کمیسسیون تحقیق" چیزی جز راهپو آقای طالبانی بوده است یا خیر؟! سؤال: از مطالبی که اتحادیه میهنی تحت عنوان "کمیسسیون تحقیق" انتشار داد، چنین استنباط می شود که آنها به یکسری مسائل درونی سازمان نیز پرداخته اند، نظر شما چیست؟

جواب: بله، شما می توانید با مروری کوتاه بر سه قسمتهای از سند تاریخی "کمیسسیون تحقیق" اتحادیه میهنی براهی متوجه شوید که این جریان چگونه به سه تحقیق پیرامون حادثه حمله به "صدای فدائی" وارد مسائل درونی سازمان شده و به اظهار نظرهای غیر اصولی پرداخته است، ملاحظه کنید، آنها می گویند:

۱- "مدت مدیدی است که اختلاف عمیق و مختلفی در بین صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ادامه دارد". حال معلوم نیست که چه کسانی و چگونه از اتحادیه میهنی درخواست کرده اند تا درباره اختلافات درونی سازمان ما تحقیق کنند که آنها به این نتیجه رسیده اند که اختلافات "عمیق و مختلفی" در صفوف سازمان ما دارد و مشخص نکرده اند رابطه این اختلافات با "کمیسسیون تحقیق" چیست؟

۲- "بجای اینکه راه حل اصولی و مسالمت آمیز و خردمندانهای برای کاهش اختلافات یافته و نیز بجای اینکه بطریق دوستانه و برابرانه و از راه تشکیل جلسات و مجامع و کنگره اختلافات خود را حل نمایند، آقای شوگل و طرفدارانش اقدام به اخراج کاک حما دشیبانی کردند".

اینکه ما از چه طریقی باید مسائلمان را حل کنیم اساساً سازمان تعیین می کند و به اندازه کافی ضوابط در سازمان حاکم است، و نیازی به "راه حل های" اتحادیه میهنی نمی باشد. اما اگر ما دو نفر را اخراج کردیم که کار بسیار درستی کردیم، ممکن است اتحادیه میهنی بفرماید چرا چندی پیش دست به تصفیه درونی زده و صدها نفر از افراد "آلای شورش" را خلع سلاح کرده و رهبران نشان راهنوز در زندان نگاه داشته است؟ اصولاً چرا اتحادیه میهنی خودش بطور "دوستانه و برابرانه و از راه تشکیل جلسات و مجامع و کنگره" اختلافات خود را حل نکردند.

۳- "علیه این اخراج و بمنظور بستن نشستن و اعتماد و درخواست با زگرداندن کاک حما دوشکیل کنگره، عده ای از رفقای چریک از گلابه بطرف مقر دیگران که نزدیکی کاپیلون واقع شده حرکت می کنند".
گویا آقایان مقرر ادیوسازمان را با وزارت کار

اشتباهی گرفته بوده اند که تحصن و بست نشستن در مقرر ادیوسازمان را عملی درست دانسته اند، اگر اتحادیه میهنی از ضوابط و اساساً سازمان بی اطلاع بوده است، خود این با ندبجویی می دانند که قوانین و مناسبات بورژوازی و بوروکراتیک در سازمان وجود ندارد که آنها برای برگرداندن شیباتی و تشکیل کنگره اعتماد کرده بودند!

۴- "از طرف دیگر آقای توکل چریکهای مقرر خود را در سنگر مستقر نموده و دستور تیراندازی و تیرباران کسانی از آنها را که با اسلحه نزدیک می شود ما در کرده بود؟"

عجب عمل اشتباهی! چه کسی جز این تصمیم می گیرد؟ مثلاً اگر در مقر اتحادیه میهنی سه نفر پیدا شوند که بنا بر چند ساعت دیگر در اساعت ۳ نیروهای مستقر در مرکز را دیورا که در مقرر عمومی جمع می شوند به رگبار ببندند و همزمان عده ای مسلح که از مقر دیگری به قصد حمله مسلحانه به مقر را دیو حرکت کرده اند در حال نزدیک شدن باشند، اتحادیه آنها را خلع سلاح نمی کرد؟ رفیق توکل هم همین کار را کرد، اگر بنا بر شجاعتی که بدلیل متعدد ذکر شده و با تصمیم قبلی و به قصد حمله به مرکز "صدای فدائی" بساعت در حال نزدیک شدن هستند و طرح حمله آنها را هم یکی از رفقا شیکه این با ندبه غلط فکر کرده بود با آنها همکاری خواهد کرد به اطلاع تشکیلات برساند، دیگران از جمله اتحادیه میهنی چه می کردند؟ آیا آنها به ما جیم دسته گل می دادند که ما گلوله دادیم؟ اتحادیه میهنی برای سرپوش گذاردن بر جانبداری خود از این با ندبه گونه ای اظهار نظر نموده است که گوئی سناریوی یک فیلم وسترن را در دست تهیه دارند، آنها تلاش دارند تا ما را در خیالی خود را هر طور شده قانع کنند که نقش منفی و افراطی منتسب به رفیق توکل را جدی بگیرند و ملتسمانه درخواست می نمایند: "باور کنید آمدن کاک حما دشیبانی و همراهانش به مقری که آقای توکل و رفقایش در حالیکه کاک مدنی هم در آن لحظه در آن مقرر حضور داشته تنها بخاطر بستن نشستن و اعتماد بوده و بهیچ عنوان قصد حمله به این مقرر نداشته و چنین فکری هرگز هم به فکرشان هم خطور نکرده است".

۵- "کاک عباس کامیاری که مسئول شاخه کردستان بوده و مسئول نظامی چریکها، از روی اعتمادی که بخود داشته است به در ورودی نزدیک می شود و در پاسخ به ایست چریکهای مستقر در در ورودی هر دو دست خود را بلند کرده و جلوتر رفته اما متاسفانه کامیاری که در در ورودی سه نگیبانی بوده تیراندازی را شروع و در لحظه عباس کامیاری شهید شده و بدینسان تیراندازی بین دو طرف یعنی از آن دسته که قبلاً در سنگرها مستقر بودند و دسته ای که بمنظور ورود به مقر در حال نشست بودند شروع می گردد و چنانچه اگر پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان خود را بموقع به

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نسر به جهان باریقی عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

محل درگیری نمی‌رسانید طرفین همدیگر را قتل عام می‌کردند.

صرف نظراً از اینکه دربارۀ شروع درگیری جریانات مختلف شرکت کننده در "کمیسیون تحقیق" هر یک جداگانه و متضاداً همدیگر را ظاهراً نظر کرده‌اند و علامه داده‌اند، صرف نظر از اینکه اگر پیش‌مرگان اتحادیه میهنی نمی‌رسیدند جز اینکه همان سه نفر باقی‌مانده این باندهم که پشت سنگی سنگر گرفته بودند از پا درمی‌آمدند، اما چطور شد که رفیق کاوه به عباس کامیارانی شلیک کرده؟ اما جنازه عباس روی جنازه رفیق کاوه بوده است؟ طبق گواهی پزشک و شهود حاضر در منطقه همه دیده‌اند که جنازه عباس روی جنازه رفیق کاوه بوده و معلوم می‌شود که اول رفیق کاوه شهید شده و بعد عباس کامیارانی کشته شده، بنا بر این چنین ادعائی صحیح نیست. ندارد که عباس کامیارانی هردو دست خود را بلند کرده و رفیق کاوه به او شلیک کرده است. اتحادیه میهنی بی‌بهره تلاش کرده است دلایل مردم پسندی اراشه دهد.

ع- "تحقیق و بررسی همه‌سنا دومدارک واقعیت را روشن و آشکار می‌سازد که شیوه کاک‌حمادشیبانی و همراها نش به مقر آقای توکل و همراها نش و در حالیکه کاک مصطفی مدنی هم در آن لحظه در مقر حضور داشته تنها بخاطر بیست نشستن و اعتصاب بوده و بهیچ عنوان قصد حمله به این مقر را نداشته و چنین فکری هرگز بفرکشان هم خطور نکرده است. این حقیقت حتی برای کسی که آگاهی متوسطی از جنگ و درگیری داشته باشد مثل روز روشن و آشکار است و اگر مسائلی غیر از این گفته شده گویا قصد تسخیر رادیو در کار بوده، تنها و تنها بهانه‌واری از حقیقت بوده و صرفاً جنبه توجیه مسئله سنگر بندی از قبیل اقدام به شروع تیراندازی و کشتار را داشته و در نهایت برای سرپوش نهادن به اتهامات و کشتار فوق‌الذکر بوده که سرانجام در نتیجه تحقیق و بررسی معلوم گردید مسئولیت آن به گردن آقای توکل و همراها نش می‌باشد."

جان کلام اتحادیه میهنی هم در همین جا تهفته است، حال که طرح اشغال رادیو "صدای فدائی" با یورش مسلحانه ناکام ماند، و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همچون کوه استوار برجای خود ایستاده است، بنا بر این اتحادیه میهنی هم، تا کتیک خود را عوض می‌کند و در راستای سیاست ضدیت با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فریاد بر می‌آورد! "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دو جناح شده و همه تفاقات اخیر هم‌گردن جناح افراطی توکل است که سالهاست در یک جبهه با امپریالیسم و رژیمهای دیکتاتور حاکم، و در جبهه‌ای دیگر با بورژوا - لیبرالها و

بورژوا - فرمیستها و سایر عوامل بورژوازی در افتاده و ابدگوش هم‌بها این حرفها بدهکار نیست که آنها در حال ایجا دجبهه متحدی هستند، بله، منافع طبقاتی اتحادیه میهنی اکنون ایجاب می‌کند هر طور شده، حال که بازی خطرناکی را شروع کرده به صورت برای خود و متحدینش طرفی ببیند، طرح ضربتی اشغال رادیو موفق نبود، باشد، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دو جناح شده؟! این سیاست اتحادیه میهنی و هم‌پیمانش در ضدیت با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد. ملاحظه می‌کنید تاکنون اگر علیرغم ادعاهای یوچ اکثر سازمانهای اپوزیسیون مبنی بر اتحاد عمل و ایجا دجبهه واحدی علیه رژیم جمهوری اسلام می‌کوچکترین گام عملی برداشته نشده است، اما درجهت ضدیت با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نه فقط در درون اپوزیسیون ایران بلکه در خارج از مرزهای ایران هم متحد پیدا شده است؟! البته از یک جنبه به نفع انقلاب است، توده مردم از هم‌اکنون پی به ماهیت واقعی همه جریانات بورژوازی خواهند برد.

سؤال: این روزها سازمانهای زیادی از عدم دمکراسی درون تشکیلاتی سازمان داد سخن داده‌اند، نظر شما دربارۀ آنها چیست؟

جواب: اکثر این سازمانها در عمل نشان داده‌اند که هیچ‌گونه باوری به دمکراسی ندارند چه رسد به دمکراسی درون تشکیلاتی، کارنامه این جریانات نشان دهنده این حقیقت است که هر کجا می‌بسته به قدرتش شیوه رعب و سرکوب را در سازمان نشان داده‌اند، آنها حتی هر فرد معترض را به شدیدترین وجهی تشبیه می‌کنند و دست‌آخوری را آنچنان در منگنه قرار می‌دهند که یا مجبور شوند صحنه مبارزه را ترک کنند و یا مثلاً مثل منصور خوش‌خبری خامنه‌و "راه‌کارگر" همه‌سنا دومدارک و محتویات جیبش را بگذارد و زدن دست این "دمکراتهای راه‌کارگر" در منطقه‌ها رسد پاریس خودش را زیر قطرانداخته و شقه شود. البته "راه‌کارگر" طی اطلاعیه‌ای برای سرپوش‌گذاردن بر روی این جنایت خود بدون اینکه اسمی از خود کشتی منصور خوش‌خبری خامنه‌و برد، اعلام داشت: منصور خوش‌خبری خامنه‌و "در سانه دلخراش قاطر در حومه پاریس درگذشت"، و یا مثلاً در سازمان مجاهدین که این روزها خیلی خود را طرفدار دمکراسی، آنهم از نوع درون تشکیلاتی‌اش جا می‌زنند، برای تشبیه معترضین نسبت به سیاست مرکزیت و خداگونه رجوی از تحت نظر قرار دادن و فشارهای روانی استفاده می‌شود تا شکنجه. این جریان هم اکنون نزدیک ۵۰۰ نفر از زندان‌های خودش در منطقه مرزی کردستان عراق نگاه داشته است که بیشتر آنها جرمشان شهید رفتن انقلاب‌آید شولویژیک رجوی - ابریشمی است. طی چند ماه گذشته از این عده سه تن با عبور از سیم خاردار زندان مجاهدین فرار کرده و به سازمان مایبوسته‌اند. آنها افرادی

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته

مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران بگرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

را تعلیم داده اند که متخصص شکنجه هستند و برای تشبیه افراد ابتدا از مشت و لگد شروع می کنند و بسته به مقاومت فـرد معترض به شیوه های کثیف دیگری آوری شوند، در این سازمان افراد برای اینکه نتوانند صدای اعتراض خود را بگوش کسی برسانند، در هر بخشی که باشند ابتدا به آنها نه ما موریت آنها را به کردستان می فرستند و در آنجا ابتدا خلق سلاح و سپس به زندان مرکزی رجوی هدایت می شوند، در خارج از کشور علیرغم اینکه افراد تشکیلاتی اینها در خانه های مخصوص و بدون ارتباط با دنیای خارج نگهداری می شوند، اما بغلت فشار محیط و در مجموع بخاطر جو خاکم در خارج، آنها اجباراً بیشتر با افکار و عقاید مختلف آشنا می گردند و رهبری مجاهدین را با شکل جدی مواجه ساخته اند، چرا که به محض اینکه به کسی پیشنهاد می شود ما موریت کردستان بگیرد، ابتدا ذهنش به بازداشت، شکنجه و تیرباران متوجه می شود و عموماً از گرفتن این ما موریت اکراه دارند، البته بجز آنها که خاصیت خداگونه رجوی را قبول دارند، آنها در مواردی حتی اعفاء خود را در خارج از کشور بهلاکت رسانده اند، آنها به یمن کمکهای بیدریغ امپریالیستها و مرجعین منطقه و از برکت ارتباطات بین المللی و دیپلماسی! هم اکنون زندانهای مختلف ایجاد کرده و از بیما رستانهای روانی برای سرکوب مخالفینشان استفاده می کنند، آنها هم اکنون چند نفر را در بیما رستانهای روانی نگاه داشته اند مثلاً در بیما رستان "اوبون - EAUBON" در شمال پاریس، و در نظر پزشکی فرانسه هم اکنون پرونده ای تحت بررسی است که یکی از مجاهدین که تحت نام بیما روانی در بیما رستان نگهداری می شود طبق نظریه پزشکان روانی نیست، علیرغم فرستادن چند شاهدا از جانب رهبری مجاهدین به بیما رستان و شهادت دروغین آنها مبنی بر روانی بودن فرد "متهم"، پزشکان هنوز دلایل آنها را نپذیرفته اند، حتی بیسوی آنها مات مضحکی زده اند که به دیگران حمله کرده است، در حالیکه پزشکان پس از تحقیق گفته اند، حمله بیما رحتت نداشته و ایشان سالم است.

ملاحظه کنید! نوقت این جریان آنقدر از عدم دمکراسی در درون تشکیلات ما به تنگ آمده که می خواهند خود را "فدا" کنند.

سؤال: حال که از دمکراسی درونی سازمان چریکات صحبت شد، در باره حزب دمکرات چه نظری دارید؟

جواب: حزب دمکرات کردستان که بدنبال تلاشی "شورای ملی مقاومت" و شکست بر نامه آنها برای ایجاد جمهوری دمکراتیک اسلامی با رئیس جمهوری بنی مرون نخست

وزیری رجوی مدتهاست سرگرم مذاکره با رژیم فـدخلق جمهوری اسلامی می باشد، یکی دیگر از جریاناتی است که طی چند سال گذشته بنام "دمکرات" همواره به عمل فـد دمکراتیک ترین شیوه ها علیه مخالفین درونی و بیرونی خود دست زده است، مثلاً دمکراسی نوع حزب دمکرات مدتهاست که اجازه نمی دهد سایر نیروهای انقلابی بسوی جبهه جنگ با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی عازم شوند و با بیانه قرار دادن دریافت برکه مخصوص و یکسری دلایل غیر منطقی دیگر، عملاسدی در جهت مبارزه انقلابی سایر نیروها ایجاد کرده است، این جریان که یکی از حاکمان جدی با تمدنی - شیبان است از همان لحظه حمله به "صدای فدائی" تا کنون از هیچ کمکی به این با نند خودداری نکرده است، از اتومبیل و سایر مکانات تدارکاتی بگیر تا در اختیار گذاشتن ساعت ها تلفن مخصوص حزب به این باند تشکیلاتی برای ارتباط با چند عنصر پاسبان و توده ای مسلک در خارج از کشور، این جریان "دمکرات" که تحمل کوچکترین انتقادی را نداشته و ندارد با رها تلاش کرده است تا با استفاده از روشهای غیر سیاسی مخالفین خود بربورد نماید، مثلاً حدود دو سال پیش، هنگامیکه مقاله "دوره بیشتر وجود ندارد" در نشریات سازمان چاپ شد و در آن با حزب دمکرات نیز برخورد شده بود، حزب چند عنصر غیر سیاسی مست را به مقر سازمان که آن موقع در "خورخوره" بود گسیل داشت و آنها با تهدید چاقو تهدید می کردند و قریباً می زدند نویسنده مقاله را باید فرستید بیرون از مقر تا ما به او بقیه مانیم یا کی در افتاده است! ادرادامه همین روش "دمکرات" منشا نه "حزب دمکرات" اکنون کار را بجائی رسانده است که در برنامهای رادیوئی خود بطور غیر مستقیم به جناحیت هولناک حزب دمکرات در سال ۵۹ که دستور دادند به مقر سازمان پیکار در ربوکان حمله کنند و بعداً زبه شهادت رساندن سه تن از اعضاء پیکار در همان مقر سر آنها را بریدند میاها می کنند، آنها قریباً دبر آورده اند که ببله اگر نمی دانید دمکرات کی هست! بدانید بودند کسان در بوکان که حرفهای می زدند و به چه سرنوشتی دچار شدند، و یکسری خرده فرمایشات از این دست، ببله ما بیاد داریم، خلق کرد و مردم سراسر ایران هم بیاد دارند و هرگز این جناح نیست را فراموش نمی کنند، حزب "دمکرات" مطمئن باشد، مردمی که زیر بار رنگ حکومت شاه و رژیم جمهوری اسلامی نرفته، هرگز زیر بار رنگ سلطه کسانیکه بخوانند به سایر نیروهای انقلابی حمله مسلحانه نکنند و سر آنها را که هیچ، حتی اگر سر دشمن را هم بخوانند ببرند، نخواهند رفت، اینگونه اعمال ریشه در تفکر و منافع طبقاتی رهبران حزبی دارد که خود را دمکرات می دانند اما اگر از اعمال و کردار ضد دمکراتیک آنها انتقاد بشود، آنوقت حزب دمکرات در درون سازمان - های دیگر با چاقو بدنبال نویسنده مقاله می گردد!!

حزب دمکرات کردستان که اکنون تعداد مخالفانش

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نرسه جهان بار فقی عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مکه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

بمرا تب بیش از موافقانش میباشد و طی بویژه یکسال گذشته تعداد زیادی از کمیته مرکزی، اعضا و جمع کثیری از پیشمرگانش از ادا مفعولیت با حزب خودداری کرده و جدا شده اند تاکنون با انواع شیوه های ضددمکراتیک و روشهای ارباب از فعلیت آنها در منطقه جلوگیری کرده است. حزب دمکرات اکنون بجای مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و شرکت در سرنگونی رژیم به مذاکره با رژیم پرداخته که هیچ معنای به جز کمک به دوام و بقا بیشتر رژیم جمهوری اسلامی نداشته و نخواهد داشت. آنها اکنون بیشترین انرژی خود را صرف ایجاد شکاف و پراکندگی در درون سازمانهای دیگری نماییند، به این امید که سازمانهای دیگر تضعیف گردند و از انسجام درونی آنها کاسته شود تا بموقع، قاطعانه نتوانند سیاست سازشکارانه حزب دمکرات را افشا و بر ملا سازند، بهر صورت این گونه روشها برای این جریان چاره ساز نیست و در نهایت حزب دمکرات بجز کمک به چند عنصر و مانده از مبارزه و ترور شده از صفوف سازمانهای انقلابی کساری از پیش نخواهد برد، ما تا کید می کنیم حزب دمکرات بجای مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی و کمک به دوام بیشتر این رژیم ضد خلقی به مبارزه جدی علیه رژیم جمهوری اسلامی و کمک به سرنگونی این رژیم مبارزت نماید، از صرف انرژی بیهوده برای ایجاد پراکندگی در صفوف جنبش انقلابی خودداری نماید و بیش از این از مبارزات انقلابی سراسری قاطعانه بگریزد.

سؤال: خبرهای رسیده از کردستان حاکی است که بعد از حمله به "صدای فدایی" و پس از تصرف مقر سازمان از طرف اتحادیه میهنی کردستان، در تاریخ نهم بهمن ماه به بهانه برگرداندن باند مدنی - شیبان، پاسداران رژیم جمهوری اسلامی در همان منطقه ترور می کنند، آیا ارتباطی بین این جایگزینی "مهمانان" و حمله به "صدای فدایی" از جانب اتحادیه میهنی کردستان بوده است؟

جواب: حدود پنج ماه پیش در جریان مذاکراتی که با آقای طالبانی داشتیم، ایشان مطرح کردند تا کنسول رفسنجانی چندین مرتبه از اتحادیه میهنی کردستان خواسته است تا از فعلیتهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ادا مکار "صدای فدایی" جلوگیری کنند، حتی مطرح کرد که رفسنجانی گفته اینها که محلی و متعلق به کردستان عراق نیستند، چرا اجازه دیدار منطقه شما بمانند، آقای طالبانی همچنین اظهار داشت: "ما انقلابی هستیم و زیر بار این خواسته رفسنجانی نمیرویم، از طرفی می خواهیم با سازمان شما رابطه دوستانه مان را حفظ کنیم، در این باره صحبت -

های مفصلی شد و متقابلا به ایشان یادآور شدیم، شما ممکن است بخواهید از تضادهای موجود در منطقه استفا ده کنید، اما نباید مداخله مشترک خود را با سایر جریانات انقلابی منطقه و همبستگی با سایر نیروها را مدنظر بگیرید، البته صحبت های زیادی در این باره صورت گرفت و ایشان تاکید داشتند هرگز خواسته رژیم جمهوری اسلامی را برآورده نخواهند کرد، بهر صورت اکنون زمان زیادی از آن گفتگوی ما با آقای طالبانی نگذشته است، می بینید که در عمل پیشنهاد رفسنجانی متحقق شده و عملا از فعلیت انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ادا مکار "صدای فدایی" جلوگیری شده است، البته ظاهرا نه به درخواست رفسنجانی و موافقت آقای طالبانی بلکه بدست مصطفی مدنی و حامد شیبان، اینکه آمدن پاسداران به آن منطقه و ترور آنها چه ارتباطی با حمله به "صدای فدایی" داشته است موضوعی است که قطعاً در آینده پس از تحقیق و بررسیهای لازم بطور مشخص ترمی شود راجع به آن صحبت کرد.

سؤال: تکلیف و سبیل تسلیحاتی و مخا براتی سازمان که اتحادیه میهنی در اختیار خود گرفته است چه می شود؟

جواب: اتحادیه میهنی کردستان حدود بیش از ده میلیون تومان وسایل سازمان را به بهانه نامن بودن منطقه و یکسری دلایل واهی دیگر به مقر دفتر سیاسی خودش منتقل نموده است، آنها برخلاف حتی ادعای خودشان در سند منتشر شده از جانب "کمیسیون تحقیق" که خود مدعی شده بودند وسایل و امکانات سازمان را در اختیار هیئتی مرکب از "نیروهای ایرانی" قرار خواهند داد، اکنون مستقیماً وسایل را در اختیار خود گرفته اند، البته از نظر ما در اصل هیچگونه فرقی نداشت که وسایل سازمان در اختیار "نیروهای ایرانی" قرار گیرد و یا در اختیار آقای طالبانی، اصولاً این کار به معنای دخالت در امور داخلی سازمان محسوب می شود و عملی است ضددمکراتیک و غیر منطقی، علاوه بر این اتحادیه میهنی برخلاف ادعای قبلی اش در سند "کمیسیون تحقیق" بخشی از امکانات انتشاراتی سازمان را به باند مدنی - شیبان داده و طی نامه ای رسماً به سازمان نوشته اند که آنها را بطور "امانت" در اختیار این باند گذارده اند، این امر نشان دهنده این واقعیت است که اتحادیه میهنی خود را موظف بدرا عایت هیچگونه اصول و پرنسیپی نمی داند، حتی اگر از جانب خودش بطور علنی هم در سطح جنبش نوشته و امضا شده باشد، آنها تاکنون چندین مرتبه کتباً و شفاهاً از سازمان خواستار تقسیم وسایل موجود در مقر رادیوی سازمان شده اند و در پاره ای موارد هم تهدید کرده اند که اگر سازمان زیر بار تقسیم وسایل نرود، آنها بخشی از وسایل تسلیحاتی و مخا براتی را به باند مدنی - شیبان خواهند داد، در صورت اتحادیه میهنی مطمئن

کشتکوی چندتن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بار فنیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مطبوعه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

باشد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نه فقط زیربار سنگ دخالیت آنها در امور داخلی سازمان نرفته و نمی رود، چه برسد به تقسیم و سالی که از دسترنج کارگران و زحمتکشانی ایران تهیه شده است تا در خدمت اهداف انقلابی سازمان قرار گیرد. اتحادیه میهنی اگر هزار بار دیگر هم به ما پیشنهاد تقسیم و سالی را بدهد هزار بار دست رد بدستینش خواهد خورد. ما از یک ریال و سالی که آنها در اختیار دارند نخواهیم گذشت و مجدداً به آنها یادآور می شویم کلیه و سالی و امکانات سازمان را به نماینده کمیته کردستان سازمان در منطقه تحویل دهند. اما در صورتیکه آنها دست به ماجراجویی بزنند و بخواهند بدلائل واهی بخشی از و سالی موجود در مقر رادیوی سازمان را به باد ندمندی - شیبانی بدهند، از نظر ما این یک عمل شرارت آمیز محسوب می شود، ما از هم اکنون مسئولیت عواقب بعدی اینگونه اعمال ضد مکر استیجک و دخالتهای بیجا در امور داخلی سازمان را بعهده مکر استیجک و مکر استیجک کردستان ایران و اتحادیه میهنی کردستان عراق می گذاریم.

سؤال : سرنوشت باند ندمندی - شیبانی و اصولاً افرادیکه به سازمان خیانت می کنند چه می شود؟

جواب : افرادیکه به سازمان خیانت کنند و در سازمان بعنوان خائن شناخته شوند، بسته به نوع خیانتشان قطعاً مجازات خواهند شد. در گذشته نیز بودند افرادی که بعلت خیانت به سازمان و خلق در دادگاه انقلابی سازمان محاکمه و مجازات شدند. در همین رابطه مسئله قابل تعمقی وجود دارد و آن اینکه طی چند سال گذشته بعلت اوج گرفتن مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک بین سازمانهای مختلف که خود وجهی از مبارزه طبقاتیست، بعضی جریانها که تا ب تحمیل این مبارزه رانداشته اند، برای مقابله با سایر جریانات و در حقیقت برای جبران عقب ماندگی خود به فکر استفاده از خائنین به سازمانها افتاده اند و بعضاً تا آنجا پیش رفته اند که آن عناصر خائن را به جنبش خادم و انقلابی معرفی کرده و حتی به عضویت سازمان خود پذیرفته اند. این عمل شنیع که خود بیان کننده ماهیت طبقاتی و انحطاط و ورشکستگی این سازمانها می باشد در اصل بعلت رویگردانی آنها از مبارزه اصولی و سرپوش گذاری بر ناسوانی نظری آنها صورت گرفته است. اما در باره باند ندمندی - شیبانی ما در هر موقع و هر جا که سازمان ملاحظه بداند آنها را مجازات می کنیم، ما هرگز توسطه مسلحانه این خائنین به خلق و خود - فروشی آنها را بی پاسخ نخواهیم گذاشت. در این میان هستند جریاناتی که هنوز از سرنوشت رقت انگیز رهبری

مجا همدین و سازمان سازی بی هویت آنها در سال ۶۱ درس عبرت نگرفته اند، آنها بطور مستقیم و غیر مستقیم سعی در تقویت این باند خائن می نمایند. این جریانها که از احساس مسئولیت سازمان در مقابل جنبش و عدم اعتقاد ما به مقابله به مثل سوء استفاده کرده اند، مدتهاست تلاش فوق العاده ای را بکار گرفته اند تا از این طریق موجبات تضعیف جنبش کمونیستی، بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را فراهم سازند، با اینهمه یکبار دیگر به کلیه جریاناتی که خط مشی خود را بنسبتی از عناصر مرتد و خائن به خلق قرار داده اند و بیپهوده تلاش می کنند از این طریق سازمان چریکهای فدائی خلق را تضعیف کنند یادآور می شویم این عمل آنها تنها بسود رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی تمام خواهد شد.

همانگونه که تاریخ پر افتخار ما زنده سالها سازمان نشان می دهد ما همواره در کنار مبارزه بیامان خود علیه رژیمهای دیکتاتوری حاکم بر ایران، مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک و افشای بیرحمانه همه جریانات غیر پرولتری را در سطح جنبش دادمان زده ایم و به این سیاست خود ادا می خواهیم داد. گواه این حقیقت مبارزه و مقاومت قهرمانانه و پر افتخار سازمان ما در مقابل رژیم دیکتاتوری شاه و رژیم جمهوری اسلامی می باشد. اگر هنوز افرادی پیدا شوند این حقیقت ساده را نفهمند که از طریق تقویت افراد مرتد و بی مقدار نمی توانند به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لطمه ای وارد سازند، بگذار هر چه بیشتر ما هیئت عوام فریبانه خود را در برابر توده مردم فاش و بر ملا سازند، ما با عزمی راسخ و سرفراز به راه پرافتخار خود ادامه خواهیم داد.

"کل همین جا ست، همین جا برقص"

ضمیمه

متن مکالمه بیسیسیم بین مرکز ارتباطات خارج از کشور و

مقر رادیوی سازمان

به دلیل مسایل امنیتی، بعضی مطالب را (که در این سوشه به صورت نقطه چین مشخص شده است) از متن اصلی گفتگو، که بر روی نوار موجود است، حذف کرده ایم. در این نوشته همه جا "الف" منظور رفرنسی فدائی مستقر در مرکز ارتباطات در خارج از کشور می باشد و "ب" عنصر

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته

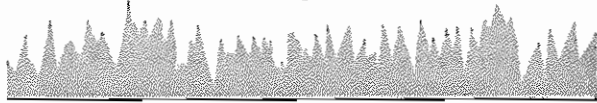
مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان جریکهای فدایی خلق

ایران بیرامون جمله سلطانه به مرکز فرستنده راهپو صدای فدایی

خانگی بنام مهدی از باند مدنی - شیبانی است که از جانب اتحادیه میهنی کردستان عراق به وی تکلیف شده بود خود را "د" یکی از رفقای مستقر در بخش ارتباطات سازمان در کردستان معرفی نماید. اتحادیه میهنی از روزنهم بهمن ماه همزمان با انتقال باند خائن مدنی - شیبانی از مقر اتحادیه میهنی به مقر آدیوسا زمان سه روز تلاش کرد تا این عنصر خود فروخته را بجای رفقای ما جابزند.

قبل از ضبط این مکالمه از طرف اتحادیه میهنی که آن موقع (بعد از ۹ بهمن ماه) در مرکز ارتباطات راهپو صدای سازمان مستقر شده بود به ما اطلاع دادند که رفقای مسئول در مقر آدیوسا زمان جهت مذاکره با آقای طالبانی همگی در دفتر سیاسی اتحادیه میهنی هستند و با آورشند از این پس کلیه تصمیمات این نشست وسیله آنها (مهدی) به ما اطلاع داده خواهد شد! مکالمه بین رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خارج از کشور و عنصر اجیر شده ای از طرف اتحادیه میهنی به نام "مهدی" می باشد.

رهبری اتحادیه میهنی کردستان با زیر پا گذاشتن کلیه اصول و پرنسیپهای انقلابی و با ارتکاب جنین اعمالی نشان داد که از هیچ تلاشی در جهت نفوذ و ضربه زدن به سازمانهای انقلابی فروگذار نمی باشد، و در غیر این صورت اجیر کردن فردی از باند مدنی - شیبانی و تکلیف کردن به وی تا خودش را "د" معرفی کند آنهم در کنار رهبران اتحادیه میهنی به چه معناست؟! آنها ابتدا مطرح کردند پیا می از جانب رفقای مستقر در مقر آدیوسا راهپو صدای رفقای مرکز ارتباطات خارج از کشور در آند (مضمون پیام این بود که نماینده اتحادیه میهنی را جهت صحبت با اتحادیه میهنی در کردستان به مرکز ارتباطات خارج از کشور بیاوریم؟! پرسیدیم آیا پیا می دیگر برای خود ما نیست، جواب دادند خیر.



الف: می گویم، آنوقت که رفقا می رفتند پیا می، چیزی برای ما نگذاشتند؟

ب: وقتی که رفتند، چون پیشمرگان اتحادیه میهنی آمدند و آنها را برداشتند و بردند.

الف: بله

ب: ... صدای مرا می شنوید؟

الف: بله، بله

ب: یک پیام فوری دارند که ترجمه اش می کنند به فارسی،

دارند تغییرش می دهند به فارسی تا من برای آن بفرستم. این پیام نیز مربوط به خود اتحادیه میهنی و نماینده شان بود.

"علیرغم اینکه چندین مرتبه به مهدی گفتیم که تو رفیق "د" نیستی اما او اصرار داشت که وی رفیق "د" می باشد با اینهمه مجدداً از او پرسیدیم.

الف: شما همان رفیقی هستید که اولش "دال" است و آخرش هم "..." است، درسته؟

ب: بله، بله

الف: راجع به آن ... رفیق پیا می دادند یا خود دوستان پیا می دادند؟

منظور از دوستان اتحادیه میهنی می باشد.

ب: این پیام از طرف اتحادیه میهنی است که توسط آن رفیق ارسال می شود.

(آن رفیق منظوریکی از رفقای مرکزیت می باشد)

خوب توجه کنید، طبق این ادعا یعنی رفیق عضو مرکزیت سازمان پیام اتحادیه را فرستاده که ما به نماینده شان در خارج بدهیم، در آند مه همین گفتگو متوجه خواهید شد که این فقط یک دروغ محض بوده است.

الف: بله، بله

الف: یعنی شما از طرف اتحادیه میهنی هستید، آره؟

بعد از این سؤال، مهدی گجج شده بود و نمی دانست چه بگوید در حالی که با فرد دیگری صحبت می کرد بطور عصبی ادا می داد:

ب: ته بندده، آلان، من صدای مرا می شنوی من از طرف رفقا آدم، از آنها نیستم پیا می رفقای اتحادیه میهنی را

دارم برای شما می خوانم این رفقا آلان امکانش نیست بیایند یک سری از رفقا مثل کاک (ع) رفیق (ع) (با رفیق (آ))

آلان آنجا هستند، توی جلسه اند صحبت می کنند و هرچی صحبتی چیزی باشند نتیجه های اینها توسط من به شما انتقال داده می شود، از طریق اتحادیه میهنی من با اینها صحبت می کنم

که اینها از آنجا برای من بیاورند هر کاری که اونجا

نتیجه گیری می شود، متوجه می شوید

الف: بله

از آنجا که در ابتدای صحبت (بیش از نیم ساعت به آنها) تذکر داده بودیم که بدون اینکه رفقای مسئول در

مرکز ارتباطات حضور یا بند گفتگویی صورت نمی گیرد و آنها نیز اصرار داشتند که این خواست اتحادیه میهنی است، و

با فشاری می کردند که فرد مسئول هم از جانب سازمان حضور دارد رفیق "د" یعنی (مهدی خائن)، سرانجام به نمایندگان

اتحادیه میهنی اطلاع دادیم تا زمانیکه رفقای مورد نظر ما یعنی یکی از دو عضو مرکزیت سازمان که در مقر حضور داشتند

و نه رفیق "د" (ا) جهت صحبت با ما نیاید ما هیچگونه ارتباط جدی برقرار نخواهیم کرد، متقابلاً آنها از ما درخواست

کردند که ما می توانیم به صحبتها یمان ادا می دهیم تا آنها

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مطحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

تصمیمات لازم را با مشورت دفتر سیاسی اتحادیه میهنی اتحادیه میهنی آنها پس از ۲۰ دقیقه چنین گفتند:

"با استناد به پیامی که داده شد (منظور صحبت های دو طرف) بی سیم و امکانات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فعلا در اختیار این سازمان نمی باشد، چون شرایط اجازه نمی دهد، بلکه این امکانات در اختیار اتحادیه میهنی کردستان عراق می باشد حال ما با کاک... (نماینده اتحادیه در خارج از کشور) برای حل مسائل خودمان، با او کار داریم." از بیانی آنها این بوده است که چون دوتن از رفقای مرکزیت ما آنجا هستند بنا بر این، ما برای جلوگیری از تیره شدن روابط و احیانا جلوگیری از اتفاقات دیگر تسلیم این خواست آنها خواهیم شد! اما بزودی دریافتند که هرگز تسلیم درخواست آنها نخواهیم شد و همانگونه که در زیر خواهد دید بتدریج تاکتیک خود را عوض کردند.

ب : جواب این را چی می دهید

الف : از قول من به شان بگوئید که اول این مسئله نیست که ما با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم و قبل از اینکه صحبت کنیم برایمان مقدور نیست، متوجه هستید چی می گوئیم، بگوئید صرف نظر از این پیامی که فرستادید که این یک برخورد غیر منطقی است و کاری ندارم که اصلا به این مسئله بپردازم ولی درباره خواست شما

ب : چند لحظه اجازه دهید

الف : درباره خواسته شما با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم و قبل از اینکه صحبت کنیم برایمان مقدور نیست چون ما با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم، متوجه هستید.

خواست آنها این بود که هر طور شده نماینده اتحادیه میهنی به مرکز ارتباطات سازمان در خارج از کشور آورده شود!!

ب : یکبار دیگر این قسمت آخر را صحبت کنید ببینم چی می گوئید متوجه نشدم.

الف : گفتیم که برای اینکار، برای ایجاد ارتباط با هر کس ضرورتا با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم و قبل از اینکه با رفقای خودمان صحبت کنیم برایمان مقدور نیست. بلکه گفتیم ضرورتا با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم بعدا همانطور که قبلا گفتیم اگر ضرورتی باشد ایشان را می آوریم به مرکزی که بتوانند تماس بگیرند.

ب :

الف : بله، بله

ب : پس شما صبر کنید تا اینها را منتقل کنیم و جواب بگیریم باشد.

الف : ببین، بگو که بهتره که ما یک صحبتی با رفقا یمان

بکنیم.

ب : چند لحظه اجازه بدهید... صدای ما را می شنوید
الف : بله، بله

ب : رفقای اتحادیه میهنی می گویند جواب این مسئله را که ما چون اینجا مکان این نیست، امکانی وجود ندارد که ما با آنها تماس بگیریم ولی جواب این مسئله شما را که می توانید با آنها صحبت کنید وقتی که دوباره ساعت... تماس برقرار می کنید به شما می گوئیم که آیا آن رفقا می توانند با یدبا رفقا یمان صحبت کنند یا نه، متوجه شدید؟

الف : بله، بله. ببینید، بهتره که بهر صورت یک پیامی فوری بفرستید یکی از رفقا یمان پیام صحبتی را بکنیم یا نه بهتر است.

ب : من این مسئله صحبت را منتقل کردم و گفتند ساعت... جواب می دهیم، یعنی ساعت دیگر که شما با ما تماس می گیرید
الف : می گوئیم، که از قول من یک پیام دیگر هم بدهید... متوجه هستید؟ بگوئید آن رفقا یمان که حالا آنجا هستند، یکی از رفقا یمان بیایند، یکیشان، تا ما صحبتها یمان را بکنیم، یعنی یکیشان حتما تا ساعت... آنجا باشند.

ب : ... جوابی که تا کنون دادند می گویند الان امکان ندارد مگر اینکه تماس بگیریم و صحبت کنیم با رفقای اتحادیه میهنی اگر آنها به... آن موقع مشخص می کنیم که آیا می توانند تماس بگیرند... گفتند آن موقع جواب این مسئله را به شما می دهیم.

بعد از اینکه متوجه شدند اولتیماتوم آنها کار ساز نیست، روش نرمتری را پیش گرفتند و بنا شد دوباره مشورت کنند و قرار ساعت... را گذاشتند.

الف : می دانم، داریم می گوئیم که شما یک پیغام از طرف من همین الان با بی سیم به آنها، به رفقای ما بدهید.

ب : که چی؟

الف : شما تماس بی سیم دارید، الان این پیام را بدهید از قول ما به ما مجلال، بگوئید که یکی از رفقا را سریعتر، فوراً بفرستند که ما ساعت... با آنها صحبت کنیم.

ب : باشد، باشد... صدای مرا می شنوید

الف : بله

ب : طبق پیامی که اینجا برای ما می آورند و صحبتی که می کنند و می گویند که درباره همین موضوع که صحبت شده می گویند باید صحبت بشود و رویش تا اینکه ساعتی که ما تماس داریم مشخص کنیم که آیا می توانند یکی از رفقا یمان با شما صحبت مستقیما بکنند یا خودش مستقیما صحبت بکند. یعنی از رفقای خودمان یعنی رفیق (ع) یا یکی از رفقایا، نه، سه ساعت دیگر که ما با شما تماس داریم جواب همین را به شان می دهیم

الف : باشد، بهر صورت ما می توانیم منتظر بمانیم

ب : کاری ندارید؟

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله سلطانه به مرکز فرستنده رادیو هدای فدایی

الف : کار دیگری نداریم، سعی کنید که حتما یکی از رفقا ساعت ... بیایند
 برای اینکه بدانیم مهدی که مدعی است پیا مها و تصمیمات رفقا به روی اطلاع داده می شود چه ارتباطی با رفقا دارد، می پرسیم :
 الف : شما می توانید با آنها تماس بگیرید یا نه ؟
 جواب می دهد :
 ب : ... فقط غیر مستقیم می توانیم با آنها صحبت کنیم درحالی که قبلا گفته بوده همه تصمیمات به من مستقیم انتقال داده می شود .
 الف : بله ، خوب غیر مستقیم که می توانید صحبت کنید ، این را می توانید با ایشان در میان بگذارید که فلانی گفته که حتما ساعت ... یکی تا ن بیائید که صحبت کنیم
 ب : باشد ، باشد ، الان کاری دیگری ندارید شما ؟
 الف : نه کاری ندارم .
 ب : پس من قطع می کنم ۳ ساعت دیگر از همین ساعت همین حالیه این وقتی که در ریم ۳ ساعت دیگر با شما تماس می گیریم .
 الف : یعنی ساعت ... (بدلیل امنیتی ساعت حذف شده)
 ب : به ساعت ما می شود ساعت ... باشد ؟
 الف : باشد ، باشد
 ب : کاری
 الف : نه تلاش کنید که حتما یکی از رفقا بیاید از قول مسن بگویید حتما یکی تا ن بیائید برای صحبت لازم است
 ب : باشد ، باشد من همین را می گویم - کاری ندارید
 الف : نه خدا حافظ
 اتحادیه میهنی قزلباشی می از فردی خواسته بودند که شخص مورد نظر آنها پیام را داده بود در اینجا دور بعدی گفتگوی ما با آنها شروع می شود .
 الف : صدای مرا می شنوی ؟
 ب : بله ، بله
 الف : این دوستان می خواست بدانند که شما که پیام را می گیرید دقیقا اسمتان چیست که ما به او بگوئیم
 ب : "د" ...
 الف : می دانم ، این اسم را ایشان می شناسد ؟
 نحوه سؤال ما در اینجا آکا ها نه طوری است که برای آخرین بار به این عنصر خود فروش حالی کنیم که ما می دانیم تو "د" نیستی ، اگر نه ، خودمان خوب می دانستیم که فرد مورد نظر "د" را نمی شناسد ، اما وی با زهم بطرز کودکانه ای اصرار داشت که "د" می باشد و جواب داد :

ب : من نمیدانم می شناسد یا نمی شناسد - شما اسم مرا می خواهید من گفتم ، من را بطم
 الف : می دانم آخر به این اسم وقتی من بگویم شما را می شناسد که من بگویم به ایشان دادیم پیا مرا ؟
 ب : ... اینجا کسی که پیا مرا می گیرد اسمش ما موستانا ظم است
 الف : باشد ، گرفتیم ، ما می گوئیم به صورت به ایشان دادیم آره ؟
 ب : ایشان الان ... و منتظر گرفتن پیام هستند
 الف : به صورت ایشان بزودی خودشان تماس می گیرند - متوجه هستید چی می گویم ؟ ایشان گفتند که من توضیح بیشتری الان ندارم بدهم سلام رسانند و گفتند من بزودی تماس می گیرم - متوجه هستید چی می گویم
 ب : ... قبل از اینکه پیا مرا شروع کنید اسم رفیقمان را که اینجا هستند تکرار می کنیم که درست و کامل گرفته باشد ما موستانا ظم
 الف : تکرار کن
 ب : ما موستانا ظم
 ب : ... نام پیا مدهنده را یکبار شما تکرار کنید
 الف : ببین ، نامش را ما نمی توانیم تکرار کنیم شما نیز لطفا تکرار نکنید
 ب : چند لحظه صبر کنید ... باشد !
 الف : ایشان تا کیددا شتند و می گفتند که تعجبم که چرا اسم مرا آوردند و چرا اینطوری شده و در هر صورت از من خواستند و تا کیددا شتند که اگر مکان داشت ما اسم ایشان را بگوئیم (فردیکه پیا مرا می گیرد) که ما اسم ما موستانا را به شما می دهیم و تا کیددا شتند که این مسائل را به خود ما جلال انتقال دهید گرفتید ؟
 ب : بله ، گرفتیم
 الف : به صورت شما می دانید که پیا مرا چه دوستی داده ، همان ...
 ب : بله ، بله ، الان او پیش شماست ؟
 الف : الان نیست ولی چند لحظه بمانید روی فرکانس تا من الان یک جواب دیگر به شما بدهم
 ب : فقط یک چیزی این رفقا می گویند که آنکه این پیا مرا داده کار ملا در جریان نبوده
 منظور ما بنده اتحادیه میهنی در کردستان است که بدون در نظر گرفتن مسائل امنیتی چند اسم را قبلا زبی سیسم خوانده بودند در نظر داشته باشد که اسمی را اتحادیه میهنی داده بود مهدی آنها را بطور زنده خواند .
 الف : به صورت شما روی فرکانس بمانید و منتظر است ممکن است که اگر بتوانیم تماس بگیرد
 ب : باشد ، باشد ، اینجا ما می دانیم منتظر ایشان ، این رفقا می گویند ما اینجا پیا می ، کاری نداریم اگر آنکه آنجا نشسته

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشر به جهان یار فیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون جمله مطحانه به مرکز فرستنده رادیو هدای فدایی

پیا می چیزی داردمی تواندبرایمان بفرستد منظورا زآنکه آنجا نشسته ، فردموردنظر خودا تحادیه میهنی می باشد که برایمان پیا فرستاده .

الف : ببینید ، الان ایشان اینجائانشسته ، ایشان جایی دیگری هستند که با این مرکز در تماس است

ب : بله ، بله ، می گویند اگر پیا می دارند برای ما بفرستند
الف : با شیدا من انتقال بدهم پیا شما را مجددا اگر پیا می دادند به شما بدهم . (پس از چند دقیقه ادا می دهیم)
صدای مرا می شنوی - ایشان می گویند که من الان منتظر کسی دیگر هستم و جای دیگر و جای دیگر را با پدیمایم برای گرفتیم پیام دیگری می گویند موقعی که آن پیا مرا گرفتیم و پیا ما را تا امشب می گیرم و پیا می که دارم برایمان می فرستد

ب : بله ، بله

الف : می گوید الان پیا خاصی ندارم
ب : بله ، بله

الف : اگر شما باز پیا می ، صحبتی دارید می توانید بگوئید ایشان خودشان می شنود ، ولی می گفتند صدایشان به شام نمی رسد
ب : صحبت خاص یا پیامی برای ایشان ندارم و منتظر پیا م ...

الف : بله ، چون صدا خراب است ممکن است ایشان درست متوجه نشده باشند یا جا ز به بدهید من دوباره حرف شما را تکرار کنم ، صدای مرا می شنوید ، ایشان خدا حافظی کردند و گفتند در هر صورت من امروز با پدیمایم برای انجام کاری و به محض اینکه پیا می آید به شد برایمان می فرستم ، متوجه شدید ؟
ب : پیا می ما کاری دارید شما الان

الف : ما کاری نداریم - کار خاصی نداریم بهر صورت کارمان که قرار می بگذاریم برای فردا صحبت کنیم
ب : رفقا "یه کتین" اینجا معتقدند که برای فردا یک قرار

داشته باشیم ساعتی که امروز تماس گرفتیم ساعتی که امشب تماس گرفتیم ، شما اگر کاری ندارید تماس را قطع کنیم
الف : الان که ما کاری نداریم شما ببینید آنجا کسی با ما کاری ندارد ؟

ب : الان هیچکس با شما کاری ندارد ، ما هم با شما کاری نداریم و تا فردا سرمان ساعتی که امروز تماس گرفتیم خدا حافظ می کنیم

الف : باشد ، خدا حافظ

در حالیکه رفقای ما در همان مقر حضور دارند و از تحادیه میهنی می پرسیم ببینید کسی با ما کاری ندارد ، آنها "بیطرفانه" و "مسئولانه" می گویند "هیچکس با شما کاری ندارد ؟!"

مجددا در نوبت بعدی تماس ما به آنها تا کید کردیم که حاضر

نیستیم با آنها گفتگویی داشته باشیم ، چرا که اکنون دیگر تمام نیرنگهای آنان برایمان فاش و برملا شده بود و ادا مه این گفتگو فقط می توانست لطافت بیشتری را از جنبه امنیتی متوجه تشکیلات ما بنماید . آنها نیز همچنان اصرار داشتند هر طور شده این ارتباط را حفظ کنند .

الف : متوجه هستید ، ما بدلائل امنیتی فقط می توانیم با رفقای خودمان این ارتباط را ادا می دهیم

ب : چند لحظه ... تکرار کنید

الف : از قول من به دوستان "یه کتین" بگوئید ، ما به بدلائل امنیتی این ارتباط را فقط با رفقای خودمان می توانیم ادا می دهیم

ب : بله

الف : ادا ما این ارتباط به این صورت از لحاظ امنیتی صحیح نیست

ب : ادا می دهید

الف : همین ! شما از قول ما به دوستان بگوئید ارتباط به این صورت صحیح نیست و بهتره که اگر امکانش نیست که ما با رفقا تماس داشته باشیم فعلا این ارتباط را قطع کنیم
ب : تکرار کنید

الف : این ارتباط به این صورت صحیح نمی باشد و به نفع منافع مشترک انقلابی ما نیست . بنا بر این اگر امکان ارتباطی از کانال رفقای خودمان میسر نیست بدلائل فوق الذکر از امروز این ارتباط قطع می شود . تمام

ب : چند لحظه صبر کنید بعد جواب می دهند :

ب : بسیار خوب ، از این پس ارتباط نمی گیریم اما آنها روزانه سرخط بیا بیند ما را لازم باشد

الف : منظور یعنی ما هستیم

ب : بله ، بله ، شما روزانه بیا بید سرخط ولی تا زمانیکه خودمان نخواهیم تماس بگیریم ... با شما تماس نمی گیریم ، متوجه شدید

الف : بله ، بهر صورت ما وقتی که ارتباط قطع می شود برایمان مقدور نیست ، یعنی بستگی دارد که کی می خواهد تماس بگیرد ، یعنی رفقای که اینجا می مانند با پدیمایم با یکی ارتباط می گیرند ، متوجه هستند ؟ چی می گویم

ب : بله ، بله . متوجه هستم اینجا دوستان همین را متذکر می شوند ، توضیح بیشتری این است که شما روزانه سرخط بیا کنید که اگر خودمان یک زمانی خواستیم ارتباط بگیریم درست طبق برنامه بتوانیم ارتباط داشته باشیم (خودمان !)

الف : بهر صورت ببینید این رفقا اگر رفقای ما که مشخصا می شناسیم چه کسانی هستند ، آنها نبا شدند رفقای اینجا جوابی با سخی نمی دهند ، متوجه هستید چی می گویم .

ب : تکرار کنید

الف : اگر که رفقای ما ، آنها بی که مشخصا با صدایشان آشنا

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نرس به جهان بار فیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بپرامون حمله مطحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

هستم، رفقا، رفقای که پای دستگا ه میمانند اگر آنها رفقای ما نباشند، آنوقت اینجا مجاز نیستند که متقابلاً چیزی بفرستند، ممکن است بگیرند ولی نمیفرستند، متوجه هستید چی میگوئیم؟

ب: جواب بیا می گه دادند. مطرح کردند اگر لازم باشد خودتان ارتباط بگیرید، اگر الان هم کاری ندارید ارتباط را قطع کنیم

الف: ببینید، اگر ما رفقا را بگوییم هر روز روی فرکانس باشن، متوجه هستید

ب: بله
الف: اما این در صورتی است که بتواند ارتباط متقابل بگیرند که رفقای ما از آن طرف صحبت کنند در غیر این صورت هر چه گفته می شود فقط یا دداشت می کنند و متقابلاً صحبت نمی کنند، به دلایل امنیتی، چون مسائلی است که درست نیست که ما الان از این طریق بیشتر به شما توضیح دهیم

ب: بله، شما ساعتش را مشخص کنید
الف: اسن تا چند روز ادا می پیدا می کند؟

ب: نمی دانم تا چند روز فقط شما ساعتش را مشخص کنید
الف: ببینید، رفقا خودشان ساعت قبلی را دارند اگر که خواستند صحبت کنند بگوئید که ما روی ساعت قبلی و فرکانس قبلی می توانیم هر روز دستگا همان، باشد می توانند تماس بگیرند.

ب: منظور همان ساعت ۷ را می گوئید
این ساعت را این عصر حاش از خودس در آورده بگذرد، ما هر کجایی ساعتی بدستیم.

الف: نخیر، اگر شما به رفقا بگوئید می دانند، بگوئید که روی فرکانس قبلی و ساعت قبلی هر روزی که آنها خواستند می توانند با ما تماس بگیرند

فردا حیر شده برای حوس رقی دوا ره حنین ادا مه داد:

ب: ساعت قبلی و فرکانس قبلی را من می دانم، من مطرح می کنم ۲ تا دستیم، یکی داشتیم از قبل قبل بود که هر

روزه شما سمان بود یکی چند روز قبل بوجود آوردید
مهدی معجوسب هر طور شده فرکانس مورد نظر ما و رفقا را بهمدویه این منظور بست سر هم یکدستی میزد.

الف: نه ... این را رفقا می دانند کدام است، اینها نیست، شما نمی دانید آن ساعت را! شما فقط همین جمله را بگوئید! بگوئید اگر خواستید با ما تماس بگیرید روی آن ساعت قبلی و فرکانس قبلی می توانید هر روز و هر شب با ما تماس بگیرید!
ب: بهر حال ما اگر ... این ارتباط را برقرار کنیم در حالی دوستانه که آنها هستند مطرح می کنند و فقط آن

ساعت که شما می گوئید می خورد به عصر آن فرکانس هم که می گوئید فرکانس قبلی یا شینی است. هزار و خورده ای است و بهمین دلیل با توجه به آب و هوایی که اینجا هست نمی خواند ولی مگر اس عصر بست سرم دارد؟ حرعلائش را تکرار می کند تا صد تبری سه ناریکی "حسری برای اربا باش بدست آورد.

الف: بهر صورت ببینید شما این را بگوئید به رفقا و همینطور به دوستان ما روزهای معینی و ساعتی معینی که رفقا خودشان اطلاع دارند، ساعت قبلی و فرکانس قبلی اگر خواستند می توانند با ما تماس بگیرند اگر که بپرد لیسل ستوانستند به لحاظ امنیتی این کار به آن صورت درست نیست
ب: فقط نکته ای که یاد گرفته بود، ما طبق معمول با شما تماس می گیریم همین ساعت که با شما تماس گرفتیم فرکانس امروز با شما تماس خواهد گرفت.

الف: باشد، باشد، به همه سلام برسائید، خدا حافظ

باوضحایی که بعد از رفتن مستقر در مفر را دیو دادند معلوم شد که در همان لحظاتی که آنها در مبهنی به دروغ ادعا می کرده اس که همگی رفقا در مفر دفتر سیاسی اتحادیه مبهنی برای "مداکره" میمانند، آنها در مفر را دیو سوده اند، حال رسیدن اس آ تا حیس حرانی طلا حیسب "کمیسون تحقیق" دارد؟! آ تا حرانی که آننگار از اربان مدیسی شبانی به دفاع سرحاسته و خود یکی از احمان حمله به صدای فدایی بوده اس و برای نمودن در تشکیلات سازمان امراد خان را به خدمت گرفته، و در جهت لطمه زدن به سازمان به شیوه های عوام فرسا به ای متوسل شده اس، نتیجه تحقیقات حسری جز قطعاً به غلبه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خواهد بود؟! مردم فضاوت کنید.

کمکهای مالی خود را به حساب
AAH 739066 F
Credit Lyonnais
134 Bd. Voltaire
75011 Paris
France

واریز نمایید و رسید بانکی را به همراه کد دلخواه خود به نشانی زیر بفرستید

ACP
BP 54
75261 Paris. cedex 06
France

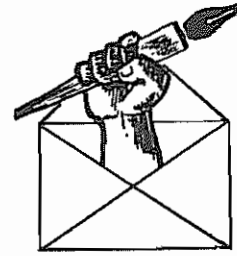
**با کمکهای مالی خود
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
را در امر انقلاب یاری رسانید**

میتوانید نشریات "کار" ریگای گال، "بامی استار" و "جهان" را از نشانی های زیر درخواست کنید

۶ شماره - ۱۵۰ تلنگ ۱۲ شماره - ۲۹۰ تلنگ	I.S.V.W. Postfach 122 Post AMT 1061 Wien, Austria	اتریش
۶ شماره - ۲۰ مارک ۱۲ شماره - ۳۵ مارک	R.E. Postfach 831135 6230 Frankfurt M80 West Germany	آلمان غربی
۶ شماره - ۸ دلار ۱۲ شماره - ۱۵ دلار	Hadi P.O.Box 419 N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.	آمریکا
۶ شماره - ۶ پوند ۱۲ شماره - ۱۱ پوند	O.I.S BM Kar London WC1N 3XX England	انگلستان
۶ شماره - ۱۲۰۰۰ لیر ۱۲ شماره - ۲۲۰۰۰ لیر	Masoud - M C.P. 6329 Roma Prati Italia	ایتالیا
۶ شماره - ۵۰۰ فرانک ۱۲ شماره - ۹۰۰ فرانک	E.I. B.P.8 1050 Bruxelles 5 Belgique	بلژیک
۶ شماره - ۹۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۸۰ کرون	I.S.F. PB. 398 1500 Copenhagen . V Denmark	دانمارک
۶ شماره - ۸۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۲۰ کرون	I.S.S Box 50057 10405 Stockholm Sweden	سوئد
۶ شماره - ۷۰ فرانک ۱۲ شماره - ۱۲۰ فرانک	A.C.P B.P. 54 75261 Paris Cedex 06 France	فرانسه
۶ شماره - ۱۰ دلار ۱۲ شماره - ۱۸ دلار	ISS P.O. Box 372 Ahuntsic Station Montreal, P.Q. H3L 3N9/ Canada	کانادا
۶ شماره - ۹۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۲۰ کرون	I.S.O.U. P.B.12 7082 Kattem Norway	نروژ
۶ شماره - ۲۲ فلورن ۱۲ شماره - ۴۰ فلورن	P.B. 11491 1001 G.L. Amsterdam Netherlands	هلند
۶ شماره - ۳۰ روپیه ۱۲ شماره - ۵۰ روپیه	P.O.Box 7051 New Delhi 65 India	هند

۴۰	ت ۴	۵۰	دور راه - سن خوزه	مارک	آلمان
۴۰	رقیبی پیشمرگه	۵۰	س ک سن خوزه	کوتینگن - حفاظت	
۵۰	کمیته ی مرکزی	۴۰۰	اوهاییو -	از رادیو	
۴۲	یاد فتح	۱۳۰	رفیق حس	برمن - اسکندر	
۱۶	کمیته ی مرکزی	۱۵۰	رفیق جهان	کلن - بدون کد	
	رفیق حسن -	۵۰		کلن - بدون کد	
۵۰	کاوه - اسکندر		شلینک	کاسل - دفاع	
	دفاع قهرمانانه	۱۰۰	سلام ای	از رادیو	
۱۰	از رادیو	۵۰۰	سازمان فردا	فرانکفورت - کمیته ی	
۱۰	کردستان - آریزونا	۱۰۰	سلام ای	خارج از کشور	
۱۴	صدای فدایی	۵۰۰	سازمان عشق	غانور - بدون کد	
		۵۰	سلام ای	غانور - بدون کد	
	ایتالیا لیر (هزار)	۵۰۰	گسترش میهنی	حمید (۱۹ بهمن)	
	دفاع قهرمانانه از		سلام ای		
۲۰	مرکز رادیویی	۵۰۰	غول آینده	دلار	آمریکا
۲۰	کمیته ی مرکزی	۵۰۰	غلامرضا تختی	م - ل دیترویت	
	شکست توطئه ی	۳۰۰	چریک فدایی	شهادت اسفند -	
۱۰	عوامل بورژوازی	۱۰۰	کارگر	بستن	
	زنده باد استقلال		سازمان دانشجویان	رفیق حسین	
۳۰	طبقاتی کارگران	۲۸۳	ایرانی وین - اتریش	محمدی کلاهدوز	
	رفقای شهید حسن -	۳۰۰	هوادار سچفا	رفیق توکل	
۵۰	کاوه - اسکندر	۱۰۰		غلام - انورخوجه	
	۴ بهمن - تثبیت		پیوند	پیروزی	
۱۰	پیشامتن انقلابی	۱۰۰	به یاد رفقا اسکندر -	دنور -	
	مرک بر اپورتونیسیم	۲۰	کاوه - حسن	رادیو فدایی	
۲۰	تشکیلاتی	۰۸۱/۵	آزاد - کردستان	صمد بهرنگی	
۲۰	رفیق توکل	۱۰۰	گلاسگو -	نیوجرسی	
		۱۰	صدای فدایی	به یاد شهادت	
		۵۰	داندی - الف	اسفند ۶۰	
	دانمارک		پیزلی - زنده باد	مرک بر	
کرون	زنده باد استقلال	۱۱۰	استقلال طبقاتی	اپورتونیسیم	
۱۰۰	طبقاتی کارگران	۱۳۰	پیزلی - دوراه	رفیق بیژن جزئی	
	رفقای	۱۳۰	رفقای ادینبرو	رفیق احمدزاده	
۱۰۰	کمیته ی رادیو	۱۳۰	ادینبرو -	رفیق یویان	
	رفیق به خون	۲۰۰	صدای فدایی	سعید سلطانیور	
۱۰۰	تپیده کاوه	۰۹۰	رفقای گلاسگو	اشرف بهکیش	
	رفیق به خون		گلاسگو -	سیات تحریریه ی	
۱۰۰	تپیده حسن	۱۱۵	کمیته ی رادیو	کارو صدای فدایی	
	رفیق به خون	۵۰	پیزلی - ب	نشریه ی جهان	
۵۰	تپیده اسکندر	۰۳۰	داندی - کردستان	لنین	
		۰۲۵	آزاد - کردستان	داس و چکش	
کرون	سوئد	۱۳۵	مرک بر عامل	بامی استار	
۰۲۰۰	توقف رادیو	۲۵۰	پیوند	رفقای تهران	
۱۵۰۰	رفقای بیوتوبوری	۱۰۰	انگلستان	ریگای گال	
		۳	ت ۳		

نروژ	کرون	یوگوسلاوی	دینار
نروژ بر	۱۰۰	یتک آنتین	(دلار) ۸۰
اسرای سچفا			



☆ **بیرنگام** - رفیق ح - نامه و مطلب ارسالی شما را دریافت کردیم. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

☆ **ترکیه** - استانبول - رفیق ع - خبر و بریده‌ی روزنامه‌ها در مورد روابط ایران و ترکیه مورد استفاده کمیته‌ی خبر قرار گرفت. در آینده نیز ما را از اخبار ترکیه با خبر کنید.

☆ **استکهلم** - رفیق د - شعر شما به دست ما رسید. برای ما باز هم شعر بفرستید.

☆ **دعلی** - کازلی - شعر شما در اختیار بخش ادبی قرار گرفت و امیدواریم در آینده از آن استفاده کنیم.

☆ **آمریکا** - بستن - رفیق ح - مطالب ارسالی شما رسید. در شماره‌های آینده از آنها استفاده خواهیم کرد. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

☆ **آلمان** - کلن - رفیق ف - نامه‌ی شما رسید. پاسخ آن در اولین فرصت برای شما فرستاده خواهد شد.

خبر افزایش صادرات ذغال سنگ از لهستان به انگلستان در دوره‌ی اعتصاب کارگران معادن انگلیس، در روزنامه‌های تایمز مالی، گاردین و در سخنرانیهای مکرر رهبران کارگران

اعتصابی از جمله آرتور اسکارگیل اعلام شد.

خبر دیگر از طرف خبرگزاریهای بین‌المللی، از جمله خبرگزاری تاس، بلافاصله پس از انتخاب مارکوس، پخش شد.

☆ **ترکیه** - استانبول - رفیق بیژن - نشوین و همکاری شما باعث دلگرمی کارکنان نشریه جهان شد. ما نیز معتقدیم نشریه‌ی جهان وظایف مهمی در پیشبرد فرهنگ و ادبیات انقلابی به عهده دارد و امیدواریم صفحات ادبی - عتری نشریه هرچه بیشتر جوابگوی این وظیفه باشند.

مطلبی که در مورد شاعر بودن و شاعر شدن نوشته‌اید در اختیار بخش ادبی نشریه قرار گرفت و امیدواریم در آینده از آن استفاده کنیم.

☆ **یوگوسلاوی** - رفیق س - نامه‌ی شما را که در انتقاد به مقاله‌ی "شاعر بودن و شاعر شدن" (مترجم در جهان ۲۷) نوشته‌اید برای استفاده‌ی خوانندگان جهان در زیر چاپ می‌کنیم. همان طور که قبلاً در این صفحات گفته‌ایم، در شماره‌های بعدی نشریه نظر خود را درباره‌ی نکات مهمی که خوانندگان جهان بر طی نامه‌سایشان در مورد این مقاله برای ما ارسال داشته‌اند درج خواهیم کرد. ضمناً از شعر ارسالی شما متشکریم، در شماره‌های بعدی جهان از آن استفاده خواهد شد. همکاریتان را با ما ادامه دهید.

"... نویسنده مقاله با طرح دو مقوله بینش شعری و دانش شعری مسائلی را مطرح می‌کند، اگرچه در مورد دوم به نحوی افتخار کننده چگونگی تنگ گیری و پیروسه‌ی تکامل دانش شعری را توضیح میدسد از خواننده می‌خواهد که به سادگی بگذرد که 'حالی‌یا بینش هست که در این صورت باید به دانش شعری مجهز شد و بدین ترتیب

از شاعر بودن به شاعر شدن رسید' و بدین ترتیب اگر خلاصه کنیم مفهوم رگ و صریح سمه مقاله این است. انسان‌ها دو گروه هستند، یعنی در واقع انسانها به دو گونه می‌زاینند، زادگان شاعر و زادگان غیر شاعر، باری آنان که شاعر هستند و بینش شعری دارند، از مادر که زاده می‌شوند شاعر بالقوه هستند و با تجهیز شدن با دانش شعری، به فعل در می‌آیند و شاعر می‌شوند. و از آنجایی که شعر نیز خود ستر است، می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که انسانها دو دسته هستند، گروهی که ... از نظر ژنتی - مورد لطف خداوندی قرار گرفته و عزیزه و عطیه الهی به آنها نقویض شده است ... در هر حال چندان فرقی نمی‌کند، اصل مهم این است که خارج از حوزه‌ها و روابط اجتماعی صرفاً در حوزه‌های زیستی هنرمندان از دیگر مردم جامعه تمایز پیدا می‌کنند، و باز فرق نمی‌کند که خدا یا طبیعت یا ژن یا بیولوژی این کار را کرده است، مسئله اساسی این است که هنرمندان از نخست نخبگان بالقوه‌ای هستند که باید به دانش شعری تجهیز شوند و هنرمندان - شاعران - والا مقامی گردند و بدین ترتیب از وقتی کودکی متولد می‌شود گروهی حق دارد به غوغوییش بنازد، چون شاید این خود کسی باشد که از بینش شعری 'مادر زادی' برخوردار است، بنابراین به غوغوی کودکان نیز نباید به شوخی گذشت از کجا که این غوغوی اولیس، خود اثری هنرمندانه نباشد که در آینده‌ای نه چندان دور با دانش شعری به فعل در آید.

"نویسنده مقاله برای اینکه جای حرفی باقی نگذارد ما را به زیست‌شناسی و روانشناسی ... حواله میدسد که در آینده چه‌ها که خواهد کرد. با این عمه با هزار من سریش زیست‌شناسی و ... این نیز را نمی‌توان به ریش دیدگاه

علمی بست. اما اگر بخواهیم، بپذیریم که عنرمندان نیز آدمی مثل بقیه آدمها هستند و نه مادر - البته در رحم و پیش از تولد - و نه خدا کسی را عنرمند - نخیه برتر - خلق نمی‌کند، باید قبول کنیم که کلیه کنشها و حرکات و نمایشهای انسان در دو حوزه جای می‌گیرد.

"۱- حوزه زیست‌شناسی، رفتارهای زیستی حیوانی، گرایش ۲- حوزه‌های انسانی، شامل کلیه رفتارهایی که انسان را متمایز می‌کند. بخش نخست شامل کلیه فرایندهای زیستی و تشریحی کار کردی است و در کل شامل تمامی رفتارهای فردی و غیر اجتماعی است. که شرایط و ضوابط لازم را برای حفظ و بقای موجود فراهم می‌نماید. از حرکات ساده ریز مثل پس کشیده شدن دست در موقع سوختن، اولین جیب بچه‌ای که تازه دنیا می‌آید - حرکتی غریزی جهت حفظ و بقای نسل است (باز شدن دستگاه تنفسی و جلوگیری از سوخته شدن) تا سرخ شدن یا وا رفتن در موقع رویارویی با خطر. در این مثالها منظور ما عمدتاً از افراد سالم است، که خصلت‌های زیستی یکسانی دارند. مسائلی که در حوزه‌های زیست‌شناسی و رفتارهای حیوانی مطرح است عمدتاً - یعنی همه تقریباً - مادر زادی است و با تولد فرد بالفعل مستند. ۲- رفتارهای انسانی که عمدتاً در حوزه‌های تفکر قرار دارند، رفتارهایی هستند که بخشی از آن‌ها همراه با انسان به طور بالقوه در لحظه تولد هستند و در پیروسی بعدی که یکسرا در حوزه روابط و برخوردهای اجتماعی قرار دارند به فعل در می‌آیند، قوه اصلی و عمده این مسائل در گستردگی و رشد یافتگی قشر خاکستری مغز (کورتکس) است، که حاصل تاثیرات روند ابزار سازی و کار است. ما اکنون این سؤال را طرح می‌کنیم. این بینش شعری که مادر زادی نیز هست در کجای اینها قرار می‌گیرد؟ بی

سبج شکی چون مادر زادی است می‌باید در حوزه نخست قرار بگیرد یعنی به همان سادگی که انسان گرایش دیگر را دارد، غریزه شعری هم عده‌ای دارند. یا نه در حوزه رفتارهای اجتماعی و انسانی است که در این صورت نمی‌تواند مادر زاد باشد. اما انسان موجود غریبی است. با رفتارهای زیستی مشخصی زاده می‌شود و به کمک تعیین رفتارهای زیستی در محیط اجتماعی فرار می‌گیرد و چنان محیط اجتماعی در او تاثیر می‌کند که حتی برپایه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین عنصر رفتار حیوانی یعنی تلاش در جهت حفظ و بقا مسلط می‌گردد. مثال ساده‌ای بزیم. از لحظه‌ای که بچه متولد می‌شود تمامی گرایش و رفتارهای زیستی و بیولوژیک بکار می‌افتند تا او را از خطرات جدا کنند، مثلاً گلبولها در دفاع میکروبی، گرایش دیگر از زمین خوردن و ... تا این موجود به مرور زمان رشد کند و در رابطه اجتماعی تفکر بالقوه‌اش را به فعل در آورد و پس از آن بر همه گرایش‌ها سوار شود. مثلاً تمامی رفتارهای زیستی انسان حکم می‌کند که فرد برای بقا پیش کار کند ولی فردی وقتی به آرزایی - که رفتاری است اجتماعی و جامعه‌داد - دل می‌بندد تا آنجا پیش می‌رود که برای دفاع از آرمانش تمامی این رفتارهای مادر زاد را پشت پا می‌زند و مرک را می‌پذیرد. بنابراین اگر حتی آن را مادر زاد هم بدانیم، رفتارهای اجتماعی که حاصل اکتساب از محیط اجتماعی است بر آن مسلط شده می‌تواند آنرا از بین ببرد و یا بوجودش آورد.

"دیدگاه علمی به ما می‌گوید که علت‌العلل هر پدیده‌ای را باید درون آن پدیده جستجو کرد. شعر و هنر نیز پدیده‌ای انسانی است و انسان بودن یعنی اجتماعی بودن. بنابراین بدنبال علت‌العلل شعر نمی‌تواند به جستجوی ... حریشه ژنتیک افراد پرداخت. ... برای یافتن. پاسخی بر این مسئله

پیش از سر چیز باید به عنوان رفتاری اجتماعی و انسانی در جامعه جستجویش کرد. صفات و خصلت بیولوژیک که مادر زادی هستند با پدیده‌های ستر که اولین محصول عای تفکر انسانی (یا تجرید) - و نه بیولوژیک - است فرق دارد. عنرمند انسانی است که در طی پیروسی زندگی انسانی عنرمند می‌شود، نه اینکه موجود یا انسان خاصی است که در این پیروسی به عنرمند بودنش فعلیت می‌بخشد. بیشک بینش شعری را نمی‌توان به طور کامل و تمام از راه علم محض بدست آورد، همه مسائل که در بچه از ابتدای امر تا شاعر شدنش با او همراه است در درک و تاثیر او از عنر - شعر - و بیان شعری - عنری - موثر است، دقیقاً می‌توان گفت که لائلی مادر یا خر و پت کردن بابا تا دعواها و خستگی‌های اهل خانواده، و یا رفتارهای تک تک افراد خانواده در ساخت و پرداخت بینش شعری نقش دارند و حتی پیش از کتاب خواندن و درک علمی از شعر تا حدود زیادی این احساس و تاثیر پذیری از مسائل شکل یافته است و دسترنی و تجهیز علمی آنرا می‌تواند بهبود بدهد و حتی شدیداً آنرا تحت تاثیر خویش قرار بدهد. شك نیست که هرچه شناخت وسیع‌تری از بیرون داشته باشیم، آستانه تاثیر پذیری و متاثر شدنمان از مسائل که جان مایه هنر است گسترش می‌یابد و شناخت تکنیک و ابزارها به بیان بهتر و عنرمندانه‌تر از واقعیت - یا غیر واقعیت - کمک چشمگیر دارد. و سؤال دیگر از نویسنده مقاله این است که اگر ' یا بینش شعری داریم، که در این صورت باید رفت و جان کند و دانش شعری را یافت ' یا ' نداریم '، معیار این داشتن چیست؟ اگر چه چیزی داشته باشیم؟ آیا حد بخصوص چیزی مثلاً IQ یا مثلاً معیار دیگری مورد نظر است؟ ... "

کارخونه بستنی

تورکل راسموسن

یه روز، یه دختر فقیر از پیش پدر و مادرش رفت چون دیگه نمیخواس سربار اونا باشه
مادره گفت: "فقیر بودن خوب چیزی نیس"
تو این دنیا آدم باعاس پولدار باشه."
دختره م از "اداره کار" یه کار گرفت:
"نون بستنی پزی، تو یه کارخونه بستنی"

اون تابستون خیلی گرم بود و بستنی زود آب می شد
دختره بسکه تموم مدت عرق می ریخت، از نا می رفت.
مادره گفت: "فروش خیلی خوبه،
حالا تو عم کلی پول گیرت میاد."
اما اونایی که واقعا چیزی گیرتون می اومد
فقط سهامداران بودن.

اینا تو سالای ۴۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا داغ بود
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که به زبون ساده
رشد می کرد و گنده می شد.

تو پاییز، وقتی زوزه ی باد پایین دیوار ای
کارخونه ی بستنی می پیچید، دختره بیخ می کرد.
فرن این نانو با نانوای میز بعدی، اضافه مزد بود و ریش
دختره فکر کرد: "ما همه مون یه جور قیف بستنی می پزیم،
فقط فرمون اینه که اون مرده و من زن. اما اون بضاعتشو
داره که خودشو گرم نگه داره، چون مزد بیشتری بهش میدن."

بستنی ها تعریفی نبود، اما مزد خیلی کم بود
و اون یه کارخونه ی کوچیک، خیلی زود شد دوتا.
دختره فکر می کرد: "صدقه سرنی کار من،
عم تولید بالا میره و هم سود.
وقتی من تو آشنال و کثافت جون می کندم،
سرمایه دارا از غذاهاشون کیفور می شدن."

اینا تو سالای ۵۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا خنک بود
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که سی روش می رفت
و سزار برابر می شد.

یه روز دها با زرس با زمون سجا و دفتر و دستکشون اومدن
و رکورد تولید قیف بستنی ها رو با تشویق و تنبیه گرفتن.
سرکارگر گفت: "دخترم، تو همیشه باعوش بودی
و الانم باعاس شجاع باشی."
تو حالا دیگه پیر و کند شده ی، ما می خوایم مزدتو کم کنیم،
تو هم باید بری تو باغچه و کاغد جمع کنی."

خیس از باران بی رنگ و روی بهاری، اما بی اعتنا به سرکوفت
دختره رفت پیش رئیس کارخونه
و ازش خواست که بهش قدرت بده.
رئیس در جوابش گفت: "همینو کم داشتیم، مشکلمون حل شد
تو جون میدی که مری بشی واسه ی دمکراسی تجارتخونه."*

اینا تو سالای ۶۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا مرطوب بود.
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که در یک کلام
زندگی تجملاتی بود.

زمستون اومد اما یخ ها نه یارای تحمل داشتن ونه درعم شکستن
طاقت سر اومد، اما دختره سر تصمیمش بود.
دختره گفت: "ما نمی تونیم اجازه بدیم که این رئیس صنفا
پیر و خرفت بیشتر از این اغفالمون کنه."
اما تو اتحادیه حرف سر عمکاری بود نه سر جنک طبقاتی.

بستنی بدتر می شد و کارخونه می رفت رو به ترقی
و چند ملیتی می شد.
به اونایی ام که مطیع بودن، قول رفتار انسانی داده می شد.
دختره فریاد زد: "ما باعاس قدر تو
تو دستامون بگیریم و سرمایه داری رو نابود کنیم!"
برف سفید سقوط می کرد، وقتی پلیسای سیاه پوش
دختره رو با خودشون می بردن.

اینا تو سالای ۷۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا خنک بود
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که سی روش می رفت
و هزار برابر می شد.

ترجمه ی: س. د. ی. ک.

☆ اشاره به یک بند از قانون کار سالهای ۶۰ در سوئد.
"انتخاب نماینده برای کارگران از سوی رئیس"

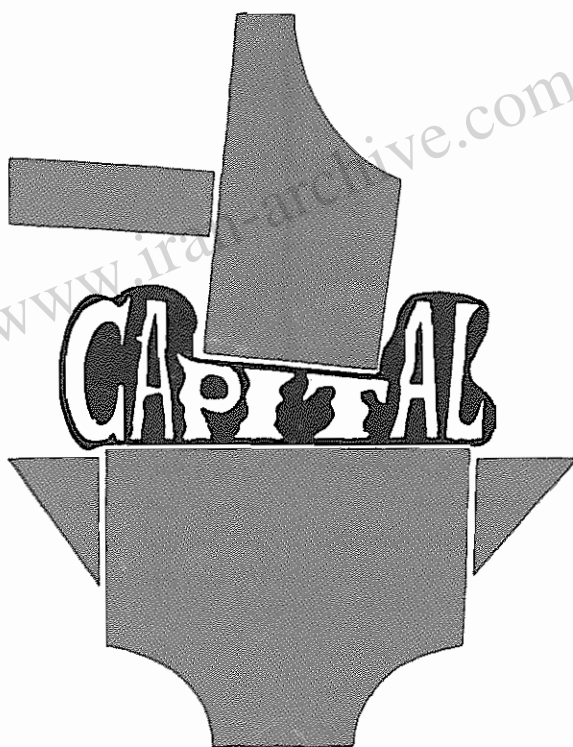
JAHAN

Organ of the student supporters of the Organisation
of Iranian Peoples' Fedaii Guerrillas -abroad

VOL. V

MAY '86

NO:42



یوسنر کارگراں سینروشن
فرانسہ
ماه مه ۱۹۶۸

برای تماس با جهان با نشانی زیر مکاتبه کنید:
JAHAN PO BOX 274 . GLASGOW G41 3XX . UNITED KINGDOM